إصدارات أنصار الإمام المهدي / العدد (139)

**انتشارات انصار امام مهدی**

الأجوبة الفقهية

(مسائل متفرقة - ج۱)

پاسخ‌های فقهی

(مسائل متفرقه - جلد ۱)

أجوبة وصي ورسول الإمام المهدي

السيد أحمد الحسن

**پاسخ‌های وصی و فرستادۀ امام مهدی**

**سید احمدالحسن**

إعداد

الشيخ علاء السالم

گردآوری و تنظیم:

علا سالم

مترجم:

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی

الطبعة الأولى

1433 هـ - 2012 م

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نام کتاب  نویسنده  گردآوری و تنظیم  مترجم  نوبت انتشار  تاریخ انتشار  کد کتاب  ویرایش ترجمه | پاسخ‌های فقهی (مسائل متفرقه - جلد 1)  احمدالحسن  علا سالم  گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی  اول  1396  130/1  اول | |
|  | | |

**جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک**

**سید احمدالحسن به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.**

[**www.almahdyoon.co/ir**](http://www.almahdyoon.co/ir)

[**www.almahdyoon.co**](http://www.almahdyoon.co)

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً**

بسم‌الله الرحمن الرحیم

و صلی‌الله علی‌محمد و آله الطاهرین الائمه و المهدیین و سلّم تسلیماً

عن الحارث بن المغيرة النصري: (قلت لأبي عبد الله : بأيِّ شيء يُعرف الإمام القائم ، قال : بالسكينة والوقار. قلت: وبأيِّ شيء؟ قال: تعرفه بالحلال والحرام، وبحاجة الناس إليه ولا يحتاج إلى أحد، ويكون عنده سلاح رسول الله . قلت: أيكون إلا وصي ابن وصي؟ قال: لا يكون إلا وصي وابن وصي) غيبة النعماني: ص۱۲۹.

از حارث بن مغیره نصری روایت‌شده است: به ابوعبدالله عرض کردم: امام قائم با چه چیزی شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: (**با سکینه و وقار**). عرض کردم: و با چه ابزاری؟ فرمود: (**او را با حلال و حرام می‌شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول** **خدا نزد او است**). گفتم: آیا او جز وصیِ فرزند وصی خواهد بود؟ فرمود: (**جز این نخواهد بود که او وصی و فرزند وصی است**).([[1]](#footnote-1))

على ضوء هذا النهج الإلهي الذي أوضحه آل محمد  في التعرّف على الإمام القائم أضع بين يدي أنصار الله - أنصار الإمام المهدي (١٥٩) سؤالاً مما يعمّ بها الابتلاء، كانت قد وجِّهت إلى السيد أحمد الحسن في ما يرتبط بأحكام فقهية مختلفة، ضمها كتاب الجواب المنير بأجزائه المتعددة وغيره، ولأنها تناولت أسئلة مهمة كان مفيداً جداً تدوين هذه الأجوبة وإفرادها في هذا الكتاب، وقد أجريت بعض التعديلات على الأسئلة لتكون أكثر شمولاً ووضوحاً.

در پرتو این راه آشکار و روشن الهی ـ‌که آل محمد  در شناسانیدن امام قائم  تبیین فرموده‌اند‌ـ ۱۵۹ پرسشی را که به‌طورمعمول بیش‌ترِ مردم مبتلابه‌شان می‌باشند به انصار خداوند ـ‌انصار امام مهدی ‌ـ تقدیم می‌کنم؛ پرسش‌هایی که در رابطه با احکام فقهی مختلف به سید احمدالحسن  ارائه‌شده و مضمون بیش‌ترشان در بخش‌ها و جلدهای متعدد «پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج» و همچنین سایر منابع آمده است؛ ازآنجاکه این‌ها پرسش‌های مهمی هستند، مدوّن کردن این پاسخ‌ها و گنجانیدن آن‌ها در این کتاب بسیار مفید می‌باشد. برای وضوح و دسته‌بندی بهتر قدری مرتب‌سازی بر روی این پرسش‌ها انجام دادم.

سيدي أحمد الحسن .. إن حال بيننا وبينك المقدور، وتعاقبت الأيام بعد انتظارك سنين ودهوراً، فصرت شريداً طريداً، ولكن أبت رحمتك بنا نحن أهل الخطايا المقصرين في حقكم آل محمد، إلا أن تأخذ بأيدينا إلى صراط الله القويم وتبين لنا حلاله وحرامه، لتكتمل حلقة الطهارة بولايتكم التي أخذ الله سبحانه على الخلق ميثاقها.

آقای من، احمدالحسن... هرچند میان ما و شما حائلی تقدیر شده است و روزها در انتظارت به ماه‌ها و سال‌ها منتهی شد، و شما آواره و رانده شدی، اما لطف و رحمت خود از ما که خطاکارانی تقصیرکار در حق شما آل محمد  هستیم دریغ نفرمودی؛ جز این نیست که دست ما را بگیری و به راه راست استوار الهی رهنمون سازی و حلال و حرامش را به ما بنمایانی، تا حلقۀ پاکی به ولایت شما تکمیل گردد؛ همان ولایتی که خداوند سبحان عهد و میثاقش را از خلایق گرفته است.

أضع يبن يديك يا بن رسول الله ما جمعته من شرع الله الذي أوضحتَه بأجوبة الأسئلة التي تواردت عليك، أجبتها على الرغم من كل ما تمر به من قساوة الدهر وأهله، وكان شرعاً أريد له أن يغيب كتغييبكم أهل البيت ليملأ العلماء غير العاملين حياة الناس بأحكام لا تمتّ إلى دين الله وشرعه بصلة أبداً. والله سبحانه أسال وأرجو أن يمكّن لك في أرضه لإقامة دينه وحاكميته، والحمد لله رب العالمين.

۱۳ / شوال / ١٤٣٢ هـ

علاء

ای پسر رسول خدا! آنچه را از شرع خداوند که با پاسخ دادن به سؤالاتی که بر شما عرضه‌شده است، برای ما روشن ساختی، گردآوری نمودم، تقدیم پیشگاهتان می‌کنم. سؤالاتی که با تمام قساوت و سنگدلی این روزگار و اهالی‌اش اقدام به پاسخ دادنشان نمودی؛ احکام و شریعتی که این‌گونه اراده شده بود که همچون غیبت شما، غایب و پنهان بمانند تا عالمان بی‌عمل زندگانی مردمان را با احکام و دستوراتی که به‌هیچ‌وجه راهی به دین خدا و شرع او ندارند، آکنده گردانند. از خدای سبحان مسألت دارم و امیدوارم که برای بر پا شدن دین و حاکمیتش، شمارا در زمینش تمکین دهد؛ و سپاس و ستایش تنها از آنِ خداوند، پروردگار جهانیان است.

۱۳ شوال ۱۴۳۲([[2]](#footnote-2))

علا

****

**فهرست**

[پاسخ‌های فـقهی (مسائل متفرقه - جلد 1)... 7](#_Toc488261387)

[شعایر حسینی 11](#_Toc488261388)

[قسم خوردن به اولیا 15](#_Toc488261389)

[مسائل مربوط به نذر و تبرعات 16](#_Toc488261390)

[حکومت ظالمان 19](#_Toc488261391)

[آنچه به دعوت حق و مخالف آن تعلق دارد 27](#_Toc488261392)

[نیكی به پدر و مادر 32](#_Toc488261393)

[آنچه به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها تعلق دارد 35](#_Toc488261394)

[استعمال دخانیات، تراشیدن ریش و بعضی از امور مرتبط با مردان 45](#_Toc488261395)

[تجارت و برخی از معاملات 48](#_Toc488261396)

[برخی شغل‌ها و وظایف 52](#_Toc488261397)

[بانک‌ها و وام‌های رَبَوی 57](#_Toc488261398)

[قرارداد بیمه 63](#_Toc488261399)

[موسیقی، نقاشی موجودات جاندار و برخی بازی‌ها 65](#_Toc488261400)

[مسائل مربوط به پزشکی و عمل زیبایی 68](#_Toc488261401)

[اهدای عضو، و تشریح جسد مردگان 71](#_Toc488261402)

[جلوگیری از بارداری، تلقیح و شبیه‌سازی 72](#_Toc488261403)

[آرایش زن و بعضی از احکام مخصوص به زن‌ها 78](#_Toc488261404)

[آنچه به ارث و حقوق مردم تعلق دارد 87](#_Toc488261405)

[شیء پیداشده و کودک سرراهی 91](#_Toc488261406)

[سرقت 92](#_Toc488261407)

[توبه 95](#_Toc488261408)

پاسخ‌های فـقهی

(مسائل متفرقه - جلد ۱)

الشعائر الحسينية

**شعایر حسینی**

س۱/ ما حكم العزاء، ولبس الأسود، وعمل الطعام في محرم على الصورة التي نفعلها الآن وخاصة في يوم العاشر ؟ حتى يسير الإنسان على بينة من أمره على المنهاج الصحيح.

پرسش ۱:

عزاداری، سیاه‌پوش شدن و غذا دادن در محرم به صورتی که هم‌اکنون ما انجام می‌دهیم ـ‌به‌خصوص در روز عاشورا‌ـ چه حکمی دارد؟ به‌جای اینکه انسان با دلیل و بر راه راست و درست قدم بردارد.

ج/ كل ما يُبيِّن للناس مظلومية الحسين مستحب وفيه أجر عظيم، وأعظمها أجراً معرفة سبب خروج الحسين وبيانه للناس، فالحسين خرج لإصلاح الأمة وإخراجها من التيه الذي دخلت فيه بعد أن تمردت على إرادة الله وقررت أن تنفذ إرادتها، الأمة التي رفضت تنصيب الله وقررت أن تنصب هي، الأمة التي تقبّلت بصدر رحب تنصيب أبي بكر لعمر ورفضت رفضاً قاطعاً تنصيب رسول الله محمد  بأمر من الله سبحانه لعلي ، الأمة التي وصلت إلى أن تعتبر يزيد ابن ميسون (لعنه الله) خليفة الله في أرضه وتعتبر الحسين ابن فاطمة (عليها السلام) خارجياً، الأمة التي بررت السقيفة التي تمخّض عنها كسر ضلع فاطمة الزهراء وسبي زينب الحوراء وبنات رسول الله .

پاسخ:

هر چیزی که مظلومیت حسین  را برای مردم بیان کند مستحب و پسندیده، و اجری عظیم در آن است و با اجرترین آن‌ها شناخت و معرفت علت خروج امام حسین  و بیان آن برای مردم می‌باشد؛ اینکه حسین  برای اصلاح امت خروج کرد؛ برای خارج کردن امت از سرگردانی که در آن داخل شده بود، پس‌ازآنکه امت از خواست و ارادۀ خداوند سرپیچی کرد و چنین مقرر داشت که خواست و ارادۀ خودش را به اجرا درآورد؛ امتی که تنصیب خداوند را نپذیرفت و مقرر داشت که خودش (حاکم را) منصوب کند؛ امتی که با سینه‌ای گشاده تنصیب ابوبکر برای عمر را پذیرا شد، و با جَزم و قاطعیت تنصیب محمد فرستادۀ خدا  برای علی  ـ‌که به امر خداوند سبحان بود‌ـ را نپذیرفت؛ همان امتی که کارش به‌جایی رسید که یزید فرزند میسون (لعنه‌الله) را خلیفه و جانشین خداوند بر زمینش دانست و حسین فرزند فاطمه  را خارجی قلمداد کرد؛ همان امتی که سقیفه را به نیکی ستود؛ سقیفه‌ای که منجر به شکستن سینۀ فاطمۀ زهرا و اسارت زینب حورا و دختران رسول خدا  گردید.

إنّ إحياء ذكرى شهادة الحسين في العاشر من المحرم كل عام هو إحياء للدين الإلهي منذ نزل آدم ؛ لأن الحسين ضحّى بدمه ليقول: الله هو مالك الملك وهو الذي يُنَصِّب خليفته في أرضه *﴿***وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ...***﴾*، ولما اعترض الملائكة و *﴿***قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ***﴾* أجابهم تعالى: *﴿***قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لا تَعْلَمُونَ***﴾* البقرة:30، فهل أنّ لأهل السقيفة علم الله سبحانه وتعالى عما يصفون لينصبوا من يشاءون ؟؟!!

قطعاً زنده نگاه‌داشتن یاد شهادت حسین  در عاشورای محرم هرسال، احیا و زنده نگه‌داشتن دین الهی از زمان نزول آدم  است؛ چراکه حسین با خونش قربانی شد تا بگوید: تنها خداوند مالک سلطنت است و او کسی است که خلیفه و جانشینش در زمینش را منصوب می‌کند: ﴿(**و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه و جانشینی می‌گمارم**...)﴾ و هنگامی‌که ملائکه اعتراض کردند و ﴿(**گفتند: آیا کسی را قرار می‌دهی که در آنجا فساد کند و خون‌ها بریزد و حال‌آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم**؟)**﴾**  حق‌تعالی آنان را پاسخ فرمود: ﴿(**گفت: من چیزی می‌دانم، که شما نمی‌دانید**)﴾.([[3]](#footnote-3)) پس آیا اصحاب سقیفه، علم خداوند سبحان و متعال ازآنچه خود توصیف می‌کنند رادارند تا هر کس را که بخواهند منصوب کنند؟؟!!

ضحّى الحسين لأجل راية رسول الله  (البيعة لله)، ضحى الحسين لينقض هيكل الباطل (حاكمية الناس) ويبني هيكل الحق (حاكمية الله)، فالذي يريد إحياء ذكرى عاشوراء حقاً عليه أن يُحيي هدفها (حاكمية الله سبحانه وتعالى).

حسین  برای پرچم رسول خدا  (‌البیعة لله = بیعت از آنِ خداوند است‌) قربانی شد. حسین  قربانی شد تا بنای باطل ـ‌یعنی حاکمیت مردم‌ـ را بشکند و شالودۀ حق ـ‌یعنی حاکمیت خداوند‌ـ را بنا کند. پس کسی که حقیقتاً می‌خواهد یاد عاشورا را زنده کند باید هدف از آن ـ‌یعنی حاکمیت خداوند سبحان‌ومتعال‌ـ را زنده کند.

س۲/ ما هو حكم الشعائر الحسينية المتعارف عليها في هذا الوقت ؟

ومن ضمنها:

أ- اللطم وهو عريان ؟

پرسش ۲:

شعایر حسینی متعارف در این زمان چه حکمی دارد؟

و در ضمن آن:

الف‌) سیلی زدن به بدن در حالت عریان؟

ج/ تعرية الرجال الجزء العلوي من أجسادهم لغرض اللطم عمل غير لائق، والصحيح أن يترك التعري أثناء اللطم خصوصاً في أماكن العبادة.

**پاسخ:** اینکه مردها بالاتنۀ خود را برای سیلی زدن عریان کنند عملی ناشایست است و صحیح، آن است که عریان شدن در هنگام سیلی زدن ترک شود؛ به‌خصوص در اماکن مخصوص عبادت.

ب- الأفراح أو المواليد لأهل البيت  ويتخلله تصفيق وهلاهل، وقد تستعمل أناشيد بها موسيقى ؟

**ب‌)** شادی‌ها یا جشن‌های میلاد اهل‌بیت  که همراه با کف زدن و هلهله است و گاهی اوقات از سرودهایی همراه موسیقی استفاده می‌شود؟

ج/ يجوز التصفيق باليدين، وأما هلاهل النساء فهي جائزة أمام النساء وغير جائزة أمام غير المحارم من الرجال. ويحرم الاستماع للموسيقى.

**پاسخ:** دست زدن جایز است اما هلهله‌های زنان تنها در حضور زن‌ها جایز و در حضور مردان نامحرم جایز نیست. گوش دادن به موسیقی حرام است.

ج- التطبير ؟

**ج‌)** قمه‌زنی؟

ج/ التطبير بحد ذاته إذا كان جرحاً بسيطاً لإخراج الدم فقط ولم يكن يسبب ضرراً للمؤمن جائز، ولكن إذا كان سبباً لتنفير الناس البسطاء عن الإسلام أو للقدح في الإسلام فهو غير جائز، وهذا هو ما يحصل هذه الأيام.

**پاسخ:** قمه‌زنی به‌خودی‌خود اگر فقط جراحتی سطحی برای خارج کردن خون باشد و آسیبی به مؤمن نرساند جایز است؛ اما اگر موجب تنفر مردمِ عامه از اسلام یا باعث طعنه واردکردن به اسلام شود جایز نیست؛ و این، همان چیزی است که این روزها حاصل می‌شود!

فالذي يريد التطبير يمكنه أن يفعل هذا في بيته وبعيداً عن أعين الناس، وهذا أيضاً أفضل له ليكون عمله مخلصاً لله إن كان فعلاً يطلب بالعمل وجه الله. أما من يفعلون هذا بصورة منظمة وجماعية وأمام الناس البسطاء وخصوصاً المخالفين وغير المسلمين فهم يسبّبون تنفير الناس عن الإسلام، وبهذا يكون عملهم مضراً.

بنابراین کسی که می‌خواهد قمه بزند می‌تواند در خانه و به ‌دور از چشم مردم این کار را انجام دهد و این کار برای او فضیلت بیشتری نیز دارد، تا به‌این‌ترتیب عملش خالصانه برای خدا باشد، اگر در عمل به دنبال رضایت خداوند می‌باشد؛ اماکسانی که این عمل را به‌صورت منظم و دست جمعی و در حضور مردم عامه -به‌خصوص مخالفان و غیر‌مسلمانان- انجام می‌دهند، موجب تنفر و بیزاری مردم از اسلام می‌شوند و به‌این‌ترتیب عمل آن‌ها مضرّ می‌باشد.

د- المشاعل والطبخ والمشي وغيره ؟

**د)** مشعل روشن کردن، طبخ غذا، پیاده رفتن و کارهای دیگر؟

ج/ الطبخ وإطعام الناس مستحب، والمشي للحج ولزيارة الرسول محمد  والإمام الحسين والأئمة  مستحب.

**پاسخ:** طبخ غذا و خوراک دادن به مردم مستحب است، و پیاده رفتن برای حج، زیارت رسول خدا حضرت محمد ، امام حسین  و ائمه  مستحب است.

س۳/ ما حكم التصفيق باليدين في الاحتفالات والمواليد التي تقام في ولادات الأئمة  وغيرهم ؟

پرسش ۳:

دست زدن در جشن‌ها و میلادهایی که در ولادت ائمه  و سایر موارد بر پا می‌شود چه حکمی دارد؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س۴/ ما هو رأي السيد أحمد الحسن حول التطبير في العزاء ؟

پرسش ۴:

نظر سید احمدالحسن دربارۀ قمه‌زنی در عزاداری چیست؟

ج/ الأفضل تجنبه وفقكم الله، وإن لم يكن فيه ضرر معتبر بالجسم.

پاسخ:

خداوند شمارا توفیق عطا فرماید! بهتر است از آن اجتناب شود؛ حتی اگر ضرر قابل‌توجهی به جسم وارد نکند.

س٥/ إني من طلبة الحوزة ومضت سنين عليّ وأنا خادم المنبر الحسيني الشريف، وقد دعوني هذا العام في شهر محرم الآتي للعراق لقراءة العزاء، فهل أذهب أم لا ؟ علماً أنّ الذين دعوني غير مؤمنين بهذه الدعوة الحقة.

پرسش ۵:

من از طلبه‌های حوزه هستم، سنی از من گذشته است و خادم منبر شریف حسینی هستم. برای ماه محرم امسال در عراق برای عزاداری مرا دعوت کرده‌اند، به آنجا بروم یا نه؟ با توجه به اینکه کسانی که مرا دعوت کرده‌اند مؤمن به این دعوت حق نیستند.

ج/ يجوز أن تذهب لقراءة العزاء ولنشر الحق، مثلاً بطرح قانون معرفة الحجة والعلم الذي عرفته من دعوة الحق.

پاسخ:

می‌توانی برای عزاداری و انتشار حق بروی؛ مثلاً با مطرح کردن قانون شناخت حجت و علمی که از دعوت حق فراگرفته‌ای.

\*‌ \* \*

\* \* \*

القسم بالأولياء

قسم خوردن به اولیا

س٦/ الحلف بالعباس وباقي الأولياء، هل يكون كالحلف بالله، وكفارته كذالك ؟

پرسش ۶:

آیا قسم خوردن به حضرت عباس  و دیگر اولیا همانندِ قسم خوردن به خدا است و کفارۀ آن به همان میزان است؟

ج/ القسم بالأنبياء والأوصياء قسم قائم، ولا يجوز أن يقسم أحد بهم أو بحقهم عند الله مبطلاً. أما من جهة الكفارة فلا كفارة فيه ويكفيه الاستغفار إن كان مبطلاً، والأفضل أن يذبح شاة ويطعم منها الفقراء ليدفع الله عنه أي ضرر بسبب القسم إن كان مبطلاً، بل حتى وإن كان محقاً في قسمه.

پاسخ:

قسم خوردن به انبیا و اوصیا قسمی پابرجا است، و جایز نیست کسی به آن‌ها یا حق آن‌ها در نزد خداوند به‌صورت باطل قسم بخورد؛ اما کفاره‌ای ندارد و اگر به باطل قسم بخورد استغفار کافی است، و بهتر آن است که گوسفندی ذبح و فقرا را با آن اطعام کند تا اینکه خداوند هر ضرری را به سبب آن سوگند ـ‌اگر به باطل قسم‌خورده باشد‌ـ از او دور کند؛ و حتی اگر به‌حق قسم‌خورده باشد.

\* \* \*

ما يتعلق بالنذر والتبرع

مسائل مربوط به نذر و تبرعات

س٧/ ما حكم من ينذر أو يحلف ثم ينسى موارد الحلف والنذر كم كانت ؟

پرسش ۷:

کسی که نذر کند یا قسم بخورد و سپس فراموش کند موارد قسم و نذر چه مقدار بوده است، چه حکمی دارد؟

ج/ يكفيه ان يؤدي ما يحتمله ولا يكلف الله نفساً إلا وسعها.

پاسخ:

ادا کردن همان مقداری که احتمال می‌دهد برایش کفایت می‌کند؛ و خداوند هیچ‌کس را تکلیف نمی‌کند مگر به مقدار توانایی‌اش.

س٨/ نذرت أخت أنصارية نذراً للإمام الحسين ، وهو مجموعة من المحابس تجعلها في ضريح الحسين ، والآن تريد أن تفي بنذرها، وقد سمعت من الناس أنّ الأموال في الضريح يتصرفون بها الذين هم قيّمون على الحضرة المباركة، أو يبيعونها بقيمة قليلة، فهل يجوز لها أن تعطي قيمتها أموالاً، أم يوجد شيء آخر ؟؟

پرسش ۸:

یکی از خواهران انصاری برای امام حسین  نذر کرده است که مجموعه‌ای از انگشترها را داخل ضریح امام حسین  قرار دهد و اکنون می‌خواهد به نذرش وفا کند. او از مردم شنیده است کسانی که متولی مرقد مبارک هستند در اموال ضریح داخل و تصرف می‌کنند یا با قیمت پایینی آن‌ها را می‌فروشند. آیا او می‌تواند بهای آن را بپردازد یا راه دیگری وجود دارد؟

ج/ تنفق قيمتها في أجور ومصرف زيارة مؤمن أو مؤمنة للإمام الحسين .

پاسخ:

بهای آن را درراه اجر و مصرف مردان و زنان مؤمن زائر امام حسین  انفاق کند.

س٩/ إحدى النساء نذرت إن كان الأمر الفلاني فأضع كذا مقدار في ضريح العباس ، والآن ماذا تفعل، فهل بامكانها صرف النذر في بناء حسينيات الأنصار مثلاً ؟

پرسش ۹:

یکی از زن‌ها نذر کرده است که اگر فلان کار انجام شود فلان مبلغ در ضریح عباس  می‌اندازم؛ اکنون چه باید انجام دهد؟ آیا می‌تواند به‌عنوان‌مثال این نذر را در ساختن حسینیه‌های انصار مصرف کند؟

ج/ تضعه في إحياء زيارة أبي الفضل العباس ، مثلاً: تنفقه على الزوار المؤمنين وعلى حاجاتهم أثناء الزيارة.

پاسخ:

آن را در احیای زیارت ابوالفضل العباس  خرج کند؛ مثلاً آن را برای زائران مؤمن و نیازهای آن‌ها در حین زیارت انفاق کند.

س١٠/ نذرتُ يوم أربعينية الإمام الحسين الذهاب مشياً من النجف إلى كربلاء، فإذا لم أقدر على الذهاب لسببٍ كالطبخ مثلاً، فما هو الحكم ؟

پرسش ۱۰:

نذر کرده‌ام که روز اربعینِ امام حسین  پیاده از نجف به کربلا بروم. اگر به دلیلی ـ‌مثل پختن غذا‌ـ نتوانم بروم، چه حکمی دارد؟

ج/ الطبخ ليس عذراً يمكن الاعتذار به عن عدم الوفاء بالنذر، ولكن إذا كان هناك سبب لعدم الوفاء بالنذر كالمرض مثلاً فيمكن التخلف عن الوفاء بالنذر ويكون الإنسان معذوراً، ولا يكلف الله نفساً إلا وسعها.

پاسخ:

پختن غذا عذری نیست که بتوان به خاطر آن به نذر وفا نذر نکرد؛ ولی اگر دلیلی برای وفا نکردن به نذر ـ‌مثل بیماری‌ـ وجود داشته باشد، می‌توان به آن نذر وفا نکرد و انسان معذور است؛ و خداوند هیچ‌کس را تکلیف نمی‌کند مگر به مقدار وُسع و توانایی‌اش.

س١١/ إذا كنت ناذراً إن أطبخ وأوزع الطعام على الناس، فعند عدم وجود المؤمنين هل يجوز إعطاء المخالفين للإمام ، أم أعطي الأموال التي جمعت من أجل الطبخ للأنصار المحتاجين ؟

پرسش ۱۱:

نذر کرده‌ام غذا بپزم و بین مردم توزیع کنم. آیا جایز است هنگامی‌که مؤمنان حاضر نباشند آن را به مخالفان امام  بدهم؟ یا اموالی را که برای پخت غذا جمع کرده‌ام به انصار نیازمندان بدهم؟

ج/ يجوز أن يطبخ ويوزع الطعام للمخالفين.

پاسخ:

جایز است که غذا پخته و بین مخالفین توزیع شود.

س١٢/ نذرت أن أذبح ٧٤ دجاجة على عدد شهداء الطف، هل يمكن أن أذبح خروفاً بدلاً عن الدجاج ؟

پرسش ۱۲:

نذر کرده‌ام ۷۴ عدد مرغ به تعداد شهدای کربلا ذبح کنم. آیا می‌توانم به‌جای مرغ‌ها یک گوسفند ذبح کنم؟

ج/ لا يجوز إلا مع العذر.

پاسخ:

جایز نیست؛ مگر اینکه عذری وجود داشته باشد.

س١٣/ في كل سنة يتبرع أحد الأخوة الأنصار بوليمة أو مبلغ إلى الأخوة الأنصار في الحسينية تحديداً، فهل يجوز إعطاء المبلغ المذكور إلى من يجده محتاجاً من الأنصار ؟

پرسش ۱۳:

هرسال یکی از برادران انصار داوطلبانه ولیمه‌ای می‌دهد یا مبلغی را به برادران انصار در حسینیه اختصاص می‌دهد. آیا دادن مبلغ مذکور به انصار نیازمند جایز است؟

ج/ إذا كان مجرد تبرع فبإمكانه أن يفعل ما يراه مناسباً، وإذا كان سابقاً يعمل وليمة فالأفضل أن يجمع إخوته أيضاً بوليمة في إفطار أحد أيام شهر رمضان.

پاسخ:

اگر صرفاً تبرّع (اهدا و بخشش) باشد، می‌تواند آن را هرگونه که مناسب می‌بیند به کار بندد. اگر پیش‌تر ولیمه می‌داده است، بهتر است دریکی از روزهای ماه رمضان برادرانش را افطار مهمان کند.

س١٤/ إذا تبرع أحد المؤمنين بمبلغ لأحد الأنصار وزاد المبلغ المتبرع به عن المبلغ المطلوب، فهل ..

١- يُعطى له المبلغ مع الزيادة ؟

٢- يُعطى المبلغ الزائد إلى محتاج آخر ؟

٣- هل يجب أخذ الأذن منه لإعطاء المبلغ الزائد إلى غيره أو التصرف به لمصالح الأنصار؟

٤- هل يجب أخذ الإذن من المتبرعين للتصرف بالمبلغ الزائد ؟

٥- هل يعطى لمسؤول بيت المال للتصرف به ؟

پرسش ۱۴:

اگر از سوی یکی از انصار برای کس دیگری از انصار مبلغی مشخص بخشیده شده و مبلغ داده‌شده از مبلغ موردنیاز بیشتر باشد، آیا:

**۱-** مبلغ را با مقدار اضافه‌اش به او بدهند.

**۲-** مبلغ اضافی را به نیازمند دیگری بدهند.

**۳-** آیا برای دادن مبلغ زیادی به کس دیگر یا هزینه کردن آن برای مصالح مربوط به انصار، کسب اجازه از او واجب است؟

**۴-** آیا برای تصرف در زیادی مبلغ، اجازه گرفتن از کسانی که بلاعوض داده‌اند، واجب است؟

ج/ بما أنّ المتبرعين تبرعوا لهذا الشخص فالصحيح أن يؤخذ الإذن منه في الزائد لصرفه في حاجة محتاج آخر من المؤمنين.

پاسخ:

ازآنجاکه بخشایندگان به این شخص مشخص اهدا کرده‌اند، درست این است که برای رفع نیاز مؤمن نیازمند دیگر، از او اجازه گرفته شود.

س١٥/ لدي صندوق به صدقات كنت أجمعه لأحد المساجد وهو مسجد لمخالفين للحق الآن بعد إيماني بدعوة الإمام المهدي كيف أتصرّف به ؟

پرسش ۱۵:

صندوق صدقاتی نزد من است که برای یکی از مساجد ـ‌که مسجد مخالفین حق است‌ـ صدقات را جمع‌آوری می‌کردم. اکنون‌که به دعوت امام مهدی ایمان آورده‌ام چگونه آن را مصرف کنم؟

ج/ المال أنفقه في سبيل من سبل الله سبحانه وتعالى كإعالة يتيم أو أرملة أو فقير، أو نشر كلمة الحق.

پاسخ:

آن مال را در راهی از راه‌های خداوند سبحان و متعال ـ‌مثل سرپرستی یتیم یا زنان بیوه یا فقیران یا انتشار کلمۀ حق‌ـ انفاق کن.

\* \* \*

دولة الظالمين

حکومت ظالمان

س١٦/ ما حكم من يشارك ببناء مستشفيات وأبنية خدمات للشعب، ويعمل بها موظفاً أو أجيراً ؟ علماً أنّ بناءها يصرف من قبل قوات الدجال المحتل لبلد المسلمين، حيث إنهم الجهة المموَّلة.

پرسش ۱۶:

کسی که در ساختن بیمارستان‌ها و ساختمان‌های خدماتی برای مردم و کار کردن در آن به‌عنوان کارمند یا کارگر همکاری می‌کند چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه هزینۀ ساخت آنها از طرف نیروهای دجال که سرزمین مسلمین را اشغال کرده‌اند تأمین می‌شود؛ زیرا آنها قشر ثروتمند هستند.

ج/ إذا كانت المنشئات مستشفيات أو مدارس ينتفع منها المسلمون يجوز، ...... أما بالنسبة للمال فهو مال المسلمين. وأمريكا وأذنابها يحتالون في كثير من الأحيان على الشعوب المسلمة التي يستنزفون ثرواتها بمعونة الطواغيت الذين يحكمون بلاد المسلمين ثم يتصدقون على المسلمين بالمال (أو بالفتات).

پاسخ:

اگر بناهای ساخته‌شده، بیمارستان‌ها یا مدارسی باشد که مسلمانان از آن بهره‌مند می‌گردند جایز است... اما در خصوص اموال، متعلق به مسلمین است، و آمریکا و پیروان او در بسیاری اوقات به کمک طاغوت‌هایی که در سرزمین مسلمین حکومت می‌کنند مردم مسلمانی را که ثروتشان را چپاول می‌کنند فریب می‌دهند، سپس با آن مال (بخش کوچکی از آن) به مسلمانان صدقه می‌دهند.

س١٧/ إني أحد المؤمنين بدعوتك الحقّة، وأعمل في جهاز تفتيش أمني، وفي بعض الأحيان يتم محاسبة المخالفين وإحالتهم للقضاء بسبب أكل أموال الآخرين عن طريق أخذ الرشوة أو التعاطي، فهل يجوز إحالتهم مع العلم أنهم مفسدين من باب الشريعة، ويأخذون من الرواتب الشهرية للمنتسبين أو يأخذون من المنتسبين مبلغاً من المال في مقابل إعطائهم إجازة عن العمل، أو قضاء حاجة معينة للمنتسبين مقابل أخذ جزء من رواتبهم ؟

پرسش ۱۷:

من یکی از مؤمنان به دعوت حق شما هستم و در یک مرکز بازرسی امنیتی کار می‌کنم. گاهی حسابرسی مخالفان پایان می‌یابد و آن‌ها به دلیل خوردن مال دیگران از طریق دریافت رشوه یا زد و بند، به دستگاه قضایی معرفی می‌شوند. آیا تحویل دادن آنها با علم به اینکه از نظر شریعت مُفسد‌ند جایز است؟ آنها مبلغی از حقوق ماهیانۀ اعضا یا از خودِ اعضا می‌گیرند تا در مقابل، به آنها اجازۀ فعالیت بدهند یا خواستۀ معینی از اعضا را در برابر دریافت از حقوق آنها برآورده می‌کنند.

ج/ لا تجوز معونة الظالم بأي صورة كانت، بل ويجب هدم دولة الطاغوت بكل ما أمكن وتقويض أركانها وهي جزء من مملكة الشيطان، ولا يجوز الترافع لقضاة يحكمون بغير ما أنزل الله ولم يخوّلهم حجة الله للقضاء بين الناس. أما إذا كنت تعمل بالممكن لدفع ظلم بعض الناس عن بعض فعليك أيضاً أن تأخذ بنظر الاعتبار ما تقدم، فلا تكن عوناً لظالم وطاغوت بتقوية مملكته وحاكميته واعمل على إعانة المظلوم وإغاثة المؤمن، وأسأل الله لكم الخير كله رضاه والجنة وأن يجنبكم الشر كله سخطه والنار، وإن شاء الله يكون حسابكم يسيراً بفضل إيمانكم ويدخلكم رب رحيم برحمته وهو أرحم الراحمين.

پاسخ:

یاری رسانیدن به ستمکار به هیچ شکلی جایز نیست؛ بلکه نابود کردن دولت طاغوت و محو ارکان آن با هر وسیلۀ ممکن، واجب است؛ چراکه جزئی از مملکت شیطان است. جایز نیست که رفع اختلافات نزد قضاتی فرستاده شود که بر اساس به‌غیر از آنچه خدا فرستاده است، حکم می‌کنند و حجت خدا به آنان اجازۀ قضاوت بین مردم را نداده است؛ اما اگر برایت ممکن است که ظلم بعضی مردم از بعضی دیگر را دفع کنی، بر تو واجب است با دقت به آنچه گفتم بنگری تا یاور ستم‌کار و طاغوت با تقویت مملکت و حاکمیتش نشوی. برای یاری مظلوم و فریادرسی به مؤمن عمل کن. برای شما همۀ خیر را می‌خواهم و همۀ خیر، رضایت خدا و بهشت است و نیز می‌خواهم که شما را از شر بازدارد و همۀ شر، خشم خدا و آتش است. ان‌شاء‌الله به فضل ایمانتان، حسابتان آسان است و پروردگار رحیم شما را وارد رحمتش می‌کند و او مهربان‌ترین مهربانان است.

س١٨/ شخص يعمل في أحد الأجهزة الأمنية، ما هو تكليفه إذا رأى أفراد من جيش الاحتلال يمرون أمامه في مكان عمله الجديد ؟

پرسش ۱۸:

شخصی دریکی از نهادهای امنیتی کار می‌کند. وقتی می‌بیند تعدادی از نیروهای ارتش اشغالگر در محل کار جدیدش از جلوی او عبور می‌کنند، چه تکلیفی دارد؟

ج/ بالنسبة للاحتلال لا يقاوم فردياً بل لابد أن يكون هناك عدد وتنظيم، وأسأل الله أن ييسِّر إيمان خلقه ليكون هناك عدد من المؤمنين القادرين على تحمّل أعباء الدعوة الإلهية بكل اتجاهاتها.

پاسخ:

در خصوص اشغالگران، خودش به‌تنهایی مقاومت نکند. بلکه برای این کار باید تعدادی نیرو و تشکیلات وجود داشته باشد. از خداوند مسئلت می‌نمایم که ایمان آوردن را بر خلقش سهولت بخشد تا مؤمنانی باشند که بتوانند سنگینی دعوت الهی را در تمام ابعادش به دوش بکشند.

س١٩/ أعمل في دائرة وأتقاضى راتباً شهرياً من حكومة (غير شرعية) حيث لا تحكم بما أنزل الله تعالى، ما الحكم الشرعي في المال الذي أتقاضاه ؟

پرسش ۱۹:

در اداره‌ای کار می‌کنم و از حکومت غیرشرعی ـ‌چون طبق آنچه خداوند متعال نازل کرده است اداره نمی‌شود‌ـ حقوق ماهیانه دریافت می‌کنم. حکم شرعی مبلغی که دریافت می‌کنم چیست؟

ج/ تصرّف حكومة الطاغوت في الأموال المنقولة وغير المنقولة غير شرعي؛ لأنّ حكومة الطاغوت غير معتبرة، والأموال في بلاد المسلمين إما للإمام أو للمسلمين عامة، فيجوز أن تأخذ الأموال باعتبارك أحد المسلمين الذين يملكون هذا المال.

پاسخ:

تصرف حکومت طاغوت در اموال منقول و غیر‌منقول شرعی نیست؛ زیرا حکومت طاغوت اعتباری ندارد و اموالی که در سرزمین مسلمانان است یا برای امام  است یا برای عموم مسلمانان؛ پس جایز است که شما اموال را دریافت کنی، چراکه شما یکی از مسلمانانی هستی که مالک این اموال هستند.

س٢٠/ بنيت بيتاً في أرض تابعة للدولة وليست ملكاً لأحد، مع العلم أنّها لا تؤثر على سوق أو مدرسة أو شارع مع أخذ الموافقة من الجيران قبل البناء، فما حكم هذا البيت ؟

پرسش ۲۰:

خانه‌ای در زمین‌های دولتی که متعلق به شخص خاصی نیست ساختم؛ با علم به اینکه زمین متعلق به بازار، مدرسه یا خیابان نیست و قبل از احداث از همسایه‌ها هم اجازه گرفتم. حکم این خانه چیست؟

ج/ الأرض إمّا ملك للإمام المهدي أو للمسلمين المؤمنين بالحق، وللإمام حق التصرف، وليس لدولة الطاغوت أي حق شرعي في التصرف فيها، فيحق لكل مؤمن بالحق أن يسكن ويبني داراً له إذا كان لا يمتلك داراً يسكن فيها، ولا يعتد بدولة الطاغوت أو من يواليها من السفهاء الذين يعتبرون الأرض التي ملَّكَها لهم صدام أو الطواغيت من أمثاله شرعية، والأرض التي يأذن الإمام لأوليائه التصرف فيها غير شرعية !!

پاسخ:

زمین، یا ملک امام مهدی  است و یا متعلق به مؤمنانِ به‌حق، و حق تصرفش از آنِ امام  است و حکومت طاغوت هیچ‌گونه حق شرعیِ دخل و تصرف در آن را ندارد. حقّ هر مؤمنِ به حقی است که خانه‌ای بنا کند و در آن ساکن شود ـ‌اگر خانه‌ای نداشته باشد‌ـ و در این خصوص دولت یا پیروان سفیه آن اهمیتی ندارند؛ همان کسانی که تصور می‌کنند املاکی که صدام یا طاغوت‌هایی نظیر او به آنها داده است، شرعی، و در عوض، زمینی که امام به یارانش اجازۀ تصرف می‌دهد، غیرشرعی است!!

س٢١/ في ذمتي أموال للدولة بما يعادل ٢٠ ألف دينار، حيث کنت أعمل محاسباً في الجيش من سنة ١٩٩١ - ١٩٩٧. وکذا ٣٠٠ ألف دينار رشاوى لغرض إجراء معاملات، وقد أخذت معظمها للضرورة لصعوبة وضعي المالي، حيث كان يأخذ الضابط المسؤول عن التسريح القسط الأكبر ولي منها قسط. كيف أبرئ ذمتي حيث لا أعرف أحداً من هؤلاء الأشخاص لأرجعها أو أتراضى معهم ؟

پرسش ۲۱:

از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ در ارتش حسابداری می‌کردم و معادل ۲۰ هزار دینار از اموال دولت را در اختیاردارم. همین‌طور ۳۰۰ هزار دینار رشوه برای اجرای معاملات در اختیاردارم که بیشتر آن را به جهت وضعیت بد مالی که داشتم گرفتم؛ و این رشوه‌ها به‌گونه‌ای بود که مسئول مرخصی‌ها سهم بیشتر را برمی‌داشت و من نیز سهم کمتری. چگونه ذمه‌ام را بَری کنم با وجود اینکه هیچ‌یک از این اشخاص را نمی‌شناسم تا مبالغ را به آن‌ها بازگردانم یا آن‌ها راضی کنم؟

ج/ دولة الطاغوت لا تملك، والأموال في بلاد المسلمين للإمام والمسلمين، فالأموال التي أخذتها من دولة الطاغوت وأنت محتاج لها بسبب فقرك هي لك؛ لأنك من المسلمين. أما ما أخذته من الأشخاص فهو مال شخصي، فتصدق به علی الفقراء إذا لم تتمکن من الوصول إليهم وتحصيل براءة الذمة منهم، وإذا لم تتمکن من التصدق بجميع المال فتصدق بما يمکنك منه.

پاسخ:

حکومت طاغوتی هیچ تملّکی ندارد و اموال در سرزمین‌های مسلمین برای امام  و مسلمانان است؛ بنابراین اموالی که از حکومت طاغوت دریافت کرده‌ای و به سبب نیاز مالی‌ات به آنها محتاج بوده‌ای، از آنِ تو می‌باشد ـ‌چراکه تو از مسلمانان هستی‌ـ اما آنهایی که از اشخاص گرفته‌ای، در زمرۀ اموال شخصی است؛ پس اگر نمی‌توانی آن اموال را به صاحبان‌شان برسانی و ذمه‌ات را از آنها بری کنی، این اموال به فقرا صدقه بده، و اگر نمی‌توانی همۀ آن اموال را صدقه بدهی، هر آنچه از آنها را که در توان داری صدقه بده.

س٢٢/ موظف في وزارة الصحة وله راتب شهري، ومن المتعارف عليه أنّ الموظفين يكون إلزامهم بالدوام اليومي من بداية الدوام الرسمي إلى نهايته المحدد من قبل الحكومة والوزارة، وهم في نفس الاختصاص خمسة، قسّموا عدد أيام الأسبوع عليهم بحيث كل يوم لواحد منهم، هل هناك إشكال في ذلك من ناحية المواظبة على الدوام، هل هو مقصر؟ ومن ناحية الراتب الشهري هل هناك إشكال، حيث إن المال من الحق العام وهو عائد لمولاي الإمام الحجة ؟

پرسش ۲۲:

کارمندی در وزارت بهداشت کار می‌کند و حقوق ماهیانه دارد، و به‌طورمعمول وظیفۀ معین‌شده برای کارمندان از سوی حکومت و وزارتخانه، حضور روزانۀ کارمندان از ابتدای کار رسمی تا پایان آن می‌باشد. آنها در یک دپارتمان پنج‌نفره هستند و روزهای هفته را تقسیم کرده‌اند به‌طوری‌که هرروز به یکی از آن‌ها اختصاص دارد. آیا در این کار ازنظر مواظبت داشتن بر ساعات کار اداری اشکالی وجود دارد؟ آیا او کوتاهی کرده است؟ و آیا ازنظر دریافت حقوق ماهانه اشکالی در این خصوص وجود دارد؟ چراکه اموال از حقوق عمومی است و به مولایم امام حجت  باز می‌گردد؟

ج/ إذا كنت تؤدي الخدمة للمسلمين بشكل صحيح ولا نقص فيه يجوز بأي صورة كانت، أما إذا كانت دولة الحق والعدل الإلهي فيجب الالتزام بكل ما يقرر فيها جملة وتفصيلاً.

پاسخ:

اگر شما به شکل صحیح به مسلمانان خدمت می‌رسانی و نقصی در آن نباشد، به هر صورتی که باشد جایز است، اما اگر دولت حق و عدل الهی برقرار باشد، ملزم بودن به هر آنچه که در قرارداد آمده است ـ‌به‌طورکلی و جزئی‌ـ واجب است.

س٢٣/ كنت أعمل في الإعاشة في الجيش السابق، وقمت بأخذ مبلغ قدره فقط خمسون ألف دينار مقابل ما بذمة الجنود من ملابس وتجهيزات، فكنت آخذ هذه المبالغ وأعطي قسماً منها إلى الضابط المختص، والبعض الآخر آخذه أنا، علماً أني إن لم أعمل هذه العملية يقوم الضابط بعرقلة معاملة الجنود فيؤخر تسريحهم. (٦٠.٠٠٠) ألف دينار أخذتها من الضابط الإداري في الجيش السابق كوني أساعده في عملية تنظيم الرواتب وحسابات الأرزاق ولا أعلم مصدرها، أهي من أموال اللقطة أم من الجنود ؟

پرسش ۲۳:

پیشتر در قسمت تدارکات ارتش مشغول به کار بودم و مبلغی فقط به‌اندازۀ پنجاه‌هزار دینار در مقابل آنچه از تجهیزات و لباس برای ارتش بود دریافت کردم. من این مبالغ را که می‌گرفتم، بخشی از آن را به افسر مسئول می‌دادم و قسمتی دیگر را برای خودم برمی‌داشتم، با توجه به اینکه اگر من این کار را انجام نمی‌دادم آن افسر جلوی معاملۀ ارتش را می‌گرفت و مرخصی‌شان به تأخیر می‌افتاد. من پیشتر شصت هزار دینار از کارمند اداری ارتش گرفتم تا در تنظیم عملیات حقوق ماهانه و حسابداری ارزاق کمکش کنم و منبع این پول را هم نمی‌دانم. آیا این پول از اموال «لقطه» (مجهول الصاحب) است یا جزو اموال سربازان می‌باشد؟

ج/ دولة الطاغوت لا تملك، والأموال في بلاد المسلمين للإمام وللمسلمين. فإذا كنت قد أخذت أموالاً من دولة الطاغوت وأنت محتاج لها بسبب فقرك فهي لك؛ لأنك من المسلمين، وإذا كنت قد أخذت أموالاً من أشخاص معينين فعليك إعادة الأموال لهم إن كنت تعرفهم، وإلا فتصدق بمقدارها على الفقراء.

پاسخ:

حکومت طاغوتی هیچ تملّکی ندارد و اموال در سرزمین‌های مسلمین برای امام  و مسلمانان است؛ بنابراین اموالی که از حکومت طاغوت دریافت کرده‌ای و به سبب نیاز مالی‌ات به آنها محتاج بوده‌ای، از آنِ تو می‌باشد ـ‌چراکه تو از مسلمانان هستی‌ـ اما اگر شما اموالی از اشخاص معینی گرفته‌ای اگر آنها را می‌شناسی باید آن اموال را به آنها بازگردانی وگرنه به همان مقدار به فقرا صدقه بدهی.

س٢٤/ بعد استلامي إدارة إحدى المدارس شاهدت مخالفات شرعية وأخلاقية من قبل الهيئة التدريسية، وحينها قمت بالنصح والتوصية حتى وصلت الحالة إلى العراك لكن زاد الطين بلة وأصبحت لدى بعضهم وأقصد السيئين مكروهاً، راجياً مساعدتكم بالنصح وما هو الحكم الشرعي اتجاه المخالفين ؟

پرسش ۲۴:

بعد از تحویل گرفتن ادارۀ یكی از مدارس متوجه شدم كه هیئت‌رئیسۀ آن خلاف اخلاق و شرع عمل می‌كنند. شروع به نصیحت و توصیه به آنها نمودم تا آنجا که کار به درگیر شدن رسید و به وضعیت بدتری منجر شد. برخی از آنها را شناسایی کردم و تصمیم به مجازات گناهکاران گرفتم. امیدوارم شما کمکم کنید، و حكم شرعی در برابر مخالفان چیست؟

يقوم بعض المدرسين بإجبار الطلبة على التدريس الخصوصي، ويتعهدون للطلبة بالنجاح بجميع الدروس والمقابل دفع مبالغ كبيرة قد تصل إلى (٥٠٠.٠٠٠) دينار. إضافة إلى العلاقات غير الأخلاقية مع أمهات الطلبة مقابل نجاح أولادهم.

بعضی از معلمان، دانش‌آموزان را به تدریس خصوصی مجبور می‌كنند و به آنها وعدۀ قبول شدن در تمامی دروس را می‌دهند و در مقابل، مبالغ زیادی (تا ۵۰۰ هزار دینار) دریافت می‌كنند. این علاوه بر روابط غیراخلاقی است كه با مادران دانش‌آموزان در برابر موفقیت فرزندان‌شان دارند.

ج/ اتقِ الله وأصدع بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر بكل ما آتاك الله، والله ينصرك إن أخلصت له سبحانه. وبحسب علمي فإن وزارتكم اسمها التربية والتعليم، فمن هذه الكلمة انطلق (التربية) فاجعل مثلاً في يوم الخميس خطبة أخلاقية دينية تلقى على الطلبة والمدرسين، واجعل بعض هؤلاء المنحرفين يشاركون فيها لعلهم يهتدون. كلفهم وكلف غيرهم وكلف نفسك وادعُ بعض الضيوف من المؤمنين المتدينين لإلقاء الخطبة الدينية الأخلاقية يوم الخميس.

پاسخ:

تقوای الهی پیشه كن و با هر آنچه خداوند به تو داده است، اقدام به امربه‌معروف و نهی از منکر کن، كه اگر برای او سبحان اخلاص پیشه کنی خداوند یاری‌ات می‌کند. تا آنجا كه من می‌دانم اسم وزارتخانۀ شما تعلیم و تربیت است و از این نام، عبارت «تربیت» برداشت می‌شود؛ بنابراین ـ‌به‌عنوان‌مثال‌ـ در روزهای پنج‌شنبه سخنرانی اخلاقی و دینی برای دانش‌آموزان و معلمان ترتیب بده، و بعضی از این منحرف‌ها را وادار کن تا در این سخنرانی‌ها شرکت‌کننده تا شاید هدایت شوند. آنها، دیگران و خودت را تکلیف كن و مهمانانی از مؤمنین و متدینین را دعوت كن تا در روز پنج‌شنبه سخنرانی دینی اخلاقی ایراد کنند.

اسعَ واعمل وسيرى الله عملك ورسوله والمؤمنون، وادعُ إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة. حاول أن تجعل الجميع يحبونك ويقبلون كلامك. أسأل الله أن يوفقك ويسددك لكل خير، وأرجو منك أيها الأستاذ الفاضل أن تدعو لي.

تلاش كن و عمل كن که خداوند، فرستاده‌اش و مؤمنان عمل تو را خواهند دید، و با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. سعی کن که همگی تو را دوست داشته باشند و سخن تو را بپذیرند. از خداوند می‌خواهم كه شما را در همۀ خیرها توفیق عطا فرماید و یاری‌ات كند؛ و ای استاد گران‌مایه! امیدوارم شما مرا در دعایت فروگذار نکنی.

س٢٥/ أنصاري يعمل في مؤسسة حكومية مدنية، يقول هل يمكنني أخذ إجازة شهراً كاملاً في رمضان لغرض الصيام في البيت وذلك بعمل أجازة مرضية أو لأي سبب آخر ؟ علماً أن المؤسسة أو الدائرة ليس لديها مانع بمنح الإجازة.

پرسش ۲۵:

یکی از انصار که در مؤسسۀ انتظامی حکومتی کار می‌کند، می‌گوید: آیا می‌توانم ماه رمضان را به‌طور کامل به ‌قصد روزه گرفتن در خانه، مرخصی بگیرم و این عمل را با استفاده از مرخصی تشویقی یا به هر ترتیب دیگری انجام دهم؟ با توجه به اینکه آن موسسه یا اداره مانعی برای دادن مرخصی ندارد.

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٢٦/ كنت شاهد على عملية قتل حصلت أمامي، سمعت طلقاً نارياً وجثة سُحبت من السيارة وألقيت على الطريق، استنجد الناس فمسكوا أصحاب السيارة، دُعيت إلى الشهادة في المحكمة، هل أشهد بما رأيت وسمعت، علماً بأنّ المحكمة غير شرعية والقتلة معترفون بذنبهم، ولكن القاضي يصر على حضوري للشهادة، ما الحكم الشرعي ؟

پرسش ۲۶:

من شاهد قتلی بودم که در برابرم صورت گرفت. صدای تیراندازی شنیدم و جسدی از ماشینی به زمین کشیده شد و روی خیابان افتاد. مردم کمک خواستند و صاحبان خودرو گرفتار شدند. من برای شهادت دادن در محکمه دعوت شدم. آیا به آنچه دیدم و شنیدم گواهی بدهم؟ با وجود اینکه می‌دانم این محکمه غیرشرعی است و قاتلان به گناه خود اعتراف كرده‌اند؛ اما قاضی به حضور من برای شهادت دادن اصرار می‌ورزد. حکم شرعی چیست؟

ج/ لا يجب الحضور في محكمة غير شرعية ولكن لا بأس بالحضور لإثبات الحقوق وضمان عدم ضياعها خصوصاً إذا انحصر الأمر بالحضور.

پاسخ:

حضور در دادگاه غیرشرعی واجب نیست؛ اما حاضر شدن برای اثبات حقوق و اطمینان از ضایع نشدن آن، اشكالی ندارد؛ به‌خصوص اگر این نتیجه درگرو حضور داشتن باشد.

\* \* \*

ما يتعلق بدعوة الحق والمخالف لها

آنچه به دعوت حق و مخالف آن تعلق دارد

س٢٧/ باسم قلة من الأنصار نسأل عن أمر وردنا من بعض الأخوة بأنّ الصدقة واجبة على الجميع بدون أي استثناء، علماً أن فينا من لا يجد قوته اليومي وهناك من يتصدقون عليه، فما هو حكم الصدقة على أمثال هؤلاء ؟

پرسش ۲۷:

به اسم گروهی از انصار، از موضوعی که از طرف برخی برادران مطرح‌شده است سؤال می‌کنیم؛ صدقه بر همه واجب است، بدون هیچ استثنایی. با توجه به اینکه در میان ماکسانی هستند که به نان شب خود محتاج‌اند و دیگران به آنها صدقه می‌دهند، صدقه دادن به امثال این افراد چه حکمی دارد؟

ج/ وفقكم الله لكل خير، الواجب هو الخمس والزكاة، والصدقة مستحبة. وبالنسبة لمن هو في حاجة مادية ولا يجد قوت يومه فإن له حقاً في بيت المال، فأرجو ممن يقومون على بيت المال أن يوصلوا للفقراء حقوقهم، وهم إن شاء الله أهل لذلك.

پاسخ:

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. واجب، خمس و زکات است و صدقه، مستحب می‌باشد. کسی که از لحاظ مالی در مضیقه است و نان شب ندارد، حقی در بیت‌المال دارد. از کسانی که مسئول بیت‌المال هستند خواهش می‌کنم، حقوق فقرا را به آنها برسانند و ان‌شاءالله آنها اهلیت این مسئله را دارند.

س٢٨/ ما هو تفسير الآية: *﴿***الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلاَ يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللّهِ** ...*﴾*، وهل تتحقق الآن أم عند ظهور الإمام إذا أردت إعطاء بعض مجوهراتي هبة للإمام ؟

پرسش ۲۸:

تفسیر این آیه چیست: ﴿(**کسانی را که زر و سیم می‌اندوزند و درراه خدا انفاقش نمی‌کنند**...)...﴾ و آیا این آیه اکنون محقق شده است یا اینکه هنگام ظهور امام تحقق می‌یابد، اگر بخواهم برخی جواهرآلاتم را به‌صورت هبه به امام بدهم؟

ج/ هذه في أموال الزكاة عموماً، سواء من كنز ماله دون دفع زكاته، أو من كانت عنده أموال زكاة يكنزها. وفي زمن قيام القائم تنطبق على كل من يملك مالاً فائضاً عن حاجته ويحتفظ به ولا يبذل بعضه للجهاد بين يدي القائم. أما بالنسبة للمجوهرات أو الذهب التي تقتنيها المرأة للزينة فهي ليست من الكنز.

پاسخ:

این آیه به‌طورکلی دربارۀ اموال زکات است، چه اموالی که زکاتش را نداده باشد یا کسی که زکات اموال نزدش جمع شده باشد و آنها را می‌اندوزد. در زمان قیام قائم، این آیه بر کسی منطبق است که مالی بیش از نیازش دارد و آن را نگهداری می‌کند و قسمتی از آن را برای جهاد در پیشگاه قائم نمی‌بخشد. طلا و جواهرآلاتی که زن جهت زینت برای خود فراهم می‌آورد، جزو اندوخته‌ها نیست.

س٢٩/ ما حكم من بقي ينتظر ليؤمن بالدعوة المباركة، هل يبقى على التقليد، وعلى من، أم يحتاط ؟ ما حكمه الشرعي ؟

پرسش ۲۹:

حکم کسی که منتظر مانده است تا به این دعوت مبارک ایمان آورد چیست؟ آیا بر تقلید باقی بماند؟ و بر چه کسی؟ آیا احتیاط کند؟ حکم شرعی او چیست؟

ج/ موالاة ولي الله عمود الدين، إن قبلت قبل ما سواها وإن ردّت ردّ ما سواها. فمن لم ينصر الحسين وهو يسمع واعيته، كيف ينتظر أن تقبل منه صلاة أو صوم ؟!

پاسخ:

موالات و پیروی از ولیّ خدا، ستون دین است. اگر پذیرفته شود، سایر اعمال نیز پذیرفته خواهند شد و اگر پذیرفته نشود، سایر اعمال نیز پذیرفته نخواهند شد.

هر کس به یاری حسین  نشتابد درحالی‌که ندای او را می‌شنود، چگونه انتظار دارد نماز و روزه‌اش موردقبول واقع شود؟!

س٣٠/ ما حكم الأُمة والأرحام الذين يدَّعون أنّهم لم يعرفوا عن الدعوة، رغم صيحة الحق والتبليغات والإصدارات، فهل نحن ملزمون بإسماعهم فرداً فرداً، أم أن ّعموم التبليغ يفي ويبرئ الذمّة ؟

پرسش ۳۰:

حکم مردم و نزدیکانی که ادعا می‌کنند از این دعوت چیزی نمی‌دانند آن‌هم باوجود ندای حق و تبلیغات و انتشارات صورت گرفته، چیست؟ آیا ما ملزم به ابلاغ به تک تک آنها هستیم یا اینکه تبلیغ عمومی کفایت می‌کند و با این کار تکلیفمان انجام می‌شود؟

ج/ يجب على المؤمن تبليغ كل من يمكن تبليغه، ولكن لا يجب التفصيل، بل يكفي الإجمال كقول: إنّ الإمام المهدي قد بعث رسولاً اسمه فلان.

پاسخ:

بر مؤمن واجب است هرکسی که بتواند را تبلیغ کند. ولی توضیح و تفصیلش بر او واجب نیست؛ بلکه گفتن اجمالی هم کفایت می‌کند: مثل امام مهدی  فرستاده‌ای به نام فلانی فرستاده است.

س٣١/ ما حكم الأمّة التي باعت كتاب الله تعالى (القرآن الكريم) وكتبت بيدها كتاباً جعلوه دستوراً لهم بدل دستور المسلمين، وباعت العترة الطاهرة  المتمثلة بشخص الإمام الحجة بن الحسن ، وبايعت غيره من الناس الذين لا يحكمون بحكم الله، هل تُلحق بالأمّة المنقلبة على رسول الله ، هل توصف بالكفر أم بالظلم والفسوق، وهل تستتاب ؟ وهل يحمل وزرها علماء الخيانة والضلالة ؟!

پرسش ۳۱:

حکم امتی که کتاب خداوند متعال یعنی قرآن کریم را فروختند و با دستان خود کتابی نوشتند و آن را قانونی به‌جای قانون اصلی مسلمین برگزیدند چیست؟ امتی که اهل‌بیت  که در امام حجّت بن الحسن  مُتمثّل شده بودند را فروختند و کسانی از مردم که به‌حکم خداوند حکم نمی‌کنند را خریدار شدند! آیا این امّت به امتی که مقابل رسول خدا  ایستادند بازگشته‌اند؟ آیا آنها به کفر توصیف می‌شوند یا به فسق و فجور؟ آیا توبه‌شان پذیرفته خواهد شد؟ آیا گناه آنها را علمای خائن و گمراهی بر دوش خواهند کشید؟!

ج/ توصف بما يوصف به من ترك أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، وذهب إلى السقيفة والشورى.

پاسخ:

وصف آنها وصف همان کسانی است که امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب را ترک گفتند و به سقیفه و شوری پیوستند.

س٣٢/ أعمل مع أُناس ارتدوا عن القضية بعد إيمانهم، ما الحكم الشرعي من مجالستهم والعمل معهم ومصافحتهم، علماً أنّهم لم يعلنوا معاداتنا ؟

پرسش ۳۲:

با کسانی کار می‌کنم که بعد از ایمان آوردن به دعوت، از آن مرتد شدند. اما دشمنی نشان نمی‌دهند؛ حکم هم‌نشینی و همکاری و دست دادن با آنها چیست؟

ج/ إذا لم يكونوا معلنين العداء فيجوز مجالستهم والعمل معهم ومصافحتهم.

پاسخ:

اگر دشمنی نشان نمی‌دهند، هم‌نشینی و کار کردن و مصافحه به آنان اشکالی ندارد.

س٣٣/ امرأة آمنت بدعوة اليماني الموعود (سلام الله عليه)، وأما زوجها فلم يؤمن، وأنه مرتاب، ولها منه ولدان، ويطلب منها طفلاً آخر، وترى أنه ليس أهلاً لتنجب له ذرية، فما واجبها الشرعي تجاه ذلك ؟ وهل تبقى معه أم تطلب الانفصال طاعة للإمام ؟

پرسش ۳۳:

زنی به دعوت یمانی موعود سلام‌الله‌علیه ایمان آورده‌ اما شوهرش ایمان نیاورده است و در شک و تردید به سر می‌برد. از او دو پسر دارد و شوهر از او فرزند سومی هم می‌خواهد در حالی‌که می‌بیند ارزش ندارد که فرزند سومی از او داشته باشد. واجب شرعی او در این خصوص چیست؟ آیا زندگی با او را ادامه دهد یا خواهان جدایی از او در جهت اطاعت از امام  باشد؟

ج/ إذا لم يكن ناصباً العداء للأئمة والمهديين أو لشيعتهم يجوز البقاء معه .

پاسخ:

اگر با ائمۀ اطهار و مهدیین  و شیعیان آنها دشمنی نداشته باشد، زندگی با وی جایز است.

س٣٤/ هل أستخدم التقيّة مع الناس وهم ينظرون لنا بريبة ؟

پرسش ۳۴:

آیا در برابر مردمی که به دیدۀ شک و تردید به ما نگاه می‌کنند، تقیه به‌کارگیرم؟

ج/ التقية عند الضرورة فقط لحفظ الدماء والأموال والأعراض، أو للحفاظ على النفس لنصرة دين الله سبحانه في وقت لاحق. أسأل الله أن لا يحوجكم لتقية وينصركم نصراً عزيزاً بمنِّه سبحانه.

پاسخ:

تقیه به هنگام ضرورت فقط برای حفظ خون‌ها و اموال و آبرو و حیثیت، یا محافظت از نفْس برای نصرت دین خدای سبحان در زمانی که بعداً می‌آید، می‌باشد. از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را به تقیه محتاج نگرداند و شما را به نصرتى ارجمند يارى نماید.

س٣٥/ هل يجوز حضور المجالس التي تدعو لفقهاء السوء ؟

پرسش ۳۵:

آیا حضور در مجالسی که در آنها به فقهای بی‌عمل فرا می‌خوانند، جایز است؟

ج/ إذا كانت مجالس للدعوة لهؤلاء الظلمة لا يجوز.

پاسخ:

اگر این مجالس جهت دعوت کردن به‌سوی این ستمگران باشد، جایز نیست.

س٣٦/ أقيم في مدينة، وكما هو المعتاد يوجد هناك مجالس تقيم الدعاء ومسائل فقهية ومجالس لأبي عبد الله الحسين ، ومحاضرات وندوات اجتماعية، علماً بأن موضوع الدعوة لا يتطرقون له نهائياً، هل حضوري فيه إشكال ؟ علماً بأني إذا لم أحضر يسبب لي مشكلة ؟

پرسش ۳۶:

من در شهری سکونت دارم و همان‌طور که مرسوم و رایج است، اینجا مجالس حسینی که در آن دعا و سخنرانی و بیان مسائل فقهی و مجالس روضه‌خوانی اباعبدالله الحسین  دایر است؛ با توجه به اینکه در این مجالس اصلاً سراغ موضوع دعوت نمی‌روند. آیا حضور من در چنین مجالسی اشکال دارد؟ یادآور می‌شوم که اگر من آنجا نروم، یک سری مشکلات از طرف آنها به دلیل حضور نیافتنم برایم ایجاد می‌شود.

ج/ إذا كنت تريد الحضور في مجالسهم فلابد أن يكون هدفك هو التواصل معهم لعلك تهدي بعضهم. وإن شاء الله ينصركم نصراً عزيزاً، وأسأل الله أن يوفقك ويسددك وييسر أموركم لما فيه خير الآخرة والدنيا. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پاسخ:

اگر می‌خواهی در مجالس آنها حاضر شوی، باید هدفت صرفاً این باشد که از طریق برقراری ارتباط با آنها، شاید برخی از ایشان را هدایت کنی. ان‌شاءالله خداوند شمارا به نصرتى ارجمند يارى می‌فرماید، و من از خداوند مسئلت می‌نمایم که شمارا توفیق و تسدید عطا فرماید و امورتان را به آنچه خیر آخرت و دنیا در آن است، آسان سازد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

\* \* \*

بر الوالدين

نیكی به پدر و مادر

س٣٧/ هل يعتبر الإنسان عاقاً لوالديه وقاطعاً لرحمه إن تبرأ منهم إن لم يؤمنوا بالدعوة، أم ماذا عليه أن يفعل ؟

پرسش ۳۷:

آیا اگر انسان از والدین خود که به دعوت ایمان نیاورده‌اند برائت جوید، عاق‌شدۀ والدین و قطع‌کنندۀ رحم به شمار می‌رود؟ یا تکلیف او چیست و چه باید کند؟

ج/ الأولى بالمؤمن أن يُحسن لأرحامه ويحاول هدايتهم بكل ما أمكنه. أما الوالدان بالخصوص فلابد من الإحسان لهما وإن لم يؤمنا، قال تعالى: *﴿***وَإِن جَاهَدَاكَ عَلى أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفاً وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ***﴾ لقمان: 15.*

پاسخ:

بر مؤمن سزاوار است که نسبت به خویشانش نکویی پیشه کند و تا آنجا که می‌تواند در هدایت آنها بکوشد. در مورد والدین به‌طور خاص، حتماً باید با آنها به احسان رفتار کند حتی اگر مؤمن نباشند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿(**اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چيزی را که نمی‌دانی چيست با من شريک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنيا با آنها به وجهی پسنديده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من بازمی‌گردند در پيش گير. بازگشت همۀ شما به‌سوی من خواهد بود و من از کارهايی که می‌کرده‌ايد آگاهتان می‌کنم**)﴾([[4]](#footnote-4)).

پرسش ۳۸:

یکی از برادران انصار با پدرش رفتار بدی دارد و علتش این است که پدرش به او دشنام می‌دهد و او را به تهمت‌های بسیاری متهم می‌نماید. او کنترل اعصابش را ندارد و با پدرش بسیار بد رفتاری می‌کند. درخواست راه‌حلی برای چنین مشکلی کرده است.

س٣٨/ أحد الأخوة الأنصار يتصرف مع أبيه تصرفاً سيئاً، والسبب هو أنّ أباه يشتمه ويتهمه بكثير من الأمور، وهو لا يتمالك أعصابه فيسيء لأبيه كثيراً، فطلب بيان الحل لمثل هذه المشكلة ؟

ج/ قال تعالى: *﴿***وَإِن جَاهَدَاكَ عَلى أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفاً وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ***﴾* لقمان: 15، فلابد له أن يعامل والده بالإحسان والرحمة، ولا يجوز له أن يتجاوز على والده، وإن كان والده يسيء له أو يؤذيه فليحاول هو أن يتجنب الاحتكاك بوالده وليحاول الابتعاد عن أي شيء يسبب التصادم بينهما، وإن اضطر فليحاول أن يقلل لقاءه بوالده إلى أقل ما يمكن حتى تتحسن العلاقة بينهما، والله ولي التوفيق.

پاسخ:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿(**اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چيزی را که نمی‌دانی چيست با من شريک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنيا با آنها به وجهی پسنديده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من بازمی‌گردند در پيش گير. بازگشت همۀ شما به‌سوی من خواهد بود و من از کارهايی که می‌کرده‌ايد آگاهتان می‌کنم**)﴾([[5]](#footnote-5)). این شخص باید با پدرش با نیکی و مهربانی رفتار کند. جایز نیست به پدرش توهین نماید؛ هرچند پدرش به او بدی کند یا او را بیازارد. باید از درگیر شدن با پدرش دوری کند و از هر چیزی که باعث برخورد بین ایشان می‌شود، اجتناب ورزد. اگر مجبور باشد باید دیدارش با پدرش را به کمترین حد برساند تا ارتباط بین ایشان نیکو گردد. خداوند توفیق‌دهنده است.

س٣٩/ ما الحكم إن كان أبي لا يريد الكلام معي وهو غاضب مني، ولا أعلم إن كان يريد التبرؤ مني؛ لأنه علم أنني من المذهب الشيعي وهو من أهل السنة ؟

پرسش ۳۹:

پدرم نمی‌خواهد با من سخن بگوید. او بر من خشمناک است و نمی‌دانم که آیا می‌خواهد از من برائت بجوید یا خیر؛ زیرا او فهمیده است که من شیعی مذهب هستم درحالی‌که او از اهل سنّت می‌باشد. حکمش چیست؟

ج/ بر والدك، وحاول أن ترضيه فيما لا يضر بدينك، قال تعالى: *﴿***وَإِن جَاهَدَاكَ عَلى أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفاً وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ***﴾* لقمان: 15.

پاسخ:

با والدینت به نیکی رفتار کن و بکوش در آنچه که به دینت ضرر نمی‌زند، او را راضی و خشنود کنی. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿(**اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چيزی را که نمی‌دانی چيست با من شريک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنيا با آنها به وجهی پسنديده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من بازمی‌گردند در پيش گير. بازگشت همۀ شما به‌سوی من خواهد بود و من از کارهايی که می‌کرده‌ايد آگاهتان می‌کنم**)﴾([[6]](#footnote-6)).

س٤٠/ ما حكم تقبيل يد الوالدين أو أيدي الأطفال الصغار ؟

پرسش ۴۰:

حكم بوسیدن دست پدر و مادر و دست بچه‌های كوچک چیست؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

\* \* \*

ما يتعلق بالأطعمة والأشربة

آنچه به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها تعلق دارد

س٤١/ كيف تكون التذكية وذبح الحيوان أو نحره، وما هي الأوداج الأربعة وحكم قطع الرأس للحيوان ؟

پرسش ۴۱:

در مورد تذکیه و چگونگی ذبح و نحر حیوان و قطع رگ‌های چهارگانه و بریدن سر آن، ما را روشن نمایید.

ج/ يجب في الذبح قطع الأوداج الأربعة: ( الحلقوم والبلعوم والشريان والوريد) التي في الرقبة، ويحرم قطع النخاع الشوكي، ولكن إذا قطعه لا تحرم الذبيحة.

پاسخ:

در ذبح کردن، بریدن رگ‌های چهارگانه واجب است (نای، مری، شاهرگ و سیاهرگ) که در گردن قرار دارند و قطع کردن بصل النخاع حرام است؛ اما اگر قطع شود، حیوان ذبح‌شده حرام نمی‌شود.

والنحر وهو للجمل خاصة يكون بإدخال سكين أو سيف في لبّته مرّة أو مرّتين أو أكثر، ولا يجوز قطع رأسه أو ذبحه حتى يموت منحوراً.

نحر کردن مخصوص شتر است به این صورت که یک یا دو بار و یا بیشتر چاقو یا شمشیر در سینۀ حیوان وارد می‌کنند و قطع کردن سر تا زمانی که با نحر کردن نمرده باشد، جایز نیست.

س٤٢/ تأتينا من بلاد المسلمين المختلفة المذاهب والغير مؤمنة بالولاية لولي الله لحوم ودجاج مكتوب عليه مذبوح على الطريقة الشرعية الإسلامية، وقد عرفنا أنّها تذبح بمجازر ضخمة حيث يعلّق فيها الدجاج والعامل يقطعها من رأسها، والشريط الحامل يسير بها إلى المنظفات. لا ندري هل توجّه نحو القبلة وبشرائط الذبح الشرعية، حيث يأتي ببعض الصناديق دجاج غير مذبوح (أي برأسها)، وقد نسيها العامل ؟ ما حكمها سيدي الوصي ؟

پرسش ۴۲:

از کشورهای مسلمان با مذاهب مختلف و غیر مؤمن به ولایت ولیّ خدا گوشت و مرغ وارد می‌شود که بر روی آن نوشته‌شده است ذبح‌شده به‌صورت شرعی اسلامی؛ درحالی‌که ما می‌دانیم در کشتارگاه‌های بزرگ درحالی‌که مرغ‌ها آویزان هستند و کارگران سرهایشان را جدا می‌کنند و تسمه‌نقاله‌ها آنها را به سمت تمیزکننده‌ها می‌برند تهیه‌شده‌اند. ما نمی‌دانیم که آیا روبه‌قبله و با شرایط ذبح شرعی ذبح‌شده‌اند یا خیر! حتی در برخی بسته‌بندی‌ها، مرغ‌های ذبح نشده که کارگران فراموش کرده‌اند سرهایشان را جدا کنند دیده می‌شود. آقای وصیّ من، حکم این‌ها چیست؟

ج/ يجب توجيه مقاديم الذبيحة إلى القبلة، ويجب التسمية على كل ذبيحة بصوت الإنسان المسلم الذي يباشر عملية الذبح، ويجب قطع الأوداج الأربعة. ويحرم التنخيع، ولكن لا تحرم الذبيحة نتيجة التنخيع إلا إذا كان الذابح مستخفاً بالحكم.

پاسخ:

واجب است حیوان روبه‌قبله با ذکر بسمله برای هر حیوان توسط شخص مسلمان ذبح کننده، ذبح شود. بریدن رگ‌های چهارگانه واجب است و نباید نخاع حیوان بریده شود. با قطع نمودن نخاع حیوان گوشتش حرام نمی‌شود؛ مگر اینکه ذابح به سبب کوچک شمردن حکم خدا، نخاع را قطع نماید که در این صورت حرام است.

إذا لم تراعَ هذه الشروط في المجازر فلا يجوز أكل اللحوم التي تنتجها وإن كانت في بلاد المسلمين، وإذا روعيت يجوز أكل اللحوم التي تنتجها وإن كانت في بلاد غير المسلمين.

اگر این شرایط در کشتارگاه‌ها رعایت نشود، خوردن گوشت تولیدشده توسط آنها جایز نیست حتی اگر در کشورهای مسلمان ذبح‌شده باشد، اما اگر شرایط رعایت شوند، خوردن گوشت‌های تولیدشده جایز است حتی اگر در کشورهای غیرمسلمان صورت گیرد.

س٤٣/ اللحوم الطرية من النوع الأحمر والأبيض التي تباع بالبلدان العربية وبالأسواق الإسلامية  التقليدية والعصرية - SUPER MARKET - هل يجوز شراؤها واستهلاكها ؟

پرسش ۴۳:

آیا گوشت تازۀ سفید و قرمزی که در سوپرمارکت‌ها عرضه می‌شود را می‌توان خرید و مصرف کرد؟

ج/ بالنسبة للدجاج يجب التدقيق في مصدره (صحة تذكيته)؛ لأنّ كثيراً من المجازر يستخدمون السكين الآلي في التذكية ويعتبرونها تذكية شرعية، والتذكية لابد أن تكون بيد المسلم لا بالآلة، فلا يمكن الاعتماد على وجودها في أسواق المسلمين فيما يخص حلية لحم الدجاج والطيور ما لم يتم التدقيق والبحث للاطمئنان من صحة التذكية باليد لا بالآلة.

پاسخ:

در مورد مرغ باید در مورد منبع تولید آن (درستی ذبح آن) بررسی شود زیرا بسیاری از کشتارگاه‌ها، از ماشین‌آلات خودکار برای ذبح استفاده می‌کنند و آن را ذبح شرعی محسوب می‌کنند درحالی‌که ذبح شرعی باید به دست مسلمان و نه با ماشین انجام شود. پس به صِرف وجودش در بازار مسلمین، نمی‌توان بر آن اعتماد کرد و این اختصاص به حلال بودن گوشت مرغ و پرندگان دارد که باید بررسی دقیق انجام شود تا اطمینان از صحت ذبح آن‌که با دست انجام‌شده باشد نه با ماشین حاصل گردد.

أمّا بالنسبة للبقر والأغنام؛ فيمكن الاكتفاء بكلام البائع إن كان مسلماً وحصل الاطمئنان بصحة التذكية من كلامه، فبالنسبة للحوم الحمراء أو لحوم البقر والغنم يمكن الاعتماد على وجودها في أسواق المسلمين فيما يخص حليتها.

اما در مورد گاو و گوسفند، می‌توان به سخن فروشنده اگر مسلمان باشد و بتوان با کلامش از صحت ذبح اطمینان یافت، اکتفا کرد؛ بنابراین در مورد گوشت‌های قرمز مانند گاو و گوسفند، اگر در بازار مسلمانان عرضه می‌شود می‌توان اعتماد نمود.

س٤٤/ هل يعتد بالكتابة على بعض علب الأغذية؛ حيث يكتب أحياناً عبارة جيلاتين حلال، وأحياناً جيلاتين حيواني، وأحياناً جيلاتين نباتي، وأحياناً تذكر عبارة مواد مثخنة من دون ذكر ماهية هذه المواد، علماً إن هذه العلب الغذائية موجودة في أسواق غير إسلامية ؟

پرسش ۴۴:

آیا بر نوشتۀ روی بعضی از غذاهای آماده می‌توان اطمینان کرد؛ مثلاً نوشته‌شده ژلاتین حلال، ژلاتین حیوانی یا گیاهی و گاهی مواردی نوشته می‌شود مثل مواد تغلیظ کننده بدون ذکر ماهیت آنها؛ با توجه به اینکه این غذاهای آماده در بازارهای غیرمسلمانان به فروش می‌رسد؟

ج/ يمكن الاعتماد على ما هو مكتوب إذا كان هناك علامات تفيد الاطمئنان والوثوق بما يكتب (ويكفي الاطمئنان إلى أنه لا مصلحة أو نفع معين للمنتج من الكذب حول محتويات منتجه)، أمّا بالنسبة للمكتوب وهو مبهم (مواد مثخنة، مواد حافظة) فلابد من الاستعلام عنه ومعرفته. أمّا بالنسبة للمنتجات الحيوانية التي يشترط فيها التذكية للأكل أو الاستعمال في موارد معينة فليس ضرورياً أن تكون مذكّاة وحلال لأنها أنتجت في بلد إسلامي، وليس ضرورياً أن تكون غير مذكّاة وحرام لأنها أنتجت في بلد غير إسلامي، إنما تكون حلالاً إن تمت التذكية بالصورة الشرعية سواء في بلد إسلامي أم غير إسلامي، وتكون حراماً إن لم تذكَ بصورة شرعية صحيحة سواء في بلد إسلامي أم غير إسلامي.

پاسخ:

می‌توان بر آنچه نوشته‌شده است اعتماد کرد، اگر علاماتی باشد که این اطمینان و وثوق را برساند (اطمینان بر اینکه مصلحت یا نفعی معین برای تولیدکننده از درج دروغ دربارۀ محتویات محصول وجود ندارد، کافی است). ولی در مورد آنچه نوشته‌شده و مبهم است (مواد تغلیظ کننده و مواد محافظ) باید از کارخانه استعلام شود و حلال بودن آن شناخته شود؛ اما در مورد محصولات حیوانی که در آن شرط ذبح حلال برای خوردن یا مصرف در موارد معین وجود دارد، اگر در کشور اسلامی تولیدشده باشد، الزاماً به معنی این نیست که ذبح‌شده، شرعی و حلال است، و اگر در کشور غیر اسلامی تولیدشده باشد، ضرورتاً به آن معنا نیست که به‌صورت غیر حلال ذبح‌شده و حرام باشد. اگر ذبح به‌صورت شرعی باشد، کشتار حلال می‌شود چه در کشور اسلامی باشد و چه در کشور غیر اسلامی؛ و اگر به‌صورت غیرشرعی و نادرست ذبح‌شده باشد، حرام می‌گردد، چه در کشور اسلامی و چه در کشور غیر اسلامی.

وسأعطي مثالاً من الواقع: فمثلاً ذبيحة في مكة المكّرمة يذبحها شخص ينصب العداء لآل محمد  لا تعتبر مذكّاة، وذبيحة في فرنسا يذبحها شخص مسلم لا ينصب العداء لآل محمد  تعتبر مذكّاة، ودجاجة تقطع رقبتها بالمكائن في إيران لا تعتبر مذكّاة ودجاجة تذبح في الصين بيد مسلم لا ينصب العداء لآل محمد  تعتبر مذكّاة.

در اینجا مثالی می‌زنم: حیوانی که در مکۀ مکرّمه توسط کسی که دشمنی آل محمد را دارد ذبح‌شده باشد، حلال محسوب نمی‌شود و حیوانی که در فرانسه توسط مسلمانی که دشمنی با آل محمد ندارد ذبح‌شده باشد حلال است. مرغی که در کشتارگاه‌هایی در ایران گردنش زده می‌شود، حلال حساب نمی‌شود ولی مرغی که در چین توسط مسلمانی که دشمن آل محمد نیست ذبح شرعی شود، حلال است.

س٤٥/ هل يجوز تناول الدجاج البرازيلي الموجود في أسواق الدول الإسلامية ؟

پرسش ۴۵:

آیا خوردن مرغ برزیلی که در بازارهای کشورهای اسلامی موجود است جایز می‌باشد؟

ج/ إذا حصل لديك علم بأنه مذكى بصورة شرعية يجوز لك تناوله، وليس وجوده في أسواق الدول الإسلامية دليلاً على ذكاته.

پاسخ:

اگر یقین پیدا کردی که مرغ به‌صورت شرعی ذبح‌شده، خوردن آن برای شما جایز است. موجود بودن آن در بازارهای کشورهای اسلامی دلیل بر ذبح شرعی آن نیست.

س٤٦/ السمك المستورد من بلاد غير المسلمين، هل يحكم بتذكيته ؟ وهل يجوز استعماله كعلف للحيوانات الداجنة ؟ وهل يجوز أكله، ولا نعلم هل فيه فلس أم أملس الجلد ؟

پرسش ۴۶:

ماهی وارداتی از کشورهای کفر و الحاد، آیا حکم تذکیه شده را دارد؟ و آیا استفاده از آن به‌عنوان خوراک پرندگان جایز است؟ آیا خوردنشان جایز است با توجه به اینکه نمی‌دانیم پولک‌دارند یا نه؟

ج/ إذا علمت أنّ فيه فلساً وأطمأننت لتذكيته فيجوز استعماله للأكل؛ لأنّ تذكية السمك هي أخذه حياً من الماء أو صيده بآلة صيد سواء كان الآخذ أو الصياد مسلماً أم غير مسلم، وهذا السمك المستورد يصطاد بالشباك وآلات الصيد ويخرج من الماء ويترك ليموت خارج الماء عادة فهو مذكّى وإن كان الصياد غير مسلم. والسمك الذي يعتبر غير مذكى هو السمك الذي يموت في الماء دون أن يكون قد علق بآلة صيد، أو السمك الذي يتعمد الإنسان جعله يموت في الماء كالذي يترك في حوض ماء صغير حتى يموت، فيه أو الذي يترك عالقاً بآلة الصيد في الماء عن عمد حتى يموت في الماء.

پاسخ:

اگر بدانید فلس یا پولک دارد خوردنش جایز است؛ چراکه برای تذکیه شدن ماهی باید زنده ازآب‌گرفته شود ـ‌چه صیاد مسلمان باشد یا نباشد‌ـ و این ماهی‌های وارداتی که با تور یا ادوات صید ماهی صید می‌شوند مذکی محسوب می‌شوند حتی اگر صیاد مسلمان نباشد. به‌طورمعمول ماهی وارداتی با تور و ابزارآلات صیادی صیدشده، از آب بیرون آورده و رها می‌شود تا بیرون از آب بمیرد؛ بنابراین تذکیه می‌باشد، حتی اگر صیاد مسلمان نباشد. ماهی تذکیه نشده، آن ماهی است که در آب بمیرد بدون اینکه به ابزار صید گیرکرده باشد، یا ماهی که انسان به‌عمد آن را رها می‌کند تا در آب بمیرد، مثل ماهی که در حوض کوچک رها می‌شود تا بمیرد، یا ماهی گیر افتاده در وسایل صید که به‌عمد در آب رها شود تا در آب بمیرد.

س٤٧/ الجبن المستورد من بلاد غير إسلامية، ما حكمه الشرعي وما حكم طهارته ؟

پرسش ۴۷:

حکم شرعی و پاک بودن پنیر وارداتی از کشورهای غیر اسلامی چیست؟

ج/ طاهر ويجوز أكله، إلا إذا حصل العلم بنجاسته.

پاسخ:

پاک است و خوردن آن جایز، مگر اینکه از نجس بودنش یقین داشته باشیم.

س٤٨/ الحليب المستورد من بلاد غير إسلامية، منه جاف ومنه سائل، هل هو طاهر، حيث نحتمل تمسه أيدي غير مسلمين ؟

پرسش ۴۸:

شیر وارداتی از کشورهای غیر اسلامی ـ‌چه خشک و چه مایع‌ـ که احتمال می‌رود دست غیرمسلمان آن را لمس نموده باشد، آیا پاک محسوب می‌گردد؟

ج/ طاهر ويجوز استعمال الجاف والسائل منه، إلا إذا حصل العلم بنجاسته.

پاسخ:

پاک است و خوردن آن به‌صورت خشک یا مایع جایز است مگر اینکه از نجس بودنش یقین داشته باشیم.

س٤٩/ أكل لحم السمك من فصيلة التون -THON - والروبيان - CREVETTE - حلال أم حرام ؟

پرسش ۴۹:

خوردن ماهی تُن و میگو، حلال است یا حرام؟

ج/ التونة والروبيان حلال.

پاسخ:

تُن و میگو حلال است.

س٥٠/ شخص يسأل عن (الحلبلاب) أو افرازات الذكر للسمك، وهو عكس (الثرب) في أنثى السمكة، هل يحل أكله ؟

پرسش ۵۰:

شخصی از «اسپرم» یا ترشحات ماهی نر که در مقابل تخم ماهی در ماهی ماده است سؤال می‌کند؛ آیا خوردنش حلال است؟

ج/ لا يجوز أكله.

پاسخ:

خوردنش جایز نیست.

س٥١/ هل يجوز أكل مخ العظام للحيوان المحلل الأكل ؟

پرسش ۵۱:

در خصوص مغز استخوان حیوان حلال‌گوشت ذبح‌شده، آیا خوردنش حلال است؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٥٢/ هل يجوز أكل الدجاج أو الغنم والبقر التي تتغذى على عظام الخنازير المطحونة أو الحيوانات المحرمة الأكل ؟

پرسش ۵۲:

آیا خوردن مرغ، گوسفند یا گاوی که بااستخوان آرد شدۀ خوک یا حیوانات حرام‌گوشت تغذیه می­شود، جایز است؟

ج/ إذا كان جزءاً من طعامها فلا إشكال في جواز أكلها.

پاسخ:

اگر جزئی از غذایش باشد، در جایز بودن خوردن آن اشکالی وجود ندارد.

س٥٣/ ما حكم بعض المواد الغذائية التي تضاف إليها نكهة الدجاج أو اللحم أو بعض البهارات التي توجد فيها عظام الحيوانات ؟

پرسش ۵۳:

حکم بعضی از مواد غذایی که چاشنی مرغ یا گوشت یا بعضی از ادویه‌جاتی که در آن استخوان حیوانات وجود دارد، چیست؟

ج/ لا يجوز أكل أي شيء من اللحم أو الدجاج إلا إذا كان مذكى بصورة شرعية، وبالنسبة لنكهة اللحم أو الدجاج إذا كانت أجزاء منه فحكمها حكمه، ولا يجوز أكل العظام أو الغضاريف حتى لو كانت من حيوان مذكى محلل الأكل.

پاسخ:

خوردن هیچ فرآورده‌ای از گوشت و مرغی که به‌صورت شرعی تذکیه (ذبح) نشده باشد جایز نیست؛ اما در مورد چاشنی گوشت و مرغ، اگر مرغ و گوشت از اجزای آن باشند همین حکم را دارد. خوردن استخوان و غضروف جایز نیست، حتی اگر از حیوانِ حلال‌گوشت ذبح شرعی شده باشد.

س٥٤/ ما حكم بعض الحلويات التي يكتب عليها (نفحة الخنزير)، أو (مطعم بالخمر) ؟

پرسش ۵۴:

حکم شیرینی‌هایی که بر روی آن نوشته‌شده «شیر خوک» یا «پخته‌شده با شراب» چیست؟

ج/ كل طعام فيه شيء من الخنزير أو الخمر المعد للسكر لا يجوز أكله.

پاسخ:

خوردن هرگونه خوردنی که در آن فرآورده‌ای از خوک یا شرابی که برای مستی آماده‌شده، وجود داشته باشد جایز نیست.

س٥٥/ ما حكم الكنغر، هل هو طاهر السؤر والبول واللحم، أم لا ؟

پرسش ۵۵:

آیا ادرار، گوشت و ته‌ماندۀ غذای کانگورو پاک است یا خیر؟

ج/ حكمه حكم الدواب كالحمير والبغال.

پاسخ:

حکم آن مانند حکم چهارپایانی مثل الاغ و قاطر است.

س٥٦/ ما حكم الأجبان المأخوذة من حيوان غير مذكى أو خنزير ؟

پرسش ۵۶:

پنیری که از حیوان تذکیه نشده (ذبح شرعی نشده) یا خوک گرفته می‌شود چه حکمی دارد؟

ج/ الجبن المصنع من حليب حيوان غير مأكول اللحم لا يجوز أكله.

پاسخ:

خوردن پنیری که از حیوانی که گوشت آن قابل‌خوردن نیست تهیه شود، جایز نیست.

س٥٧/ لو حصل إسقاط لجنين الحيوان اللبون من المحلل لحمه، هل يجوز شرب الحليب المتولد مع الجنين السقط، أو استعماله ؟ حيث هناك أمّة تحرم ذلك، بادعاء أنّه غير مكتمل التكوين.

پرسش ۵۷:

اگر جنین حیوان شیرده حلال‌گوشتی سقط شود، آیا نوشیدن و یا استفاده از شیری که همراه جنین ـ‌سقط شده‌ـ تولیدشده، جایز است؟ کسانی هستند که آن را حرام می‌دانند به این دلیل که جنین به‌طور کامل شکل نگرفته است.

ج/ يجوز استعمال الحليب في الحالة المذكورة.

پاسخ:

در حالت مذکور استفاده از شیر جایز است.

س٥٨/ ما حكم الجيلاتين الحيواني ؟

پرسش ۵۸:

ژلاتین حیوانی چه حکمی دارد؟

ج/ الجلاتين المنتج من الحيوان لا إشكال في أكله واستعماله في الأدوية والأطعمة، سواء كان منتجاً من حيوان مذكى أم غير مذكى، يحل أكله أم لا يحل.

پاسخ:

مصرف و خوردن ژلاتینِ گرفته‌شده از حیوان، در دارو و خوراکی بدون اشکال است، خواه این حیوان به‌طور شرعی ذبح‌شده باشد و خواه نشده باشد، خواه خوردنش حلال باشد خواه نباشد.

س٥٩/ ما حكم العلك للرجل والمرأة ؟ وهل علك الماء أو العلك المر له نفس الحكم ؟

پرسش ۵۹:

جویدن آدامس برای زن و مرد چه حکمی دارد؟ آیا سقّز مایع یا سقّز تلخ همین حکم را دارد؟

ج/ بالنسبة للمرأة لا إشكال فيه ومكروه للرجل، أما المر الذي يستخدم كعلاج فلا إشكال فيه.

پاسخ:

برای زن اشکالی ندارد، ولی برای مرد مکروه است؛ اما «سقزی» که مورداستفادۀ درمانی قرار می‌گیرد اشکالی ندارد.

س٦٠/ ما حكم أكل أو شرب أو تدخين نبتة القنب (الماريجوانا) ؟

پرسش ۶۰:

حکم خوردن یا نوشیدن یا استعمال شاهدانه (ماری‌جوانا) به‌صورت دخانیات چیست؟

ج/ المادة المخدرة التي تستخرج من نبتة القنب لا يجوز أكلها أو شربها أو تدخينها؛ لأنها مادة مخدرة تسبب السكر، ولكن يجوز استخدامها في مجال الطب لأغراض العلاج.

پاسخ:

خوردن، نوشیدن یا دود کردن مادۀ مخدری که از شاهدانه استخراج می‌شود جایز نیست؛ چراکه این مادۀ مخدر باعث مستی و نشئگی می‌شود؛ اما استفاده از آن در حوزۀ پزشکی با اهداف درمانی جایز است.

س٦١/ ما حكم المشروبات الغازية ومن ضمنها (كوكولا) التي يقال إنّ فيها نسبة خمر ؟

پرسش ۶۱:

حکم نوشیدنی‌های گازدار ـ‌ازجمله کوکاکولا‌ـ که گفته می‌شود اندکی مست‌کننده در آن‌ها وجود دارد چیست؟

ج/ المشروبات الغازية لا إشكال فيها، ووجود نسبة من الكحول لا تسبب السكر في الأشربة والأطعمة لا يجعلها محرمة حتى ولو كانت هذه النسبة مضافة وليست متكونة في الطعام والشراب نتيجة طريقة تحضيره. نعم، يعتبر الطعام والشراب نجس ويحرم تناوله إذا أضيفت له كمية أو نسبة من الكحول أو الخمر المعد للسكر حتى وإن كانت هذه النسبة ضئيلة جداً ولا تسبب السكر.

پاسخ:

در مورد نوشیدنی‌های گازدار اشکالی وجود ندارد و وجود مقداری الکل در نوشیدنی‌ها و غذاها که باعث مستی نمی‌شود آن را حرام نمی‌کند؛ حتی اگر این مقدار از الکل به آن افزوده‌شده و درنتیجۀ نوعِ آماده‌سازی غذا و نوشیدنی، ایجاد نشده باشد. آن غذا و نوشیدنی نجس و خوردنش حرام محسوب می‌شود که مقداری از الکل یا شرابی که با هدف مست‌کنندگی آماده ‌شده باشد به آن افزوده‌شده باشد؛ حتی اگر این مقدار خیلی کم باشد و باعث مستی نشود.

\* \* \*

التدخين وحلق اللحية وبعض ما يخص الرجال

استعمال دخانیات، تراشیدن ریش و بعضی از امور مرتبط با مردان

س٦٢/ ما حكم التدخين ؟

پرسش ۶۲:

حکم استعمال دخانیات چیست؟

ج/ التدخين عندما يكون مضراً ضرراً معتداً به بالمدخن أو من يحيطون به فهو غير جائز.

پاسخ:

استعمال دخانیات اگر ضرر قابل‌توجهی برای فرد سیگاری و اطرافیان او داشته باشد جایز نیست.

س٦٣/ ما حكم التدخين إذا كان الشخص يتسلّى ولم يكن مدخناً حقيقياً ؟

پرسش ۶۳:

استعمال دخانیات در صورتی‌که موجب آرامش شخص شود و مصرف واقعی محسوب نشود چه حکمی دارد؟

ج/ إذا كان يحتمل الضرر المعتد به من التدخين فلا يجوز له التدخين، ولا يوجد شيء اسمه يتسلى أو مدخن حقيقي، فالتدخين مجرد عادة سيئة يمكن لأي شخص تعود عليها الإقلاع عنها فقط يحارب نفسه وشهوته قليلاً.

پاسخ:

اگر احتمال دهد که استعمال دخانیات ضرر قابل‌توجهی دارد، استعمال آن برای او جایز نیست، و چیزی به نام آرامش یافتن یا استعمال حقیقی وجود ندارد؛ بنابراین مصرف دخانیات تنها عادت زشتی محسوب می‌شود که هرکسی می‌تواند آن را ترک کند، فقط باید اندکی با نفس و شهوتش مبارزه کند.

س٦٤/ ما هو حكم إزالة الشعر من الوجنتين كما هو متعارف عليه لدى الحلّاقين ؟

پرسش ۶۴:

حكم تراشیدن موی گونه‌ها كه نزد آرایشگرها مرسوم است، چیست؟‌

ج/ تحرم حلاقة اللحية (الذقن)، ويجوز إزالة الشعر من الوجنتين.

پاسخ:

تراشیدن ریش حرام، ولی تراشیدن موی گونه‌ها جایز است.

س٦٥/ السؤال حول حلاقة اللحية تقية، هل يجوز أم لا ؟

پرسش ۶۵:

از ته تراشیدن ریش از روی تقیه، آیا جایز است یا خیر؟

ج/ بالموس غير جائز حتى وإن كان تقية، أما إذا كان يقصد بالمكينة ويبقى مسمّى لحية فيجوز.

پاسخ:

با تیغ جایز نیست حتی اگر از روی تقیه باشد ولی اگر منظور شما ماشین باشد و چیزی که ریش نام دارد باقی بماند، جایز است.

س٦٦/ ما هو حكم حلق اللحية بالموس وأخذ الأجر عليه إذا كان صاحب المحل أنصارياً، وما حكم أخذ الخيط ؟ وإذا كان عندي مجموعة أشخاص يعملون عندي ويأخذون الأجر على الموس وعلى الخيط ؟

پرسش ۶۶:

حکم تراشیدن ریش با تیغ و گرفتن اجرت در برابر آن درصورتی‌که صاحب محل یکی از انصار باشد چیست؟ و حکم خط انداختن چیست؟ و اگر برای من چند نفر کار کنند و برای تیغ انداختن و خط انداختن اجرت بگیرند چه حکمی دارد؟

ج/ تحرم حلاقة اللحية (الذقن) ويجوز إزالة الشعر من الوجنتين.

پاسخ:

تراشیدن ریش (چانه) حرام، و زدودن موی گونه‌ها جایز است.

فإزالة الشعر بالخيط من الوجنتين جائز ويجوز أخذ الأجرة على هذا العمل.

از بین‌بردن مو از گونه‌ها، با بند کِشیدن جایز است و گرفتن مزد، در برابر این کار جایز است.

ويجوز للحلّاق أن يقوم بحلاقة ذقن غيره بالموس وأخذ الأجر على هذا العمل وإن كان حلاقة الذقن محرماً على المكلف كما بينته سابقاً.

آرایشگر می‌تواند اقدام به تراشیدن ریش شخص دیگری با تیغ کند و در برابر آن اجرت بگیرد؛ هرچند که ـ‌همان‌گونه که پیش‌تر بیان کردم‌ـ تراشیدن ریش برای مکلف حرام است.

ويجب على المكلف تجنب حلاقة ذقنه؛ لأنه عمل محرم، ومن صغائر الذنوب التي تسبّب الابتعاد عن الله وسلب التوفيق. وإن لم يتمكن المكلف لتقية أو مرض من إبقاء الشعر في ذقنه فيحاول تجنب حلاقة الذقن بالموس إن أمكنه ويقصّره بآلة تُبقي شيئاً من الشعر على الذقن لتجنب الحرام.

بر مکلف واجب است که از تراشیدن ریش‌هایش اجتناب کند، چون عملی حرام و از گناهان صغیره است که سبب دوری از خدا و سلب توفیق می‌شود. اگر مکلف به خاطر تقیه یا بیماری نمی‌تواند موی چانه را باقی بگذارد ـ‌در صورت امکان‌ـ از تراشیدن چانه با تیغ اجتناب و با وسیله‌ای آن را کوتاه کند که مقداری از مو را بر چانه باقی بگذارد تا از انجام عمل حرام اجتناب شود.

س٦٧/ ما حكم لبس البنطال للرجال، وهل تجوز الصلاة فيه ؟

پرسش ۶۷:

حکم پوشیدن شلوار لی برای مرد چیست و آیا نماز با آن جایز است؟

ج/ لبس البنطال للرجال لا إشكال فيه، وتجوز الصلاة فيه.

پاسخ:

پوشیدن شلوار لی برای مردها اشکالی ندارد و نماز با آن جایز است.

س٦٨/ ما هو حكم لبس ربطة العنق ؟

پرسش ۶۸:

حکم پوشیدن کراوات چیست؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٦٩/ هل يجوز أن يدخل رجل دار صاحبه أو يبيت فيها مع عدم وجود صاحب الدار وفي الدار زوجته وأطفاله ؟ وعموماً هل له أن يدخل داراً فيها فقط نساء ؟

پرسش ۶۹:

آیا جایز است که مرد وارد خانۀ صاحبش شود یا شب را در آنجا بماند درحالی‌که صاحب‌خانه خودش نباشد و در خانه تنها همسر و فرزندانش باشند؟ و به‌طورکلی آیا می‌تواند وارد خانه‌ای شود که فقط زن‌ها در آن هستند؟

ج/ يجوز إن كان يجلس ويبيت في مكان مستقل ومعزول عن النساء كما هو البراني أو مكان الاستقبال الذي يكون عادة في البيوت العربية.

پاسخ:

جایز است در مکان مستقل و جدا از زنان ـ‌مثل بیرونی یا مکان پذیرایی که معمولاً در خانه‌های عربی وجود دارد‌ـ بنشیند و بخوابد.

\* \* \*

التجارة وبعض المعاملات

تجارت و برخی از معاملات

س٧٠/ أطلب شخصاً اشترك معي بتجارة وقد فرط بها ولضعف حاله أبرأت ذمته، والآن هو بحالة جيدة هل أستطيع أن أطلب حقي منه بعد أن أبرأت ذمته ؟

پرسش ۷۰:

از شخصی که با من در تجارتی شریک بود و دچار ورشکستگی شد، طلبی داشتم و به خاطر وضعیت ضعیفش ذمۀ او را (از این طلب) بری نمودم. او هم‌اکنون در وضعیت خوبی قرار دارد. آیا بعد از اینکه ذمه‌اش را بری کرده‌ام می‌توانم حقم را از او درخواست کنم؟

ج/ إذا كنتَ أبرأت ذمته مطلقاً أي إنك تصدقت عليه بالمال الذي في ذمته فلا يجوز الرجوع في الصدقة بعد القبض، أي لا يجوز لك مطالبته. أما إذا كنت أبرأت ذمته لضعف حاله فإذا مات على ضعفه فذمته بريئة (أي يسقط الدين)، أي إنه إذا تحسنت حالته المالية يرد عليك مالك، في هذه الحالة يجوز لك مطالبته.

پاسخ:

اگر ذمه‌اش را به‌طورکلی بری کرده باشی یعنی مالی را که بر ذمه‌اش داشته‌ای به او صدقه داده‌ای، و رجوع کردن در صدقه بعد از دادن آن جایز نیست؛ یعنی جایز نیست از او درخواست کنی؛ اما اگر ذمه‌اش را به خاطر ضعف حالش بری کرده باشی، اگر در حالتِ ضعف بمیرد، ذمۀ او بری است (دِین و بدهی ساقط می‌شود)؛ یعنی اگر وضعیت مالی او خوب شود مال تو را برمی‌گرداند، در این صورت می‌توانی از او مطالبه کنی.

س٧١/ هل يجوز المتاجرة بالتحف التي لا يعلم أنها مسروقة أم غيرها ؟

پرسش ۷۱:

آیا تجارت اشیاء قیمتی که دزدی بودن یا نبودنشان مشخص نیست، جایز است؟

ج/ يجوز إن كانت ملكاً شخصياً.

پاسخ:

اگر در تملک شخصی باشد، جایز است.

س٧٢/ شخص من الأنصار يريد التجارة، فهل يجوز له التجارة مع أتباع المراجع ؟

پرسش ۷۲:

یکی از انصار می‌خواهد تجارت کند. آیا می‌تواند با پیروان مراجع تجارت نماید؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٧٣/ ما حكم بيع الشيء إلى مستحله، مثل: بيع (اللحوم غير المذكاة أو الخنزير أو الجري) إلى مستحله، وهل يجوز العمل وبيع كل ما موجود بالمحل من لحوم خنزير وغيره أم لا ؟

پرسش ۷۳:

فروختن چیزی به کسی که آن را حلال می‌داند ـ‌مثل فروختن گوشت‌هایی که ذبح شرعی نشده است یا خوک یا مارماهی به کسی که آن را حلال می‌داند‌ـ چه حکمی دارد و آیا کار کردن و فروختن همۀ چیزهای موجود در مغازه مثل گوشت خوک و موارد دیگر، جایز است یا نه؟

ج/ يجوز، ولا يجوز بيع الخمر أو الكحول المعد للسكر.

پاسخ:

جایز است؛ و فروختن شراب یا الکل‌هایی که برای مست‌کنندگی آماده می‌شوند جایز نیست.

س٧٤/ هل يجوز لشخص أن يعمل بمحل يباع فيه لحم خنزير رغم أنه لا يبيعه لمسلمين، وأيضاً المحل ليس ملكه وإنما هو مجرد عامل في المحل ؟

پرسش ۷۴:

آیا انسان می‌تواند در مغازه‌ای که گوشت خوک در آن فروخته می‌شود کار کند، با توجه به اینکه او آن را به مسلمانان نمی‌فروشد. همچنین مغازه، متعلق به او نیست و وی فقط کارگر مغازه است؟

ج/ يجوز العمل في محل يبيع لحوماً لا يحل أكلها، مثل لحم الخنزير أو لحوم غير مذكاة بصورة شرعية.

پاسخ:

کار کردن در مغازه‌ای که گوشت‌هایی می‌فروشد که خوردنشان حلال نیست، مثل گوشت خوک یا گوشت‌هایی که به‌صورت شرعی ذبح نشده است، جایز می‌باشد.

س٧٥/ هل يجوز فتح مطعم لبيع الطعام ؟

پرسش ۷۵:

آیا باز کردن رستوران برای فروش غذا جایز است؟

ج/ يجوز فتح مطعم وبيع الطعام.

پاسخ:

باز کردن رستوران و فروش غذا جایز است.

س٧٦/ ما حكم شراء وصنع وبيع واقتناء الدمى تلك التي تكون على هيئة حيوان ؟

پرسش ۷۶:

حکم خرید و فروش و ساختن مجسمه چیست؟ (مجسمه‌های حیوانات)

ج/ يجوز شراء وبيع واقتناء وصنع الدمى والتماثيل التي تكون على هيئة حيوان، لكنه مكروه. هذا إذا لم يكن فيها ما يحرم كإظهار عورة وإثارة شهوة، أو تكون مما يتخذ للعبادة والسجود لها من دون الله أو السجود لها كقبلة.

پاسخ:

خرید و فروش و نگهداری و ساختن مجسمه و تصاویر حیوانات جایز، ولی مکروه می‌باشد، اگر در آن‌ها حرامی وجود نداشته باشد؛ مانند نمایان ساختن عورت و تحریک شهوت یا استفاده از آن برای عبادت و سجده کردن به‌جای خداوند یا سجده کردن به آن به‌عنوان قبله.

س٧٧/ شخص اشترى أرضاً بقرض (بفائدة) من أحد البنوك العربية (ولا يعرف موقف مالك البنك من الحق)، وأضيف إلى مبلغ القرض ما ادخر من عمله، واختلط المال، ثم بيعت الأرض بنصف قيمتها، والسؤال: هل هناك إشكال في نقود الأرض المباعة ؟ وهل عليه شيء وهو قد سدد القرض ؟

پرسش ۷۷:

شخصی زمینی را با وام (بهره دار) از یکی از بانک‌های عربی خریده است و نمی‌داند مالک بانک چه موضعی در برابر حق دارد، و به مبلغ وام مبلغی را که از طریق کار کردن پس‌انداز کرده، اضافه کرده و مال مخلوط شده است؛ سپس زمین را نصف قیمت فروخته است. سؤال: آیا اشکالی در مبلغ زمین فروخته شده وجود دارد؟ و آیا چیزی بر عهدۀ اوست درحالی‌که وام را تسویه کرده است؟

ج/ لا إشكال في المال الذي حصل عليه من بيع الأرض.

پاسخ:

در پولی که از فروش زمین به دست آورده است اشکالی وجود ندارد.

س٧٨/ هل يجوز أن تعطي للخباز كيساً من الطحين وتستلم منه يومياً خبزاً، وما الحكم إذا كان يحصل اختلاط بين طحيني وطحين غيري عند الخباز ؟

پرسش ۷۸:

آیا جایز است کیسه‌ای آرد به نانوا داده و هرروز از او نان گرفته شود؟ و اگر نزد نانوا، آرد من و دیگری مخلوط شود چه حکمی دارد؟

ج/ يجوز، ولا إشكال في الاختلاط ما دام أمراً متعارفاً ومقبولاً عند الجميع.

پاسخ:

جایز است و مادامی که متعارف و مقبول در نظر همه باشد، در این مخلوط شدن اشکالی نیست.

س٧٩/ هل يجوز التعامل بالأقساط (تقطيع الأموال خلال فترة زمنية محددة أو غير محددة)، علماً بأنه يؤخذ مبلغ زائد عن مبلغ السلعة المعروفة السعر ؟ وهل هنالك فرق بين التعامل بهذا القضية بين الأنصار وغير الأنصار ؟

پرسش ۷۹:

آیا معاملۀ اقساطی (تقسیم اموال طی بازۀ زمانی مشخص یا غیرمشخص) جایز است؟ با توجه به اینکه مبلغی بیش از مبلغ شناخته شدۀ کالا دریافت می‌گردد؟ و آیا در معاملۀ به این شکل تفاوتی میان انصار و غیرانصار وجود دارد؟

ج/ أخذ فائدة مالية لأجل تأخير دفع كل أو بعض القيمة المالية المترتبة على شراء شيء معين يعتبر ربا محرماً، والربا يكون بين المؤمنين أو بين مؤمن ومسلم ينتحل حب محمد وآل محمد الأئمة والمهديين، فلا ربا بين مؤمن وناصبي أو بين مؤمن وغير مسلم.

پاسخ:

گرفتن بهره به دلیل تأخیر در پرداخت همه یا قسمتی از قیمت مالی که مرتبط بر فروختن کالایی معین است، ربای حرام می‌باشد، و ربا بین مؤمنان یا بین مؤمن و مسلمانی که دوستی محمد و آل محمد ـ‌ائمه و مهدیین‌ـ را در دل دارد، معنا می‌دهد؛ بنابراین بین مؤمن و ناصبی، یا بین مؤمن و غیرمسلمان ربایی وجود ندارد.

\* \* \*

بعض الأعمال والوظائف

برخی شغل‌ها و وظایف

س٨٠/ هل يجوز بيع الدولار بالدينار، وهكذا في باقي العملات ؟

پرسش ۸۰:

آیا فروختن دلار به دینار جایز است؟ همچنین در مورد سایر پول‌ها؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٨١/ سائق يعمل في شركة وبعض الأحيان ينقل خمراً، فما هو حكمه إذا اُجبر على ذلك من قبل رب العمل ؟

پرسش ۸۱:

راننده‌ای در شرکتی کار می‌کند و بعضی مواقع شراب جا‌به‌جا می‌دهد. اگر او از طرف کارفرما مجبور به این کار شده باشد چه حکمی دارد؟

ج/ لا يجوز نقل الخمر أو الكحول المعد للسكر.

پاسخ:

انتقال شراب یا الکلی که برای مستی ساخته‌شده است جایز نیست.

س٨٢/ هل يجوز لسائق تاكسي مساعدة بعض الركاب الذين يشترون الخمر وما شابه مما يحرم أكله أو شربه، وإيصال مثل تلك البضاعة إلى السيارة أو إلى المنزل ؟

پرسش ۸۲:

آیا جایز است رانندۀ تاکسی به مسافرانی که شراب و مانند آن از چیزهایی که خوردن یا نوشیدن‌شان حرام است می‌خرند کمک کند؟ و این‌گونه جنس‌ها را به ماشین یا درِ منزل بیاورد؟

ج/ فيما يخص الخمر لا يجوز.

پاسخ:

در آنچه اختصاص به شراب دارد جایز نیست.

س٨٣/ من يكون عمله الحراسة على محلات بيع الخمر أو البارات، أو نقل البضائع التي تضم الخمر أو ما يحرم أكله، أو العمل في مزارع العنب الذي يُصنع خمراً بعد ذلك، فما هو حكم مثل هذه الأعمال ؟

پرسش ۸۳:

کسی که شغلش نگهبانی از شراب‌فروشی‌ها یا بارها است، یا کالاهایی که ضمیمۀ شراب می‌شود یا چیزی که خوردنش حرام است را انتقال می‌دهد، یا در مزارع انگوری که بعداً از آن شراب درست می‌شود کار می‌کند، چه حکمی دارد؟

ج/ العمل في محلات بيع الخمر أو حراستها غير جائز، أما مزارع العنب فلا إشكال أن يعمل فيها.

پاسخ:

کار در شراب‌فروشی‌ها یا نگهبانی از آن‌ها جایز نیست، اما اشکالی ندارد که در مزارع انگور کار کند.

س٨٤/ شخص سائق شاحنة ويعمل في شركة تنقل لحوم غير حلال أو غيرها، هل تكون عليه حرمة ؟ مع العلم أن الشخص مجرد سائق والشاحنة ليست ملكه.

پرسش ۸۴:

اگر شخصی رانندۀ کامیون باشد و در شرکتی که در آن کار می‌کند، گوشت‌های غیر حلال یا غیر از آن جابه‌جا شود، آیا حرمتی برای او پیش می‌آید؟ با توجه به اینکه این فرد فقط راننده است و کامیون متعلق به او نیست.

ج/ يجوز العمل كسائق شاحنة تحمل لحوماً لا يحل أكلها، ولكن لا يجوز أن يعمل في بيع الخمر أو كسائق شاحنة تحمل الخمر.

پاسخ:

کار کردن به‌عنوان رانندۀ کامیونی که گوشت‌هایی که خوردنشان حلال نیست را جابه‌جا می‌کند نیز جایز است؛ ولی جایز نیست در شراب فروشی کار کند یا رانندۀ کامیونی باشد که شراب حمل می‌کند.

س٨٥/ شخص يعمل في دار العجزة وفي تلك الدار نساء مسنات مضافاً إلى الرجال أيضاً، وهو يراعيهم ويخدمهم ويحملهم لقضاء حوائجهم ويتولى غسلهم إن استوجب الأمر، فهل يجوز ذلك ؟

پرسش ۸۵:

شخصی در آسایشگاه سالمندان کار می‌کند و در آنجا علاوه بر مردها، زن‌های سالخورده نیز هستند و او مراقبت و خدمت آنها را انجام می‌دهد و برای قضای حاجت و غسل دادنشان ـ‌در صورت وجوب‌ـ کمک می‌کند. آیا این کار جایز است؟

ج/ يجوز عند الاضطرار.

پاسخ:

در صورت اضطرار جایز است.

س٨٦/ شخص يداوم بدائرة صحية ومعه نساء موظفات كثيرات، ما حكم الاختلاط أثناء الدوام، وما حكم النظر ؟

پرسش ۸۶:

شخصی در ادارۀ بهداشت مشغول به کار است و زنان زیادی با او همکار هستند. حکم اختلاط و نگاه کردن به آنها در حین کار چیست؟

ج/ تواجد رجال ونساء لأجل القيام بعمل (جائز شرعاً) يجوز، وعلى المؤمن والمؤمنة القيام بواجب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر. أما النظر فإذا لم يكن مقصوداً فهو جائز.

پاسخ:

گرد آمدن زنان و مردان در هر جا برای انجام کار، ازنظر شرعی جایز است، و بر هر مرد و زن مؤمن واجب است که امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کند. نگاه کردن اگر به‌قصد سوء ظن یا لذت بردن نباشد، جایز است.

س٨٧/ شخص يعمل في مؤسسة تحقيق (تحقيق كتب الفقه المعروفة عندهم ككتاب العروة الوثقى، أو كتب الروايات)، فهل يجوز له مواصلة العمل معهم ؟

پرسش ۸۷:

شخصی در یک موسسۀ پژوهشی در حوزۀ تحقیق کتاب‌های فقهی معروف ازنظر آنها (مثل عروة الوثقی) یا کتاب‌های روایی کار می‌کند. آیا ادامۀ همکاری او با آنها جایز است؟

ج/ يجوز، ولكن يجتنب كتب الضلال فلا يعمل على تحقيقها أو نشرها أو المساعدة على نشرها، وبالنسبة لكتاب العروة يتجنبها أفضل لدينه، إذ يمكن أن يختص بالروايات أفضل له.

پاسخ:

جایز است ولی از کتب ضالّه دوری کند و از تحقیق یا نشر آنها یا کمک در انتشار آنها اجتناب ورزد. در خصوص کتاب «عروه»، برای دینش بهتر است که از آن اجتناب کند و اگر بتواند به‌طور اختصاصی روی کُتب روایی کار کند، برایش بهتر است.

س٨٨/ وجد أحد الإخوة الأنصار مجموعة من السيديهات تحوي أفلاماً أجنبية وأتاني بها على أساس أن أبيعها لأناس يشتغلون بها؛ رأفة بحالي المادي الصعب، فاحترت في أمرها، فماذا أفعل بها ؟

پرسش ۸۸:

یکی از برادران انصار مجموعه‌ای از سی‌دی‌های فیلم‌های خارجی را یافته است و آنها را به من داده تا به کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، بفروشم؛ زیرا او به خاطر وضع بد مالی‌ام بر من شفقت کرده است. نورِ دیده‌ام! من در این خصوص متحیر مانده‌ام. با این سی‌دی‌ها چه کنم؟

ج/ إذا كان فيها ما يثير الشهوة فلا يجوز بيعها، وأسأل الله أن يرزقكم من الحلال ما يغنيكم به.

پاسخ:

اگر در آنها چیز شهوت‌انگیزی باشد، فروختن‌شان جایز نیست. از خداوند مسئلت می‌نمایم که از مال حلال آنچه موجب بی‌نیازی شما می‌شود را روزی‌تان گرداند.

س٨٩/ هناك بعض مقاطع فيدو أشاهدها على الإنترنت، المتحدثون (حوالي 4 وأكثر)، والحديث ينصبّ على النفس البشرية وكيفية تخليصها من السوالب بالرجوع إلى أصل النفس. معظم هؤلاء يقفون في حدود النفس البشرية كأصل ولا يخطون إلى الخالق سبحانه، فالأمر ليس دينياً بالنسبة لهم أو لمن يستمع إليهم. الحديث يختلف فقط عندما يصل إلى آخر نقطة ولا يبقى إلا الإقرار بمن أبدع وصوّر فيقفون على تلفيق. هل يجوز للموحد الاستماع بحجة جني الحكمة وأنّه يقرّ بالذي خلق سبحانه أم أنه يؤثم ؟

پرسش ۸۹:

در اینترنت چند کلیپ ویدیویی مشاهده کردم؛ حوالی چهار تا یا بیشتر که در مورد کیفیت ایجاد نفْس بشر و چگونگی خالص شدن آن برای بازگشت به اصل خودش بحث می‌کنند.

بیشتر آنها در حدود نفس بشر توقف می‌کنند و راهی به‌سوی خالق سبحان ندارند. بحث آنها چه از دید خودشان و چه برای بیننده، اصلا دینی نیست. بحث صرفاً در مورد شروع خلقت است و درنهایت چیزی ندارند جز آنکه اقرار می‌کنند که به خالقی نیاز است که خلق کند و صورت بخشد، و صرفا در حد جنبه‌های آفرینشی توقف می‌کنند.

آیا جایز است انسانِ موحّد، استدلال و حکمت آنها را بشنود و بر این اساس اقرار کند که خالق سبحانی است یا او (من) گناه کرده است؟

ج/ السماع لا يضر فأنت ربما تسمع حجة اليهود والنصارى والملاحدة لترد عليها، أمّا أن كنت تقصد الاعتقاد والتصديق بما يقول هؤلاء عن النفس فهذا غير صحيح، فهم إن أصابوا في تشخيص أمر ما يخطئون بآخر، فالصحيح أن تعرف النفس من خالق النفس سبحانه وطريق المعرفة كتبه ورسله سبحانه وتعالى.

پاسخ:

گوش کردن و شنیدن، زیان نمی‌رساند. چه‌بسا شما دلایل یهود و نصارا و کفار را بشنوی تا به آن پاسخ دهی اما اگر هدفت اعتقاد و تصدیق چیزی است که آنها می‌گویند، درست نیست. اگر تشخیص درست می‌دادند، دیگر به خطا نمی‌رفتند؛ درست آن است که نفس را از خود خالق سبحان بشناسی و راه شناخت آن از طریق کتاب‌ها و فرستادگان خداوند سبحان‌ومتعال می‌باشد.

\* \* \*

البنوك والقروض الربوية

بانک‌ها و وام‌های رَبَوی

س٩٠/ البنوك الغربية (الأوربية): هل يجوز الإيداع فيها وأخذ الفائدة المترتبة على الإيداع ؟ وهل يجوز الاقتراض منها مع أن في القرض فائدة ؟ وماذا إذا أخذ القرض ولم يرد الآخذ تسديده، مرة لعدم استطاعته وأخرى مع استطاعته ؟

پرسش ۹۰:

بانک‌های غربی (اروپایی): آیا می‌توان در آنها ودیعه گذاشت و سود حاصل از آن را دریافت کرد؟ و آیا گرفتن وام بهره دار از آنها جایز است؟ و آیا جایز است که وام گرفته شود و وام‌گیرنده تسویه نکند؛ چه در حال توانایی داشتن و چه در حالت توانایی نداشتن؟

ج/ لا ربا مع هؤلاء؛ لأنهم غير مسلمين ولا مؤمنين، ويجوز أخذ الفائدة منهم، ويجوز الاقتراض منهم بفائدة، ولا يجب الالتزام بتسديد الفائدة لهم، ويجب الالتزام بتسديد القرض لهم ما داموا غير محاربين ولا نواصب، ومع عدم القدرة لا يجب التسديد لهم حتى تتحصل القدرة على التسديد.

پاسخ:

در برابر آنها ربا وجود ندارد؛ چون غیرمسلمان هستند و مؤمن نیستند. گرفتن سود از آنها جایز است. گرفتن وام بهره دار از آنها جایز است. واجب نیست نسبت به تسویه سود ملتزم باشی، و تا زمانی که محارب و ناصبی نباشند باید به تسویه‌ی قرض ملتزم بود؛ و در صورت عدم توانایی، تسویه با آنها واجب نیست تا زمانی که توانایی بر تسویه‌حساب حاصل شود.

س٩١/ هل يجوز التحايل على البنك غير الإسلامي وأخذ قرض منهم، وبعدها إذا تمكن من رد هذا المبلغ يرده لهم، وأما إذا لم يستطع أن يرده فما هو الحكم ؟

پرسش ۹۱:

آیا فریب دادن بانک غیر اسلامی جایز است؟ یعنی از آنها وام بگیرد و بعداً اگر بتواند این مبلغ را به آنها بازگرداند و اگر نتواند پس ندهد؟

ج/ بالنسبة للمعاملات مع البنوك التي يملكها غير المسلمين أو يملكها نواصب ينصبون العداء للائمة أو المهديين فيجوز أن تأخذ منهم قروضاً بفائدة، أو أن تودع مالك عندهم وتأخذ فائدة منهم، حيث لا ربا بين مؤمن وغير مسلم أو بين مؤمن وناصب عداء. وإن أخذت من أمثال هؤلاء قرضاً ولم تتمكن من سداده لا إشكال وفقك الله.

پاسخ:

در خصوص معامله با بانک‌هایی که غیرمسلمان‌ها یا ناصبی‌هایی که ائمه یا مهدیین را دشمن می‌دارند مالکشان هستند، جایز است از آنها وام‌های بهره‌دار بگیرید، یا اینکه مالت را نزدشان به امانت بگذاری و از آنها سود بگیری، زیرا بین مؤمن و غیرمسلمان یا بین مؤمن و ناصبی ربایی وجود ندارد.

اگر از امثال این افراد وام بگیری ولی نتوانی آن را پرداخت کنی اشکالی ندارد؛ خداوند توفیقت دهد.

س٩٢/ هنا في العراق، مصارف وبنوك أجنبية ولكنها ربوية حيث تُقرض الناس أموالاً وبفائدة (ربما قليلة)، فما حكمها الشرعي ؟ وهل يحق للمضطر الاقتراض منها ؟

پرسش ۹۲:

در عراق بانک‌ها و صرافی‌های خارجی وجود دارند که وام با بهره می‌دهند، به این صورت که مردم از آن‌ها وام‌هایی با بهره (هرچند بهرۀ اندک) دریافت می‌کنند. حکم شرعی آن چیست؟ و آیا کسی که نیاز مبرم دارد می‌تواند از آنها وام بگیرد؟

ج/ لا ربا بين المسلم وغير المسلم. فإذا كانت البنوك ملكاً لغير المسلمين أو النواصب يجوز الاقتراض منها مع وجود الفائدة.

پاسخ:

بین مسلمان و غیرمسلمان ربا وجود ندارد. اگر آن بانک‌ها متعلق به غیرمسلمان یا ناصبی‌ها (دشمنان اهل‌بیت) باشند، وام گرفتن با بهره از آنها جایز است.

س٩٣/ أعمل حالياً في العراق مع منظمة من منظمات المجتمع المدني، وهي تقوم بإقراض أصحاب المشاريع الصغيرة بمبلغ من المال مقابل فائدة مستقطعة مقدماً، ويتم التسديد على شكل دفعات شهرية، علماً أنني لست مقترضاً وإنما أعمل كموظف في هذه المنظمة. رأس مال المنظمة هو من خلال منح الدول المانحة وليس من أموال الشعب العراقي، أي إنّ رأس المال أمريكي أو أوربي. علماً أني قد عملت معهم على أساس جواب السيد اليماني لأحد الإخوة حول شرعية أخذ القروض بفائدة إذا كان صاحب المال كافراً أو ناصبياً.

پرسش ۹۳:

در حال حاضر در موسسه‌ای از مؤسسات مدنی عراق کار می‌کنم که به صاحبان مشاغل کوچک وام می‌دهد و درازای آن سود می‌گیرد. این سود به‌صورت اقساط ماهانه داده پرداخت می‌شود، با در نظر گرفتن اینکه من وام نگرفته‌ام بلکه فقط در این موسسه کار می‌کنم.

منبع پول این موسسه از دولت‌های دیگر است (مثلاً آمریکا و اروپا) و از مردم عراق نیست.

با توجه به اینکه من به‌این‌علت با آن‌ها همکاری می‌کنم که در فتوایی از سید یمانی شنیدم که اگر صاحب‌مال کافر یا ناصبی (دشمن اهل‌بیت ) باشد، ربای قرضی وجود ندارد.

أرجو من السيد الميمون أو أحد الإخوة الأنصار إجابتي على هذه المسألة حول حلية أو عدم حلية العمل مع هذه المنظمة كموظف، علماً أنّ مقر المنظمة الرئيسي يقع في أمريكا.

از سید مبارک یا یکی از انصار انتظار دارم که جواب مرا بدهند که آیا کار کردن در این مؤسسه برای من جایز است یا خیر؟ با علم به اینکه مرکز این موسسه، در آمریکا قرار دارد...

ج/ لا يوجد ربا بين مؤمن (أو مسلم ينتحل حب آل محمد ) وكافر بنبوة محمد  (أو ناصب عداء لآل محمد أو شيعتهم لأنهم يشايعونهم)، والقرض الربوي من مال غير المسلمين يجوز للمسلم أخذه، وأمّا العمل في هكذا مؤسسات فجائز.

پاسخ:

بین مؤمن (یا مسلمانی که حب اهل‌بیت را دارد) و کافر به نبوت محمد (یا آنکه دشمنی با آل محمد یا شیعیان آن‌ها را از آن ‌رو که شیعۀ اهل‌بیت هستند برانگیزد) ربا وجود ندارد. گرفتن قرض ربوی از مال غیر‌مسلمانان برای مسلمان جایز است و کار در این مؤسسات نیز جایز است.

س٩٤/ سؤال: حول القروض المالية من البنوك الأجنبية الغير مسلمة هنا في أوربا، بعض المسلمين يأخذون قرضاً من البنك لشراء سكن ومن ثم تسديد المبلغ مع فائدة بنسبة (84 و6) بالمائة، وتسديد المبلغ خلال 20 سنة أو 25 سنة أو 30 سنة، ويجوز تسديد فقط الفائدة ويبقى المبلغ في ذمة الشخص إلى أن يبيع السكن ومن المبلغ يسدد القرض، أو في حالة أخرى يسدد جزءاً من القرض شهرياً زائد الفائدة المطلوبة شهرياً (84 و6) بالمائة، وبهذا يكون المبلغ الإجمالي المدفوع من الشخص: شهرياً أجار + تسديد قرض + فائدة. فهل أخذ القرض من البنك وتسديده مع الفائدة الشهرية للبنك حلال أم حرام ؟

پرسش ۹۴:

در مورد قرض از بانک‌های خارجی غیرمسلمان در اروپا، برخی از مسلمانان برای خرید خانه از بانک وام می‌گیرند و بعد با سود به نسبت 84 و 6 درصد طی مدت 20، 25 یا 30 سال برمی‌گردانند. می‌توان اول سود پول را پرداخت کرد و بعد از خرید خانه، اصل وام را پرداخت نمود و در حالت دیگر قسمتی از وام را به‌صورت ماهانه اضافه بر سود موردنظر (84 و 6) درصد پرداخت نمود و به‌این‌ترتیب پرداخت ماهانۀ شخص به‌صورت زیر می‌باشد: اجارۀ ماهانه + اصل وام + سود. گرفتن این وام و پرداخت آن همراه با سود به بانک، حلال است یا حرام؟

ج/ القرض مع الفائدة ربا محرّم، ولكن الربا المحرّم يتحقق بين مؤمن ومؤمن آخر أو مؤمن ومسلم لا ينصب العداء للائمة والمهديين . فسؤالك حول أخذ القرض من البنك وتسديده مع الفائدة الشهرية للبنك حلال أم حرام، جوابه يعتمد على هوية البنك، أي مالك البنك أو الذين يملكون البنك فإن لم يكونوا مؤمنين ولا مسلمين ينتحلون مودة آل محمد فيجوز أخذ القرض وإن كان به فائدة، وأيضاً يجوز إقراضهم أو إيداع المال عندهم وأخذ فائدة منهم.

پاسخ:

قرض با بهره، ربا و حرام است ولی ربای حرام، بین مؤمن و مؤمنی دیگر یا بین مؤمن و مسلمان دیگری که دشمنی با آل محمد ندارد، تحقق می‌یابد.

سؤال تو در مورد گرفتن قرض از بانک و بازگرداندن آن با بهرۀ ماهانه به بانک که آیا حلال است یا حرام، بستگی دارد به هویت بانک؛ یعنی اگر مالک بانک یا کسانی که صاحب بانک هستند مؤمن یا مسلمانی که دوستی اهل‌بیت را دارند نباشند، جایز است از آنان قرض -هرچند با بهره- گرفته شود و نیز می‌توان به آنها قرض یا مالی را با دریافت بهره سپرد.

س٩٥/ أنا أضع نقودي في البنك السويدي وفي نهاية السنة يعطيني البنك فائدة ومن ثم أرسلها إلى العراق، أي فقراء العراق من باب اجتناب الربا، أعرف إني لا أحصل على ثواب، ولكني أريد الابتعاد عن الربا؛ علماً أني مضطر على أن أضع نقودي في البنك للحفاظ عليها من السرقة، فهل أني على صواب أم على خطأ ؟

پرسش ۹۵:

من در بانک سوئدی مقداری پول سپرده‌ام و در پایان سال، بانک سودی به من می‌دهد که آن را به عراق می‌فرستم؛ یعنی به فقرای عراق می‌دهم تا از ربا دوری کرده باشم. می‌دانم که ثوابی از این کار نمی‌برم ولی برای دوری از ربا چنین می‌کنم؛ با توجه به اینکه من ناچارم پول خود را برای جلوگیری از سرقت در بانک بگذارم. آیا من بر مسیر صحیح قرار دارم یا خیر؟

ج/ الربا يكون بين المؤمنين وبين مؤمن ومسلم لا يعادي آل محمد بقول أو فعل، فلا ربا بين مسلم وغير مسلم، فالفائدة التي يعطيها لك البنك المذكور ملك لك، ولك أن تصرفها على نفسك أو أن تتصدّق بها أو أن تفعل بها ما تشاء فيما يرضي الله وتؤجر وتثاب على تصدّقك؛ لأنه مال تملكه وتصدّقت به.

پاسخ:

ربا بین مؤمنان و یا بین مؤمن و مسلمانی که در گفتار یا کردار دشمنی با آل محمد ندارد، معنا می‌یابد و بین مسلمان و غیرمسلمان، ربایی وجود ندارد؛ بنابراین سودی که بانک مذکور به تو می‌دهد متعلق به تو است و می‌توانی با ارادۀ خود در آن تصرف نمایی یا آن را صدقه دهی یا هر کار که مایل هستی و در آن رضایت خدا وجود دارد انجام دهی. برای صدقه‌هایی که دادی، اجر می‌بری و پاداش می‌گیری؛ زیرا مالی است که تو مالک آن هستی و آن را صدقه داده‌ای.

س٩٦/ شخص من الأنصار قد اقترض صديقه من البنك قرضاً وأخذه من الأنصاري بشرط أن يسدد الأخ الأنصاري مبلغاً شهرياً ما دام المبلغ المقترض عنده، فهل يجوز للأخ الأنصاري أخذ هذا القرض من صديقه بهذا الشرط أم لا ؟

پرسش ۹۶:

دوست یکی از انصار از بانک وام گرفته است. آن برادر انصاری آن وام را از او گرفته به این شرط که تا زمانی که مبلغ وام نزد او است اقساط ماهیانه را پرداخت کند. آیا جایز است که برادر انصاری این قرض را از دوستش با این شرط بگیرد یا خیر؟

ج/ هذا قرض ربوي.

پاسخ:

این قرض ربوی است.

س٩٧/ ما هو حكم البنك في إيران، فهل هو بنك إسلامي والتفاضل بين المقترض منه يؤدي للربا أم لا ؟

پرسش ۹۷:

حکم بانک در ایران چیست؟ آیا بانک اسلامی محسوب می‌شود؟ سود وام ربا محسوب می‌شود یا نه؟

ج/ قد بينت سابقاً أنّ الأموال التي عند الحكومات التي تحكم البلاد الإسلامية هي إما ملك للإمام أو لعامة المسلمين فيجوز للمؤمنين أخذ الفائدة من البنوك، أما دفع فائدة للبنك على القرض فغير جائز ويعتبر ربا محرماً.

پاسخ:

پیشتر بیان کردم اموالی که در اختیار حکومت‌هایی که بر سرزمین‌های اسلامی حکومت می‌کنند قرار دارد، یا مُلک امام است یا عامۀ مسلمانان؛ بنابراین جایز است که مؤمنان از بانک‌ها سود دریافت کنند، اما پرداخت سود وام به بانک جایز نیست و ربای حرام محسوب می‌شود.

س٩٨/ بعض البنوك في إيران تدعي أنها لا تأخذ فائدة على القرض بل تأخذ مبلغاً جزئياً في قبال الأوراق المصروفة للمعاملة وأتعاب الموظفين، فهل يجوز الاقتراض من هذا البنك أم لا ؟

پرسش ۹۸:

برخی از بانک‌ها در ایران ادعا می‌کنند که برای وام، سودی دریافت نمی‌کنند بلکه تنها مبلغ جزئی در قبال اوراق استفاده‌شده در معامله و کار کارمندان دریافت می‌کنند. آیا وام گرفتن از این بانک‌ها جایز است یا نه؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

\* \* \*

عقد التأمين

قرارداد بیمه

س٩٩/ ما هي الأحكام الشرعية للتأمين على الحياة أو التأمين ضد الأمراض أو الحوادث أو السرقة وكل ما هو له علاقة بالتأمين ؟

پرسش ۹۹:

احکام شرعی در خصوص بیمۀ عمر، بیمۀ خدمات درمانی و بیمۀ حوادث و سرقت و به‌طورکلی هر چیزی که به بیمه مربوط می‌شود چیست؟

ج/ التأمين: هو عقد جائز بين جهة تكون عادة شركة التأمين (المؤَمِن) من أحد الجانبين، وجهة أخرى تكون عادة شخصاً أو أشخاصاً أو شركة (المؤَمَن له أو المستأمِن) من الجانب الآخر.

پاسخ:

بیمه‌نامه: قراردادی است که از یکسو بین شرکت بیمه‌کننده (بیمه‌گر) و از سوی دیگر با شخص، اشخاص یا شرکت دیگری (بیمه شونده یا بیمه‌گزار) منعقد می‌گردد.

ويتعهد فيه المؤَمِن للمؤَمَن له بأن يدفع له أو لورثته مبلغاً من المال عند حدوث طارئ معين على شيء معين يخصه في مدّة معينة في مقابل أن يدفع المؤَمَن له مبلغاً معيناً من المال في مدّة معينة.

در این قرارداد، بیمه‌گر به بیمه‌گزار متعهد می‌گردد که در صورت بروز حادثه بر چیزی معین در مدتی معین جبران خسارت کند و پول معینی را در مدت معین به او یا ورثه‌اش پرداخت نماید.

مسائل:

١- يلتزم المؤمن له بدفع المبلغ المتعين عليه بموجب العقد وفي المدّة المعينة، وإلاّ فإن امتنع عن الدفع كان للمؤَمِن فسخ العقد وإعادة نصف المبلغ الذي دفعه المؤمن له، إن كان قد دفع جزءاً من المبلغ المتعين عليه دفعه.

چند مسئله:

۱- بیمه‌گزار ملزم به پرداخت مبلغ معین‌شده، طبق قرارداد و در مدت معین‌شده می‌باشد و در غیر این صورت، بیمه‌گر از پرداخت خسارت پیش‌آمده امتناع و قرارداد را فسخ خواهد کرد و اگر بخشی از مبلغ بیمه‌نامه توسط بیمه‌گزار به بیمه‌گر پرداخت‌شده باشد، نصف این مبلغ را به بیمه‌گزار پرداخت نماید.

٢- إن تلكأ المؤمن له في الدفع، كان المؤَمِن مخيراً في إمهاله أو الفسخ وإعادة نصف المبلغ الذي دفعه المؤمن له، إن كان قد دفع جزءاً من المبلغ المتعين عليه دفعه.

۲- اگر بیمه‌گزار در پرداخت مبلغ مقرر تعلّل کند، بیمه‌گر در مهلت دادن به او یا فسخ قرارداد و بازگرداندن نصف مبلغی که بیمه‌گزار به او پرداخت کرده است، مختار می‌باشد؛ اگر که بیمه‌گزار چیزی از مبلغ را پرداخت کرده باشد.

٣- إذا اشترط المؤَمِن أن لا يعيد شيئاً من (المبالغ) الأقساط التي دفعها المؤمن له إذا أخل بالعقد أو تلكأ في الدفع وفسخ المؤَمِن العقد تبعاً لذلك، يصح الشرط.

۳- اگر بیمه‌گر شرط کند که چنانچه بیمه‌گزار در پرداخت اقساط و یا مبلغ باقی‌مانده در قرارداد تعلل یا امتناع کند و به دنبال آن، بیمه‌گر قرارداد را فسخ نماید و بیمه‌گر چیزی از مبلغ پرداخت‌شده را به بیمه‌گزار پرداخت ننماید، این شرط صحیح است.

٤- يجب أن يلتزم المؤَمِن بجبر خسارة المؤَمَن له عند حدوثها ولا ينفسخ العقد بتنصل المؤَمِن عن الدفع بل يجبر على الدفع.

۴- بیمه‌گر باید در صورت بروز حادثه بیمه‌گزار را جبران خسارت نماید و در صورت عدم پرداخت این مبلغ از سوی بیمه‌گر، قرارداد فسخ نمی‌گردد بلکه او باید جبران خسارت نماید.

٥- يجب أن يكون المؤمن قادراً على جبر خسارة المؤمن له المفروضة في العقد ابتداءً، فإن تبيَّن بعد العقد عجزه عن ذلك ابتداءً كان للمؤمن له حق الفسخ واستعادة ما دفع من المال. وكذا إن طرأت القدرة بعد أن كان عاجزاً ابتداءً.

۵- باید بیمه‌گر قبل از انعقاد قرارداد توانایی جبران خسارت را داشته باشد و چنانچه پس از عقد قرارداد مشخص شود که بیمه‌گر قادر به پرداخت خسارت احتمالی نیست، برای بیمه‌گزار این حق محفوظ می‌باشد که قرارداد را فسخ و مبلغ پرداخت‌شده از سوی او باز گردانیده شود؛ حتی اگر پس از مشخص شدن ابتدایی ناتوانی بیمه‌گر از پرداخت خسارت، توانایی پرداخت خسارت در او ایجاد شود.

٦- إذا طرأ العجز على المؤَمِن بعد أن كان قادراً ابتداءً، كان للمؤَمَن له حق الفسخ واستعادة نصف ما دفع من المال.

۶- اگر در ابتدا بیمه‌گر توانایی جبران خسارت را داشته باشد و بعداً ناتوانی از پرداخت بر او عارض شود، بیمه‌گزار حق فسخ قرارداد و باز پس گرفتن نصف مبلغ پرداخت‌شده به بیمه‌گر را دارد.

٧- إذا اشترط المؤَمِن أن لا يعيد نصف المال إذا طرأ عليه العجز عن جبر الخسارة واختار المؤمن له فسخ العقد، لا يصح الشرط.

۷- اگر بیمه‌گر شرط کند که در صورت بروز ناتوانی از پرداخت خسارت، بیمه‌گزار حق فسخ قرارداد را ندارد و نصف مبلغ پرداخت‌شده به او باز گردانیده نشود، چنین شرطی صحیح نیست.

٨- إذا اشترط المؤمن له استعادة كل ما دفع إذا طرأ العجز على المؤَمِن يصح الشرط.

۸- اگر بیمه‌گر شرط کند که در صورت بروز ناتوانی از پرداخت خسارت، کل مبلغ پرداخت‌شده را بازگرداند، شرط صحیح است.

\* \* \*

الموسيقى ورسم ذوات الأرواح وبعض الألعاب

موسیقی، نقاشی موجودات جاندار و برخی بازی‌ها

س١٠٠/ اختلف العلماء في جواز الاستماع إلى الألحان الكلاسيكية، فهل هي حلال أم حرام ؟

پرسش ۱۰۰:

عُلما در جواز گوش دادن به آهنگ‌های کلاسیک اختلاف دارند. آیا حلال است یا حرام؟

ج/ لا يجوز استماع الموسيقى.

پاسخ:

گوش دادن به موسیقی جایز نیست.

س١٠١/ ما هو حكم استعمال الموسيقى التصويرية في الأفلام ؟

پرسش ۱۰۱:

حکم استفاده از موسیقی‌های متن در فیلم‌ها چیست؟

ج/ بالنسبة للموسيقى إذا كانت موسيقى أغاني وما شابه فلا يجوز استعمالها، أما إذا كانت موسيقى تصويرية لغرض بيان أن الموقف موقف حزين أو مقلق أو مخيف ... الخ فهذه جائزة، يعني جائز استعمالها كموسيقى تصويرية في فلم.

پاسخ:

در مورد موسیقی، اگر آهنگ و آواز و چیزهایی شبیه به آن باشد، به‌کارگیری آن جایز نیست، ولی اگر موزیکِ متن باهدف بیان اینکه اینجا جایگاه حزن و اندوه یا نگرانی یا وحشت و یا... است، جایز می‌باشد؛ یعنی به‌کارگیری آن مِثل موزیک متن در فیلم جایز است.

س١٠٢/ نحن عاملون في إنتاج القصائد والأناشيد المتعلقة بالدعوة المباركة ونريد ضابطة للمؤثرات الصوتية المسموح استخدامها كأصوات الطبل والبوق والتصفيق أو بعض أصوات الاورك أو البيانو .. الآلات الموسيقية الوترية الناتجة عن البيانو وليس الآلة الوترية نفسها أو من خلال جهاز الكومبيوتر.

پرسش ۱۰۲:

ما در کار تولید سرودها و آهنگ‌های مربوط به دعوت مبارک فعالیت داریم و خواهان یک ضابطه و قانونی برای آلات صوتی که به‌کارگیری آن‌ها جایز است می‌باشیم؛ مثل طبل، بوق، اِفِکت‌های دست زدن و هلهله کردن و بعضی از آهنگ‌های اُرگ یا پیانو و... سازهای زهی که از پیانو مشتق می‌شوند ـ‌و خودِ سازهای زهی محسوب نمی‌شوند‌ـ یا آهنگ‌هایی ‌که به‌وسیلۀ رایانه تولید می‌شوند.

ج/ صوت التصفيق والطبل والبوق التي تستعمل للإعلام كالتي كانت في الحرب أو القريب منها جائز استعمالها.

پاسخ:

افکت‌های کف و سوت، طبل و بوقی که برای اعلام به کار گرفته می‌شود ـ‌مثل اعلام برای جنگ و چیزی شبیه به آن‌ـ جایز است.

والأصوات الصادرة من الأجهزة الالكترونية جائزة أيضاً إذا لم تشكل بصورة لهوية طربية وكمثال على الجائز منها أن تكون أصوات كقطرات مطر أو صفير ريح أو أصوات طبول حرب أو أصوات حزينة ... الخ.

آهنگ‌هایی که از دستگاه‌های الکترونیکی پخش می‌شود نیز جایز است اگر به‌صورت لهو و طرب نباشد؛ مثال‌هایی از موزیک‌های جایز ازاین‌دست مثل صدای قطرات باران، صفیر باد، صدای طبل‌های جنگی، صدای غمناک و... می‌باشد.

ولابد من تجنب أي صيغة ترديد أو إنشاد يستخدمها عادة أهل الفسق واللهو والطرب حتى وإن كانت خالية من الموسيقى أو المؤثرات الصوتية.

باید از هرگونه سرود یا آهنگی که به‌طورمعمول اهل فسق و لهو و طرب به کار می‌گیرند، پرهیز و دوری شود، حتی اگر خالی از موسیقی و یا آلات صوتی باشد.

س١٠٣/ ما هو حكم الموسيقى والأغاني ؟

پرسش ۱۰۳:

حکم موسیقی و غنا چیست؟

ج/ الموسيقى حرام والأغاني حرام، واستماعها حرام (والاستماع يكون بقصد وليس كالسماع الذي يكون بدون قصد)، والجائز فقط طبول الحرب والنفخ في البوق للإعلام.

پاسخ:

موسیقی حرام، غنا حرام و استماع آنها حرام است (استماع یعنی شنیدن با قصد و نیّت، و شنیدنی که بدون قصد و غرض باشد موردنظر نیست). فقط طبل حین جنگ و دمیدن در شیپور برای اعلام، مجاز است.

س١٠٤/ ما هو حكم رسم ذوات الأرواح ؟

پرسش ۱۰۴:

حکم نقاشی موجودات جاندار چیست؟

ج/ الرسم جائز حتى لذوات الأرواح، إلا إذا كان هناك في نفس الرسم محرّم آخر كإظهار عورة أو كون الرسم أو النحت لصنم يعبد من دون الله.

پاسخ:

نقاشی کردن جایز است حتی در مورد جانداران مگر آنکه در خود نقاشی، مورد حرامی باشد؛ مانند نمایاندن عورت، یا کشیدن و تراشیدن بتی که به‌جای خدا بندگی می‌شود.

س١٠٥/ ما حكم لعب الشطرنج أو الدومنة أو ما شابهها من ألعاب الورق ونحوها التي تلعب بالخارج مرة، وبأجهزة الحاسوب أو البلايستشن مرة أخرى ؟

پرسش ۱۰۵:

حکم بازی شطرنج، دومینو یا چیزهایی شبیه آن مثل ورق‌بازی و موارد دیگر -که هم می‌توان در دنیای واقعی بازی کرد و هم در کامپیوتر یا پلی‌استیشن-چیست؟

ج/ يجوز إذا لم يكن هناك رهان، ولكنها إن كانت ألعاب لتضييع الوقت فقط فهي مكروهة والأفضل تجنبها.

پاسخ:

اگر در آن شرط‌بندی مطرح نباشد جایز است؛ ولی اگر بازی‌هایی باشند که فقط وقت انسان را تلف می‌کنند مکروه است و بهتر است از آن‌ها دوری شود.

س١٠٦/ وما حكم الألعاب الرياضية ؟

پرسش ۱۰۶:

حکم بازی‌ها و مسابقات ورزشی چیست؟

ج/ جائزة، وبعضها مستحب كالسباحة والرماية.

پاسخ:

جایز است، و برخی از آن‌ها مستحب هستند؛ مثل شنا و تیراندازی.

\* \* \*

مسائل طبية وعمليات التجميل

مسائل مربوط به پزشکی و عمل زیبایی

س١٠٧/ هل يجوز إجراء عمليات تجميل، سواء في ذلك الرجال والنساء، كتجميل الأنف وما موجود من آثار في الوجه ؟

پرسش ۱۰۷:

آیا انجام عمل زیبایی ـ‌چه در مردان و چه در زنان‌ـ جایز است؟ مانند زیبایی بینی و آثاری که در چهره وجود دارد.

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س١٠٨/ وإن كان إجراء عمليات التجميل جائزاً؛ فهل يجوز في الأجزاء التي يكون النظر لها محللاً أم مطلقاً ؟

پرسش ۱۰۸:

اگر انجام عمل زیبایی جایز باشد، آیا در اجزایی که نگاه کردن به آن‌ها حلال است جایز می‌باشد؟ یا به‌طورکلی جایز است؟

ج/ إذا كانت عملية التجميل غير مضطر لها فلابد من إحراز أن تكون ضمن الحدود الشرعية للنظر واللمس، أما إن اضطر لها فيجوز مع الاضطرار وعدم وجود المماثل النظر واللمس.

پاسخ:

اگر در انجام عمل زیبایی اضطرار وجود نداشته نباشد، باید حدود شرعی در نگاه و لمس کردن برآورده شود؛ اگر نسبت به آن مجبور شود، با اضطرار و نبودن هم‌جنس، نگاه و لمس جایز است.

س١٠٩/ ما حكم ذهاب المرأة للطبيب الرجل إذا لم تكن هناك امرأة في نفس الاختصاص ؟

پرسش ۱۰۹:

حکم رفتن زن نزد پزشک مرد چیست؟ درصورتی‌که زنی با آن تخصص وجود نداشته باشد.

ج/ إذا كان يرافق العلاج أمر محرم مثل نظر الطبيب إلى ما لا يجوز النظر له من جسد المرأة أو مسه فلا يجوز إلا مع الاضطرار.

پاسخ:

اگر معالجه با عمل حرامی همراه باشد، مانند نگاه کردن پزشک به آن بخش از بدن زن که نگریستن به آن یا لمس کردنش برایش جایز نیست، مجاز نمی‌باشد مگر هنگام اضطرار.

س١١٠/ لفحص حيامن الرجل ولمعرفة ما فيه من قابلية الإنجاب ويتعذر عليه ذلك عن طريق زوجته، هل يجوز فحص المني بطريقة أخرى غير الزوجة ؟

پرسش ۱۱۰:

برای گرفتن نمونه از مَرد برای مشخص کردن قابلیت باروری در او، اگر او انجام این عمل از طریق همسرش را نپذیرد، آیا به روشی دیگر غیر از همسرش می‌توان این عمل را انجام داد؟

ج/ الاستمناء حرام إذا كان بواسطة جسم الإنسان نفسه، ويجوز بواسطة جسم الزوجة.

پاسخ:

استمنا با استفاده از جسم خود انسان حرام و اگر به‌واسطۀ جسم همسرش باشد، مجاز است.

س١١١/ هل يجوز استخراج المني بطريقة غير شرعية (العادة السرية) من أجل الفحص الطبي عند الاضطرار؟

پرسش ۱۱۱:

آیا خارج کردن منی به شیوۀ غیرشرعی (استمنا) باهدف انجام آزمایش پزشکی جایز است؟

ج/ إذا تم التأكد من عدم وجود سبب آخر يمنع الإنجاب، يجوز إخراج المني بطريقة غير شرعية للفحص إن انحصر إخراجه بذلك.

پاسخ:

اگر اطمینان حاصل شود که عامل دیگری بر جلوگیری از فرزندآوری وجود ندارد، خارج کردن منی به شیوۀ غیرشرعی جهت معاینه مجاز است. ولی به شرطی که خارج کردن آن فقط منحصر به همین کار باشد.

س١١٢/ أعمل في مستشفى، وفي ردهة الجراحية، وتأتينا نساءٌ مصابات بحروق في الجسم ولا يوجد كادر نسوي لمعالجة هكذا إصابات، وقد تحتاج المريضة دخول الحمام مع زوجها أو أمها أو محارمها، وذلك لإزالة الجلد المحترق، وهم لا يستطيعون عمل ذلك إلا بمساعدتنا، فما الحكم ؟

پرسش ۱۱۲:

من در بیمارستانی در بخش جراحی مشغول به کار هستم و زنانی با سوختگی‌های بدنی آورده می‌شوند و در کادر، نیروی زن برای معالجۀ این بیماری‌ها وجود ندارد. برای کندن پوست سوخته شده لازم است که بیمار به همراه شوهر، مادر یا یکی از محرم‌هایش حمام برده شود و متأسفانه آنها بدون کمک ما نمی‌توانند این کار را انجام دهند. حکم این عمل را بیان فرمایید؟

ج/ يجب على المسلمين توفير الكادر النسوي الطبي لمعالجة النساء، بل يجب توفير المكان المناسب لمعالجة النساء بعز وكرامة، ويتفرع عن هذا أمور كثيرة، منها:

پاسخ:

بر مسلمین واجب است که برای معالجۀ زنان کادر طبی زن فراهم کنند، و حتی واجب است برای معالجۀ زنان مکان خاصی نیز فراهم گردد تا معالجه با عزت و کرامت انجام شود و در این خصوص، امور فرعی بسیار زیادی نیز وجود دارد:

يجب أن يتصدى عدد كافٍ من النساء لسد النقص في كل الاختصاصات الطبية.

- باید برای رفع تمامی نیازهای پزشکی تعداد کافی پرسنل زن به کار گرفته شوند.

يجب فرز أماكن معالجة النساء فرزاً حقيقياً؛ إما بإنشاء مستشفيات نسوية أو بتقسيم المستشفيات.

- لازم است مراکز معالجۀ زنان به‌طور کامل جدا باشند، چه با ساختن بیمارستان ویژۀ زنان یا بخش‌بندی بیمارستان.

بالنسبة لحالة الأخ أبي نبأ يجوز معالجة حروق النساء مع الاضطرار من قبل المختصين من الرجال، ويتحمل الإثم والخطيئة حكومة الطاغوت وكل مقصر من المسلمين والمسلمات في السعي لتوفير الطريقة الصحيحة لمعالجة النساء.

اما در خصوص وضعیتی که برادر ابو نبأ در آن قرار دارد، در صورت وجود اضطرار معالجۀ سوختگی زنان توسط مردان بلامانع است و گناه و خطای آن بر عهدۀ حکومت طاغوت و همچنین تمام مسلمین تقصیرکار که ایجاد بستر مناسب برای معالجۀ زنان اقدام نکرده‌اند، می‌باشد.

\* \* \*

التبرع بالأعضاء وتشريح جثث الموتى

اهدای عضو، و تشریح جسد مردگان

س١١٣/ هل يجوز التبرع بأعضاء الميت بعد وفاته ؟

پرسش ۱۱۳:

آیا جایز است انسان به اهدای اعضای بدنش پس از مرگش وصیت نماید؟

ج/ يجوز أن يوصي الإنسان بالتبرع بأحد أعضائه أو حتى بأكثر من عضو من أعضائه بعد موته ويؤجر على هذا الأمر إن شاء الله إن كان تبرعه لمؤمن أو لجهة توصله للمؤمنين، والله ولي التوفيق.

پاسخ:

جایز است انسان به اهدای یک یا چند عضو از بدنش پس از مرگ وصیت نماید و اگر اهدای او به مؤمن باشد یا در جهتی باشد که به مؤمنان می‌رسد، ان‌شاءالله در این خصوص پاداش می‌گیرد. خداوند توفیق دهنده است.

س١١٤/ هل يجوز التبرع بعضو من أعضاء الميت من قبل وليه لحي ينتفع به، أو بيعه له ؟

پرسش ۱۱۴:

آیا ولیّ میت می‌تواند عضوی از اعضای بدن مرده را به شخص زنده‌ای اهدا کند تا از آن سودی ببرد، و یا آن را بفروشد؟

ج/ البيع غير جائز، ويجوز التبرع إن كان الولي المؤمن هو أب أو أم أو ابن أو بنت.

پاسخ:

فروش اعضای بدن مجاز نیست، ولی اهدا کردن، جایز است اگر آن ولیّ مؤمن پدر، مادر، پسر یا دختر باشد.

س١١٥/ وهل يجوز التبرع بعضو من حي لحي أو بيعه له ؟

پرسش ۱۱۵:

آیا اهدای عضوی از بدن انسان زنده به انسان زندۀ دیگر یا فروش آن جایز است؟

ج/ البيع غير جائز، والتبرع جائز.

پاسخ:

فروختن جایز نیست، ولی اهدا جایز است.

س١١٦/ ما هو حكم تشريح جثة الميت الذي يجري في الكثير من المستشفيات في الدول اليوم ؟

پرسش ۱۱۶:

حکم تشریح جسد میّت چیست؟ به صورتی که امروزه در بسیاری از بیمارستان‌های دولت‌ها انجام می‌شود.

ج/ لا يجوز تشريح جثة الميت المؤمن إلا إن كان هناك شك في جريمة أو مرض يهدد عامة المؤمنين.

پاسخ:

تشریح جسد میت مؤمن جایز نیست مگر درصورتی‌که شک و تردید در وقوع جرم یا مرضی وجود داشته باشد که عموم مؤمنان را تهدید می‌کند.

س١١٧/ ماذا إذا كان التشريح لغرض كالدراسة أو تشخيص سبب الموت وما شابه ؟

پرسش ۱۱۷:

حکم تشریح جسد میت با هدف یادگیری یا تشخیص علت مرگ یا چیزهای شبیه به آن باشد چیست؟

ج/ تشريح جثة المؤمن لغرض الدراسة فقط دون إذن مسبق منه لا يجوز.

پاسخ:

تشریح جسد مؤمن برای یادگیری بدون اجازه‌ی پیشین از او جایز نیست.

\* \* \*

ما يتعلق بمنع الحمل والتلقيح والاستنساخ

جلوگیری از بارداری، تلقیح و شبیه‌سازی

س١١٨/ ما حكم العقد، أي إزالة وقطع المبايض بنية عدم الإنجاب إلى الأبد لإجهاد المرأة وعدم تحملها كما تزعم.

پرسش ۱۱۸:

حکم بستن لوله‌ها چیست؟ یعنی قطع کردن لولۀ تخمدان باهدف جلوگیری از باردارشدن برای همیشه، به جهت رنج و سختی که به زنی وارد می‌شود و عدم تحمل او برای باردارشدن؟

ج/ جائز، ولكن بالنسبة للمرأة المتزوجة لابد من رضا وموافقة الزوج.

پاسخ:

جایز است. ولی برای زن شوهردار باید با رضایت و موافقت همسرش باشد.

س١١٩/ لمنع الحمل هناك مختلف العمليات، منها الربط بالعملية الجراحية، ومنها بحبوب المانع واللولب، ما حكم العمليات أو الأدوية إن أدت إلى منع الحمل كلياً أو لمدة معينة ؟ وما حكم المضطر بسبب عضوي صحي، أو تخوف من العيلة وهموم التربية والفاقة ؟

پرسش ۱۱۹:

روش‌های مختلفی برای جلوگیری از بارداری وجود دارد مانند بستن لوله‌ها با عمل جراحی، خوردن قرص و استفاده از دستگاه آی‌یودی، حکم این روش‌ها یا استفاده از این ابزارها برای جلوگیری کامل یا موقت از بارداری چیست؟ همچنین حکم سقط‌جنین به علت عدم توانایی معیشت و مشکلات تربیتی و تنگدستی چیست؟

ج/ يجوز استعمال الطرق التي تمنع الحمل والمذكورة في السؤال (الربط، الأدوية، اللولب)، ولا يجوز إسقاط الجنين بعد التلقيح.

پاسخ:

استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری که در پرسش ذکرشده است (بستن لوله‌ها، قرص و دستگاه) جایز است. ولی سقط‌جنین بعد از تلقیح، جایز نیست.

س١٢٠/ هل يجوز استخدام اللولب المانع من الحمل، وهل يجوز لواضعه أن يكون رجلاً ؟

پرسش ۱۲۰:

آیا استفاده از دستگاه «آی‌یودی» برای جلوگیری از بارداری جایز است؟ و آیا جایز است مرد این دستگاه را قرار دهد؟

ج/ يجوز استخدامه بموافقة الزوج، ولا يجوز أن يضعه رجل.

پاسخ:

استفاده از آن با موافقت شوهر جایز است، و جایز نیست مرد آن را داخل رحم قرار دهد.

س١٢١/ لو انحصر الأمر لمنع الحمل بما يسمّى بـ (اللولب) والذي تضعه دكتورة، فهل يجوز للمرأة أن تفعل ذلك علماً أن العملية تستلزم النظر من قبل الدكتورة المتكفلة بالقيام بالعملية ؟

پرسش ۱۲۱:

آیا استفاده از دستگاه ضدبارداری «آی‌یودی» که ‌توسط پزشک زنان کار گذاشته می‌شود، جایز است؟ با توجه به اینکه انجام این عمل نیازمند مشاهدۀ اندام تناسلی توسط دکتر می‌باشد.

ج/ يجوز.

پاسخ:

مجاز است.

س١٢٢/ هل يجوز إسقاط الجنين الذي لم يکتمل أربعة أشهر حيث لم تلجه الروح، وذلك للظروف المعيشية والصحية، وإن الحمل هذا قد غلب علی أهله حيث يستعملون له المانع ؟

پرسش ۱۲۲:

آیا سقط کردن جنینی که به چهارماهگی نرسیده باشد جایز است؟ چراکه هنوز روح در او دمیده نشده است. با توجه به اینکه این عمل به دلیل تنگی معیشت انجام می‌شود و این بارداری باوجود جلوگیری از بارداری برخلاف میل خانواده صورت گرفته است.

ج/ لا يجوز إلا إذا کان في بقائه خطر متيقن علی حياة الأم.

پاسخ:

سقط کردنش جایز نیست مگر اینکه بقای او برای زنده ماندن مادر خطری داشته باشد.

س١٢٣/ حامل بشهرها السادس، وبفحصها بالسونار تبيّن أن الحمل يحتمل أن يخرج مشوه الخلقة أو ناقصاً عقلياً بسبب استعمال الحبوب والعقاقير، فهل يجوز إسقاطه بحجة عدم اكتمال خلقته ؟

پرسش ۱۲۳:

زنی شش‌ماهه حامله است و با معاینات سونوگرافی مشخص گردیده است که به علت مصرف قرص و دارو، احتمال می‌رود که کودک ناقص‌الخلقه یا ناقص‌العقل به دنیا بیاید. آیا به دلیل ناقص‌الخلقه بودن کودک، سقط‌جنین جایز است؟

ج/ لا يجوز إلا إذا كان في بقائه خطر متيقن على حياة الأم.

پاسخ:

جایز نیست مگر اینکه باقی ماندن آن خطری برای زندگی مادر محسوب شود.

س١٢٤/ ما حكم أطفال الأنابيب لمن لا تكون له ذرية بالأمر الطبيعي بسب أمراض عند الأبوين أو أحدهما إلا بهذا الطريق ؟

پرسش ۱۲۴:

حکم فرزندانی که از طریق لوله‌آزمایش (آی‌وی‌اف) به دنیا می‌آیند چیست؛ برای پدر و مادر یا یکی از آن دو که به دلیل عارضۀ بیماری راهی جز این روش ندارند؟

ج/ يجوز أخذ بويضة من الزوجة وتلقيحها من الزوج وزرعها في رحم الزوجة صاحبة البويضة.

پرسش:

گرفتن تخمک از همسر و تلقیح آن با نطفۀ شوهر و کاشت آن در رحم همان زنِ صاحب تخمک جایز است.

س١٢٥/ هل يجوز زرع بويضة امرأة ملقحة من حيمن زوجها في رحم آخر أو رحم صناعي، والرحم الآخر من محارم الزوج، أو من غير محارمه ؟ وذلك بسبب عجز رحم الزوجة أو بعدمه ؟

پرسش ۱۲۵:

آیا برداشتن تخم از زنی که باهمسرش لقاح یافته و کاشتن آن در رحم زن دیگر یا در رحم مصنوعی و یا زن دیگری از محارم همسر یا غیر از محارم او، مجاز است؟ به جهت ناتوانی رحم همسر مرد یا به دلیل نداشتن رحم.

ج/ يجوز زرع بويضة امرأة ملقحة من حيمن زوجها في رحمها هي، ولا يجوز زرع البويضة في رحم امرأة أخرى حتى وإن كانت المرأة الأخرى زوجة ثانية للرجل.

پاسخ:

برداشتن نطفه از زن و تلقیح آن باهمسرش و کاشت مجدد در رحم همان زن جایز است؛ اما کاشتن آن در رحم زن دیگر حتی اگر آن زن، همسر دوم همان مرد باشد، جایز نیست.

س١٢٦/ أحد الأشخاص المؤمنين بالدعوة قام بالتبرع بالحيوانات المنوية لأخيه العقيم ولقح ببيضة زوجة أخيه وخلقت أنثى، كان هذا العمل من باب العاطفة لكي لا ينفصلوا عن بعض، ولكنه غير مرتاح من ناحية الحلية والحرمة، وهذا الشيء منذ ٣ سنوات، والآن أخوه تعالج وحملت زوجته من حيامن زوجها فهو لا يعرف الحكم الشرعي، والمتبرع عنده أولاد من بينهم ذكر واحد، وكيف يتعامل مع الطفلة، وما حكم هذا الطفل ؟

پرسش ۱۲۶:

یکی از مؤمنان به دعوت، اقدام به اهدای اسپرم خود به برادر عقیمش نمود و با آن اسپرم، تخمک همسر برادرش را تلقیح نمودند و همسرش باردار شد و دختری به دنیا آمد. او این کار را از سر لطف و محبت نسبت به برادرش انجام داد تا بینشان جدایی و طلاق واقع نشود، ولی خیالش ازنظر حلال یا حرام بودن این کار راحت نبود. این اقدام به سه سال پیش برمی‌گردد. در حال حاضر برادرش معالجه شده و همسرش از نطفه‌ی او باردار شده است. او حکم شرعی را نمی‌داند و اهداکنندۀ اسپرم فرزندانی دارد که یکی از آنها پسر است. تکلیف او با این فرزندی که از طریق تلقیح مصنوعی به دنیا آمده است چیست؟

ج/ الحكم الشرعي: إن هذا عمل غير جائز، وهو أن تحمل المرأة بماء رجل غير زوجها.

پاسخ:

**حکم شرعی**: اینکه زن از آب مرد دیگری غیر از شوهرش باردار شود، جایز نیست.

أما حكم الطفلة التي تولدت نتيجة ما عملتم عن جهل وعدم معرفة بالحكم فهو حكم الشبهة، فهي تنسب إلى صاحب الماء، فهو والدها وأبناؤه إخوتها وأمها هي من حملت بها، وأبناء من حملت بها يكونون إخوتها أيضاً.

اما نطفه‌ای که براثر کاری که شما از روی جهل و عدم آشنایی با حکم صورت داده‌‌اید متولدشده است، حکم شُبهه را دارد و او به صاحب آب منسوب می‌گردد؛ پس صاحب آب، پدرش است و پسران او برادران او می‌باشند و مادرش هم کسی است که او را باردار شده و پسران آن زنی که او را باردار شده است نیز برادرانش به شمار می‌آیند.

س١٢٧/ ما معنى حكم الشبهة، هل هو ابن حرام أم لا، وكيف نرفع هذه الشبهة ونعلم بحقيقة الأمر؟ وهل أُعلم الطفلة عندما تكبر وكذلك أطفالي بالحقيقة وأعمام الأطفال، أم لا ؟ وما هو الواجب عليَّ اتجاه الطفلة ؟

پرسش ۱۲۷:

**۱-** معنای حکم شبهه چیست؟ آیا او حرام‌زاده است یا خیر؟ و ما چطور این شبهه را برطرف کنیم و حقیقت را بدانیم؟

**۲-** آیا وقتی نوزاد بزرگ شد موضوع را به او بگویم، همچنین به کودکان خودم و عموهای بچه‌ها؟ یا خیر؟

**۳-** تکلیف و وظیفۀ من در قبال این کودک چیست؟

ج/ ابن الشبهة ينسب إلى والديه وهو ليس ابن حرام وفقكم الله، ففي الحالة المذكورة يكون صاحب الماء هو والد الطفلة وصاحبة البويضة هي الأم وترثهما ويرثانها.

پاسخ:

فرزند شبهه‌ناک به والدینش منتسب می‌شود و حرام‌زاده نیست؛ خداوند توفیقت دهد. در حالت فوق‌الذکر، صاحب آب، پدر نوزاد است و صاحب تخمک، مادر او و کودک از این دو ارث می‌برد و آنها نیز از او میراث می‌برند.

أما إعلام البنت عندما تتمكن من وعي الأمور فهذا أمر لابد منه وفقكم الله، وهناك أيضاً أمر مهم، وهو أن أبناء أمها صاحبة البويضة هم أخوتها من الأم، وأبناء أبيها صاحب الماء هم أخوتها من الأب. أما واجبك تجاهها فهو واجب الأب تجاه ابنته.

اما باخبر ساختن آن فرزند دختر، هنگامی امکان‌پذیر است که وی بتواند این امور را درک کند، چراکه از این کار گریزی نیست؛ خداوند توفیقت دهد. موضوع مهم دیگری نیز مطرح می‌باشد؛ اینکه پسران مادرش که صاحب تخمک است، برادران او از طرف مادرش هستند و پسران پدرش که صاحب آب است نیز برادران او از ناحیۀ پدرش می‌باشند. وظیفۀ شما در قبال او، همان وظیفه‌ی پدر در قبال دخترش است.

س١٢٨/ ما حكم الاستنساخ البشري لرحم أو غير رحم ؟

پرسش ۱۲۸:

حکم شبیه‌سازی انسان در رحم و غیر رحم چیست؟

ج/ يجوز أخذ خلية من الزوج وزرعها في رحم زوجته. ويجوز أن تكون البويضة من الزوجة أو من أي امرأة أخرى في حال كون نواتها تستبدل بنواة الخلية المأخوذة من الزوج.

پاسخ:

برداشتن نطفه‌ای از یک مرد و کاشتن آن در رحم همسرش جایز است. همچنین جایز است که سلول تخم از همسر و یا زن دیگری برداشته شود مشروط بر اینکه هستۀ آن با هستۀ نطفۀ گرفته‌شده از همسر آن زن، جایگزین شود.

\* \* \*

زينة المرأة وبعض ما يخصها

آرایش زن و بعضی از احکام مخصوص به زن‌ها

س١٢٩/ هل يجوز الذهاب لحفلة زواج في مجلس نسائي فقط، لكن فيه رقص وغناء ؟

پرسش ۱۲۹:

آیا رفتن به مجلس عروسی که فقط زنان در آن هستند ـ‌ولی رقص و غنا در آن است‌ـ جایز است؟

ج/ يجوز إذا كنَّ فقط نساء ولا يسمع الرجال، وأيضاً إذا لم يكن هناك محرم كالضرب والنفخ بآلات الموسيقى.

پاسخ:

اگر فقط در آن مجلس زنان باشند و صدایشان را مردان نشنوند، و همچنین اگر در آن مجلس ارتکاب حرامی مثل نواختن و دمیدن در آلات موسیقی نباشد، جایز می‌باشد.

س١٣٠/ ما حكم الوشم على جزء في الجسم ؟ وأيضاً حكم التتوه في الحاجب يعني الوشم تقريباً في الحاجب الذي يفعل الآن ؟ والوشم في الجسم أو الحاجب: عبارة عن تنغيز بالإبرة بشكل معين حتى يخرج الدم الكثير ويكون مثل الجرح ثم يبقى في الجسم لا يطلع ويعمل على شكل طيور أو أشخاص أو ورد.

پرسش ۱۳۰:

حکم خال‌کوبی بر قسمتی از بدن چیست؟ و همچنین حکم «تَتوی ابرو» ـ‌یعنی تقریبا همان خال‌کوبی در ابرو که امروزه متداول است‌ـ چیست؟ و خال‌کوبی در بدن و ابرو به این صورت می‌باشد: سوراخ کردن به‌وسیلۀ سوزن تا اینکه خون زیاد خارج می‌شود ـ‌مثل یک جراحت می‌باشد‌ـ سپس اثر آن در بدن باقی می‌ماند و روی آن تصویر پرندگان یا اشخاص یا گُل کشیده می‌شود.

ج/ يجوز الوشم في منطقة الحاجب لسببٍ ما، مثل انعدام الشعر أو قلته. أما وشم صور حيوانات وغيرها على الجسم فغير جائز.

پاسخ:

خال‌کوبی ابرو (تتو) ‌ـبه خاطر دلیلی انجام شود‌ـ جایز است، مثل از بین بردن مو یا کاستن آن؛ اما کشیدن تصویر حیوانات و چیزهای دیگر بر بدن جایز نیست.

س١٣١/ هل الكحل جائز للمرأة أمام الأجانب ؟

پرسش ۱۳۱:

آیا سرمه کشیدن جلوی افراد غریبه برای زن جایز است؟

ج/ أن تضعه ليراه الأجانب لا يجوز، ولكن إن وضعته في البيت لزوجها فلا يجب عليها أن تزيله لتخرج أو لتلتقي غير المحارم.

پاسخ:

اگر برای دیدن غریبه‌ها سرمه بگذارد جایز نیست، ولی اگر در خانه برای همسرش گذاشته باشد، واجب نیست برای خارج شدن از خانه یا دیدن غیر محارم آن را بزداید.

س١٣٢/ غير المتزوجة هل يحرم عليها التكحل في البيت فضلاً عن خارجه ؟

پرسش ۱۳۲:

آیا کشیدن سرمه برای زنی که همسر ندارد ـ‌حتی در خانه‌ـ مجاز نیست، چه برسد به بیرون؟

ج/ يجوز لغير المتزوجة أن تضع الكحل في البيت.

پاسخ:

زن مجرد مجاز است در خانه سرمه بکشد.

س١٣٣/ ما الحكم الشرعي لارتداء البنطلون مع حجاب الرأس، وكذلك الحكم الشرعي للعباءة الإسلامية ؟

پرسش ۱۳۳:

حکم شرعی پوشیدن شلوار همراه با حفظ حجاب موی سر، و همین‌طور حکم شرعی چادر چیست؟

ج/ لا يجب على المرأة ستر الوجه أو الكفين أو القدمين، ويجب عليها ستر ما عدا ذلك ستراً حقيقياً، أي أن لا تكون الملابس خفيفة أو ضيقة تصف ما تحتها، والبنطلون مثلاً إذا كانت المرأة ترتدي فوقه جبّة أو سترة تمتد إلى الركبتين، وما ظهر منه لم يكن ضيقاً يصف ما تحته فلا إشكال فيه، بل ربما يكون في بعض الأحيان أكثر ستراً للمرأة. أمّا إذا كان البنطلون ترتديه المرأة ولا شيء فوقه وهي ترتدي حجاب الرأس، فهذا غير صحيح ولا يعتبر حجاباً شرعياً، بل إنّ التهتك بارتداء البنطلون بهذه الطريقة أعظم من كشف الشعر والرأس.

پاسخ:

پوشانیدن صورت، دو کف دست‌وپنجه‌های پا بر زن واجب نیست و بقیۀ اعضا باید به‌طور کامل پوشانیده شود؛ جنس پوشش نباید نازک و به‌قدری تنگ باشد که زیرش را نمایان سازد؛ اما در خصوص شلوار، درصورتی‌که از روی آن مانتو یا کتی بپوشد که تا زانو را بپوشاند اشکالی ندارد، آن‌هم درصورتی‌که تنگ نباشد تا هر آنچه زیرش است را نمایان سازد؛ اما اگر زنی شلوار بپوشد و مانتو یا کتی روی آن نباشد و حجاب سرش را حفظ کند، اشکال دارد و حجاب شرعی محسوب نمی‌شود؛ حتی هتک حرمت پوشیدن شلوار به این صورت، از نمایان ساختن مو و کشف حجاب سر بیشتر است.

س١٣٤/ هل التحنك واجب على النساء، وما هو مقدار المسافة للتحنك ؟

پرسش ۱۳۴:

آیا تحنّک (پوشانیدن زیر چانه) برزنان واجب است؟ محدودۀ تحنّک چه مقدار است؟

ج/ يجوز للمرأة أن تكشف الوجه، والمنطقة الواقعة أسفل الحنك ليست من الوجه، فيجب سترها.

پاسخ:

زن می‌تواند چهره‌اش را آشکار کند. قسمتی که زیر حَنَک قرار می‌گیرد جزو صورت نیست و پوشاندن آن واجب می‌باشد.

س١٣٥/ هل يجوز للمرأة أن تلبس بعض الملابس التي تظهر مفاتنها أمام أخوها البالغ أو أبوها أو ابنها البالغ مع ستر العورة الواجبة طبعاً، كلبس قميص النوم أو ما شابه، وإذا کان حراماً فما هي حدود المفاتن عند المرأة إذا کان الناظر هو أحد المذکورين.

پرسش ۱۳۵:

آیا زن می‌تواند در حضور برادر بالغ یا پدرش یا پسر بالغ خود لباسی بپوشد که قسمتی از زیبایی‌ها و جاذبه‌هایش را نمایان می‌کند مثل پوشیدن لباس‌خواب یا چیزی شبیه به آن ـ‌البته همراه با پوشانیدن عورت که طبیعتاً واجب است‌ـ، و اگر حرام است حدود و مقدار زیبایی و جاذبه‌هایی که در حضور اشخاص نام‌برده شد می‌تواند نمایان باشد چقدر است؟

ج/ قال تعالى: *﴿***وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ ... وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ***﴾* النور:31.

پاسخ:

حق‌تعالی می‌فرماید: ﴿(**و به زنان مؤمن بگو که چشمان خويش را ببندند و شرمگاه خود را نگه‌دارند و زينت‌های خود را جز آن مقدار که هویدا است آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گريبان فروگذارند و زينت‌های خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهران خود يا پدران خود يا پدرشوهرهای خود يا پسران خود يا پسران شوهر خود يا برادران خود يا پسران برادر خود، يا پسران خواهر خود يا زنان ‌هم‌کيش خود، يا بندگان خود، يا مردان خدمتگزار خود که رغبت به زن ندارند، يا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نيز چنان پای بر زمين نزنند تا آن زينتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنيد، باشد که رستگار گرديد**)﴾([[7]](#footnote-7)).

ما يجوز أن تظهره المرأة أمام الأجانب هو الوجه والكفين والقدمين، وما يجوز أن تظهره المرأة أمام المحارم ([[8]](#footnote-8)) هي القلادة وما فوقها، وما تحتاج لكشفه في الوضوء من اليدين، ومنتصف الساق وما دونه؛ وللزوج جسدها كله ([[9]](#footnote-9)).

آنچه زن می‌تواند در برابر نامحرمان آشکار کند عبارت است از صورت، کف دست‌ها و کف پاها و آنچه زن می‌تواند در برابر محارم([[10]](#footnote-10)) آشکار سازد عبارت است از گردن و بالاتر از آن، آن مقدار از دست‌ها که باید برای وضو گرفتن آشکار نماید، و وسط ساق و پایین‌تر از آن، و برای شوهرش تمام بدنش را.([[11]](#footnote-11))

س١٣٦/ ما هو المقصود (بالزينة) في الآية الشريفة، وماذا تشمل عند المرأة ؟ وما هو حدود عمر *﴿*.. **الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ***﴾* ؟ وما هو المقصود من قوله تعالى: *﴿*.. **وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ***﴾* ؟

پرسش ۱۳۶:

منظور از «**زینت**» در آیۀ شریف چیست؟ و چه چیزهایی از زن را شامل می‌شود؟

حدود عُمْر در ﴿... (**کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند**)﴾ چقدر است؟

و منظور از این آیه چیست: ﴿(**و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود**)﴾ ؟

ج/ الزينة بالنسبة للمرأة كل ما وجب عليها ستره عن الناظر الأجنبي وتشمل جسدها كله عدا الوجه والكفين والقدمين.

پاسخ:

در مورد زن، زینت به هر چیزی که پوشاندن آن از نگاه نامحرم واجب است اطلاق می‌شود و تمام بدن زن به‌جز صورت، کف دست‌ها و کف پاها را شامل می‌گردد.

والطفل الذي تتحفظ منه المرأة هو المميز ويكون بعد إتمام السبع عادة، وربما كان في الثامنة أو التاسعة أو العاشرة أو بعدها بحسب حال الصبي وسعة إدراكه.

کودکی که زن باید خود را از او حفظ کند، کودک ممیّز است و معمولاً کودک با تمام شدن هفت سال به سن تمییز می‌رسد و یا چه‌بسا بر اساس وضعیت کودک و مقدار درک و فهم او در سن هشت، نه یا ده‌سالگی یا پس‌ازآن به این سن برسد.

والمقصود بقوله تعالى: *﴿***وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ***﴾* هو إصدار صوت من الخلخال.

منظور این سخن خدای متعال که فرموده است ﴿(**و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود**)﴾ بلند کردن صدا از خلخال می‌باشد.

س١٣٧/ ماذا يجب على المرأة أن تستره عن أختها المرأة ؟

پرسش ۱۳۷:

زن چه چیزهایی را باید از خواهرش بپوشاند؟

ج/ بالنسبة للواجب ستره من المرأة عن أختها هو في قوله تعالى: *﴿***وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ***﴾* أي عن النظر، فلا يجوز أن تنظر المرأة إلى عورة أختها، وكذا تحفظ وتستر عورتها عن أن تنظر إليها امرأة أخرى، هذا هو الواجب.

پاسخ:

در خصوص آن مقداری که پوشاندنش بر زن از خواهرش واجب است در آیه‌ی ﴿(**و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگه‌دارند**)﴾ منظور نگاه کردن می‌باشد؛ بنابراین جایز نیست که زن به عورت خواهر خود بنگرد و نیز زن باید عورت خود را از اینکه زن دیگری به آن نگاه کند حفظ کند و بپوشاند. این، همان مقدار واجب می‌باشد.

س١٣٨/ هل يترك للمرأة اختيار لون الحجاب الذي تضعه على رأسها أو باقي ملابسها، أو نوعية قماشه (فمرة يكون البنطلون من قماش عادي مثلاً وأخرى من كتان أو المسمى بالكابوي)، فيما إذا توفرت فيه الحدود الشرعية، أم عليها أن تترك ألوان أو أقمشة بعينها ؟

پرسش ۱۳۸:

آیا زن می­تواند رنگ حجابی که بر سر می­نهد یا دیگر لباس­ها و نوع پارچه‌اش را آن‌طور که خودش می‌خواهد انتخاب کند؟ (مثلاً گاهی شلوار از پارچۀ عادی است و گاهی از کتان یا پارچه‌ای که کابوی معروف است) ـ‌ضمنِ حدودی که مسائل شرعی رعایت شود‌ـ یا بر زن واجب است رنگ­بندی و جنس­ها (ی متفرقه) را رها کند؟

ج/ يجوز أي لون وأي قماش إن توفرت في الملابس الحدود الشرعية التي بينتها سابقاً.

پاسخ:

اگر حدود شرعی که پیشتر بیان کردم حفظ شود، هر رنگ و پارچه‌ای جایز است.

**س١٣٩/ ما حكم لبس الجوارب الشفافة للمرأة ؟**

پرسش ۱۳۹:

حکم جوراب شیشه‌ای برای زن چیست؟

**ج/ يجوز أن يظهر وجه وكفا وقدما المرأة، ويجب عليها ستر ما عداها ستراً حقيقياً، فلبس الجوارب ليس واجباً على المرأة.**

پاسخ:

ظاهر کردن دو کف دست‌وپنجۀ پا و صورت زن جایز است و اشکال ندارد و بر او واجب است که سایر اعضا را به‌طور کامل بپوشاند. پوشیدن جوراب برای زن واجب نیست.

**س١٤٠/ وهل يجوز لبس الذهب والخروج به ؟**

پرسش ۱۴۰:

آیا پوشیدن زیورآلات و خارج شدن از منزل با آن مجاز است؟

**ج/ يجوز لبس الذهب للمرأة وهو مستحب ولكن يحرم إظهاره أمام الرجال إلا الزوج والمحارم، إلا خاتم الزواج الذي هو عرفاً لا يعد للزينة فيجوز لبسه وإظهاره أمام الرجال.**

پاسخ:

استفاده از زیورآلات برای زن جایز و حتی مستحب است؛ اما آشکار نمودنشان برای مردان دیگر حرام است مگر برای شوهر یا افراد محرم؛ به‌غیراز حلقه‌ی ازدواج که ازنظر عُرفی جواهرآلات محسوب نمی‌شود؛ بنابراین می‌تواند آن را به دست کند و در برابر سایر مردان آشکار نماید.

س١٤١/ ما هو حكم النظر للنساء التي تظهر في شاشة التلفاز اللواتي لم يحافظن على الحجاب الشرعي ؟

پرسش ۱۴۱:

حکم نگاه کردن به زنانی که در تلویزیون حاضر می­شوند و حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند چیست؟

ج/ جائز إذا لم يكن يثير شهوة.

پاسخ:

تا وقتی‌که باعث برانگیخته شدن شهوت نشود جایز است.

س١٤٢/ ما هو حكم تواجد الرجال والنساء في مكان واحد من حيث النظر ؟

پرسش ۱۴۲:

حکم حضور داشتن مردان و زنان در یک مکان ازنظر نگاه کردن چیست؟

ج/ شرائع الإسلام ج٣: (أما النظر الاتفاقي غير المقصود نتيجة تواجد رجال ونساء في مكان ما فلا إشكال فيه. ولا ينظر الرجل بقصد إلى الأجنبية أصلاً إلا لضرورة، ويجوز أن ينظر إلى وجهها وكفيها على كراهية فيه مرة، ولا يجوز معاودة النظر. وكذا الحكم في المرأة. ويجوز عند الضرورة، كما إذا أراد الشهادة عليها، ويقتصر الناظر منها على ما يضطر إلى الإطلاع عليه، كالطبيب إذا احتاجت المرأة إليه للعلاج. أما النظر الاتفاقي غير المقصود نتيجة تواجد رجال ونساء في مكان ما فلا إشكال فيه).

پاسخ:

کتاب شرایع الاسلام (احکام نورانی اسلام) ـ جلد 3:

اما نگاه اتفاقی بدون اراده و قصد و غرض ـ‌که نتیجۀ برخورد مردان و زنان در یک مکانِ نوعی است‌ـ اشکالی ندارد.

مرد نباید به‌هیچ‌وجه و با هیچ قصدی به بدن زن نامحرم نگاه کند، مگر در حالت ضرورت، و نگاه کردن به‌صورت و دست‌وپاها تا مچ در مرتبۀ اول جایز ولی مکروه و دوباره نگاه کردن حرام است. حکم نگاه کردن زن به مرد نامحرم نیز به همین صورت است.

نگاه کردن باوجود ضرورت جایز است، مانند هنگامی‌که می‌خواهد بر آن زن شهادت دهد ـ‌که در این صورت نگاه کردن به او را فقط برای هر آنچه می‌خواهد از آن اطلاع حاصل کند کوتاه می‌کند‌، مانند پزشکی که زنی نیاز دارد تا او مداوایش نماید‌ـ؛ اما نگاه اتفاقی بدون اراده و قصد و غرض ـ‌که نتیجۀ برخورد مردان و زنان در یک مکانِ نوعی است‌ـ اشکالی ندارد.

ومسألة الاتفاقي هذه تعني النظر غير المقصود، "أما النظر الاتفاقي غير المقصود نتيجة تواجد رجال ونساء في مكان ما فلا إشكال فيه"، هؤلاء الرجال والنساء لا فرق إن تواجدوا للعمل في مصنع أو مكتب أو تواجدوا في بيت أو تواجدوا في الشارع، سواء كانوا غرباء تماماً أو كانوا يتصلون برحم كما هو حال الأخ مع زوجة أخيه.

و مسئلۀ نگاه کردن اتفاقی در اینجا به معنی نگاه بدون هیچ قصد و غرضی است: «اما نگاه اتفاقی بدون اراده و قصد و غرض ـ‌که نتیجۀ برخورد مردان و زنان در یک مکانِ نوعی است‌ـ اشکالی ندارد»؛ فرقی نمی‌کند که این زنان و مردان در یک کارخانه کار کنند یا در یک دانشگاه یا در یک‌خانه یا خیابان باهم روبرو شوند و تفاوتی نمی‌کند که به‌طور کامل با یکدیگر بیگانه باشند یا به نحوی رابطۀ خویشاوندی بینشان برقرار باشد مثل روبرو شدن مردی با زن ‌برادرش.

س١٤٣/ امرأة متزوجة عمرها ٣٥ سنة، هل يجوز أن تذهب إلى زيارة الإمام الرضا  وبموافقة زوجها بدون محرم ؟ جزاكم الله خير الجزاء.

پرسش ۱۴۳:

آیا جایز است زنی كه ازدواج‌کرده است و ۳۵ سال سن دارد با موافقت همسرش و بدون به همراه داشتن محرم به زیارت امام رضا  برود؟

ج/ يجوز ذهاب المرأة إلى زيارة الإمام الرضا بدون محرم، إذا كان بموافقة زوجها كما هو مذكور في السؤال ([[12]](#footnote-12)).

پاسخ:

رفتن زن به زیارت امام رضا  بدون محرم جایز است اگر همان‌طور که در سؤال قیدشده است با موافقت شوهرش انجام شود.([[13]](#footnote-13))

س١٤٤/ ما حكم قراءة القرآن وفق أحكام التجويد المتعارفة من قبل النساء أمام الرجال في مسابقات قرآنية يحضرها بعض المعممين للتحكيم وما شابه ؟

پرسش ۱۴۴:

حکم قرائت قرآن توسط زن‌ها طبق احکام تجوید متعارف در حضور مردها در مسابقات قرآنی که بعضی از معمّمین برای قضاوت و شبیه آن حاضر می‌شوند چیست؟

ج/ الأحكام المذكورة بعضها غير صحيح أو متكلَّف، ومسألة أن يسمع الرجال صوت المرأة لا إشكال فيه خصوصاً للتعلم أو العمل.

پاسخ:

بعضی از احکام یادشده غیر صحیح یا تکلّف‌آور است و مسئلۀ شنیدن صدای زن توسط مردها اشکالی ندارد، به‌خصوص اگر برای آموزش یا کار کردن باشد.

\* \* \*

ما يتعلق بالإرث وحقوق الناس

آنچه به ارث و حقوق مردم تعلق دارد

س١٤٥/ رجل عنده أم وإخوة، هل يجوز له أن يكتب كل ممتلكاته في حياته باسم زوجته؟

پرسش ۱۴۵:

مردی مادر و برادرانی دارد. آیا جایز است که او همۀ دارایی خود را در قید حیات خود به نام همسرش کند؟

ج/ يجوز إذا لم يكن مريضاً بمرض لا يأمن معه من الموت (أي مرض مخوف)، وإلا فليس له حق التصرف بأكثر من الثلث إذا كان ورثته مؤمنين بالحق.

پاسخ:

درصورتی‌که بیماری منجر به مرگ (بیماری خوفناک) نداشته باشد جایز است، وگرنه حق تصرف در بیشتر از یک‌سوم اموال خود را ندارد، درصورتی‌که ورثۀ او مؤمن به‌حق باشند.

س١٤٦/ رب أسرة توفى وترك بيتاً، قام الورثة بتأجير البيت واختلفوا في تقاسم الإيجار الذي يبلغ (٣٠٠.٠٠٠) ديناراً، علماً أن الورثة هم زوجته وابنه وابنته وأمه وأبوه، أفتونا جزاكم الله خيراً.

پرسش ۱۴۶:

سرپرست خانواده‌ای فوت کرده و خانه‌ای باقی گذاشته است. ورثه آن خانه را اجاره داده‌اند و در تقسیم اجاره‌بها که مبلغش سیصد هزار دینار است دچار اختلاف شده‌اند. با توجه به اینکه ورثۀ میت، همسر (زن)، پسر، دختر، مادر و پدر او هستند ما را روشن فرمایید؛ خداوند شمارا جزای خیر عطا فرماید!

ج/ فيما يخص السؤال يقسم البيت أو إيجاره إلى (٧٢) سهماً، وبحسب المبلغ أعلاه تكون قيمة السهم تقريباً (٤١٦٧)، وتقسم كالتالي:

پاسخ:

با توجه به فرضیات این پرسش، خانه یا اجاره‌بها به ۷۲ سهم قسمت و با توجه به مبلغ مذکور، هر سهم تقریباً ۴۱۶۷ (دینار) و به‌صورت زیر تقسیم می‌شود:

الأم: لها السدس أي ١٢ سهم ............ تقريباً = ٥٠.٠٠٠ ديناراً.

مادر: یک‌ششم یعنی ١٢ سهم... تقریباً = پنجاه‌هزار دینار.

الأب: له السدس أي ١٢ سهم .......... تقريباً = ٥٠.٠٠٠ ديناراً.

پدر: یک‌ششم یعنی ۱۲ سهم... تقریباً = پنجاه‌هزار دینار.

الزوجة: لها الثمن أي ٩ أسهم ............. تقريباً = ٣٧.٥٠٠ ديناراً.

همسر (زن): یک‌هشتم یعنی ۹ سهم... تقریباً = سی‌وهفت هزار و پانصد دینار.

الابن: له حصتان مما تبقى أي ٢٦ سهم ... تقريباً = ١٠٨.٣٤٠ ديناراً.

پسر: دو قسمت ازآنچه باقی می‌ماند یعنی ۲۶ سهم... تقریباً =۱۰۸۳۴۰ دینار.

البنت: لها حصة مما تبقى أي ١٣ سهم .... تقريباً = ٥٤.١٦٠ ديناراً.

دختر: یک قسمت ازآنچه باقی می‌ماند یعنی ۱۳ سهم... تقریباً = ۵۴۱۶۰ دینار.

س١٤٧/ امرأة توفت وتركت تريكة مهمة، كيف توزع هذه التريكة، علماً أنّ لها زوجاً وأماً وخمسة أبناء (بنتان وثلاثة أولاد) ؟

پرسش ۱۴۷:

زنی فوت کرده و ارث بزرگی بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه او شوهر، مادر و پنج فرزند (دو دختر و سه پسر) دارد میراث او چگونه تقسیم می‌شود؟

ج/ للزوج ربع، وللأم سدس، والباقي للأبناء للذكر مثل حظ الأنثيين.

پاسخ:

شوهر یک‌چهارم، مادر یک‌ششم سهم می‌برند و مابقی بین فرزندان تقسیم می‌شود و هر پسر دو برابر هر دختر سهم می‌برد.

والتقسيم يكون بأن تقسم التركة إلى ٩٦ سهماً، للزوج منها ٢٤ سهماً، وللأم منها ١٦ سهماً، ولكل ولد من الثلاثة ١٤ سهماً (١٤ +١٤ +١٤)، ولكل بنت ٧ أسهم (٧+٧).

نحوۀ تقسیم کردن آن به این صورت است که ماتَرَک به ۹۶ سهم تقسیم شود: شوهر ۲۴ سهم، مادر ۱۶ سهم، هر یک از سه پسر ۱۴ سهم (۱۴+۱۴+۱۴) و هر دختر ۷ سهم (۷+۷) ارث می‌برند.

س١٤٨/ شخص له بيت بناه من مرتبه ومرتب أولاده وكان راتبه (٦٠٠) دولار وراتب الأولاد كل شخص (١٥٠) وهم أربعة، وكان أحد الأولاد يصرف أكثر من مصرف إخوانه فكيف يقسم البيت، وحتى قطعة الأرض من نفس المورد.

پرسش ۱۴۸:

شخصی خانه‌ای از حقوق خود و فرزندانش بناکرده، حقوق او ۶۰۰ دلار و حقوق هرکدام از فرزندانش ۱۵۰ دلار است و آنها چهار نفر هستند و یکی از فرزندان بیشتر از برادرانش مصرف کرده است. حال این خانه چگونه تقسیم می‌شود؟ و حتی وضعیت این قطعه زمین نیز به همین صورت می‌باشد.

هل من حق الاب أن لا يعطي أحد أولاده من حصته بما أن له نصف البيت لأن أحد الأولاد طالب بحصته، فكيف تكون القسمة ؟

آیا پدر می‌تواند به یکی از فرزندانش از سهم خودش ندهد چراکه نصف خانه از آنِ او است و یکی از فرزندان سهمش را می‌خواهد. خانه چگونه باید تقسیم شود؟

ج/ للولد الذي دفع مالاً اقل حصة بمقدار ما دفع، وللبقية كل واحد حصة بمقدار ما دفع ومنهم الاب، وللاب كما لأي أحد أن يتصرف بماله في حياته ويهبه لمن يشاء من أبنائه وغيرهم طالما أنه ليس بمرض الموت أو بمرض خطير يخشى عليه منه الموت.

پاسخ:

فرزندی که به او مالی پرداخت‌شده است، به نسبت مالی که به او پرداخت‌شده نصیب کمتری تعلق می‌گیرد و نصیب بقیه ـ‌ازجمله پدر‌ـ به‌اندازۀ مقداری که پرداخت کرده‌اند می‌باشد. پدر مانند هر شخص دیگری می‌تواند در قید حیاتش در مالش تصرف کند و به هر یک از فرزندانش یا هر کس دیگر که مایل است مالش را ببخشد؛ و این در صورتی است که به مرض منجر به مرگ یا بیماری خطرناکی که بیم مرگ از آن وجود دارد مبتلا نباشد.

س١٤٩/ في عام ١٩٨٠ تقريباً كان لدي مال ١٢٠ دينار عراقي لأحد الناس، ثم مات بالحرب آنذاك، ولم أعرف له أقارب، ولا أعرف الآن كيف لي أن أبرئ ذمتي من هذا المبلغ، وكيف أدفعه فهو الآن لا قيمة له.

پرسش ۱۴۹:

در سال ۱۹۸۰ تقریباً ۱۲۰ دینار عراقی از شخصی گرفته بودم. وی آن موقع در جنگ مُرد و من نزدیکان او را نمی‌شناسم و اکنون نمی‌دانم چطور می‌توانم ذمه‌ام را از این مبلغ بَری کنم؛ چراکه این مبلغ در حال حاضر ارزشی ندارد.

ج/ إذا كان له ورثة تعرفهم فلابد من إعطائها لهم، وإذا لم يكن له ورثة أو إنك لا تعرفهم، فتصدق بها نيابة عنه على المحتاجين من المؤمنين، وبالنسبة للمبلغ فتقيمه في هذا الوقت، أي كأن تنظر إلى المبلغ في ذاك الوقت كم يعادل من عملة أخرى مستقرة أو من الذهب وتقيمه في هذا الوقت.

پاسخ:

اگر ورثه‌ای دارد که آنها را می‌شناسی، باید مبلغ را به آنها بدهی و اگر ورثه‌ای ندارد یا شما آنان را نمی‌شناسی، آن مبلغ را به نیابت از او به مؤمنان نیازمند صدقه بده. مبلغ باید بر اساس ارزش پول در این زمان باشد؛ یعنی به ارزش مبلغ در آن موقع نگاه کن و ببین چه‌کاری با آن می‌توانستی انجام دهی یا در مقایسه با طلا چقدر ارزش داشت و ارزشش را در زمان حاضر برآورد کن.

س١٥٠/ من سنة ١٩٩٣ ولغاية ١٩٩٦م كنت أعمل في قلم الوحدة في الجيش، وأخذت مبالغ من الناس قدرها (٤) ملايين دينار تقريباً لأغراض التسريح وتسهيل أمور المعاملات، فما حكم هذه الأموال ؟ علماً إني كنت أعيل بيت عمي وهم يتامى وأصرف عليهم من هذه الأموال.

پرسش ۱۵۰:

از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ میلادی در بخش اداری یگان ارتش کار می‌کردم و از مردم مبالغی برای مرخصی دادن و کارچاق‌کنی معاملات می‌گرفتم که تقریباً ۴ میلیون دینار می‌شود. حکم این اموال چیست؟ با توجه به اینکه من خانوادۀ عمویم ـ‌که یتیم هستند‌ـ را سرپرستی و از این اموال برای آنها مصرف می‌کردم.

ج/ إذا كنت تعرف أصحاب هذه الأموال فيجب إعادتها لهم أو تحصيل براءة الذمة منهم، وإذا كنت تجهلهم فتصدق بها على الفقراء نيابة عن أصحابها، وإذا كنت قد أعلت بها أيتاماً أو فقراء فلا حاجة للتصدق بها مرةً أخرى.

پاسخ:

اگر صاحبان این اموال را می‌شناسی باید اموال را به آنها بازگردانی یا ذمه‌ات را از آنها بری کنی، و اگر آنها را نمی‌شناسی با این اموال به نیابت از صاحبانشان صدقه بده، و اگر با این اموال، ایتام یا فقرایی را سرپرستی کرده‌ای، نیازی به صدقه دادن دوباره‌ی آنها نیست.

س١٥١/ كان يعمل في الاتحاد الوطني بزمن الطاغية صدام (لعنه الله)، وهناك أموال مجموعة من الطلبة، ويبقى منها، كان يتصرف بها الأعضاء. فما حكمها لإبراء ذمتهم ؟

پرسش ۱۵۱:

شخصی در زمان صدام طغیانگر (لعنه‌الله) در اتحادیه‌ی وطنی کار می‌کرده که در آنجا اموال مجموعه‌ای از دانشجویان بوده است. مقداری از آن اموال باقی‌مانده و اعضا در آن تصرف می‌کردند. حکم بری کردن ذمه از این اموال برای این افراد چیست؟

ج/ يتصدق بها على الفقراء.

پاسخ:

با آن به فقرا صدقه بدهد.

س١٥٢/ شخص عنده سيارة فصدمه آخر بشكل غير متعمد، هل يجوز أخذ عوض صدمة سيارته، علماً أنها نقصت من قيمتها بعد أن كانت حديثة ؟

پرسش ۱۵۲:

شخصی ماشینی دارد و غیر عمد به فردی صدمه وارد کرده است. آیا این شخص می‌تواند در عوض خسارت، ماشین آن شخصی را بگیرد؟ با توجه به اینکه ماشین نو بوده و از قیمت آن کاسته شده است؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

\* \* \*

اللقطة واللقيط

شیء پیداشده و کودک سرراهی

س١٥٣/ لقطة (محبس عقيق) لم أُعرّف به، هل يجوز أن ألبسه بالصلاة، وما حكمه الشرعي؟

پرسش ۱۵۳:

انگشتری عقیق پیدا کردم که صاحبش را نمی‌شناسم. آیا جایز است در نماز از آن استفاده نمایم؟ حکم شرعی‌اش چیست؟

ج/ عَرِّف به فإن لم تجد صاحبه فالأفضل أن تتصدق بثمنه، ثم ألبسه في الصلاة وغيرها.

پاسخ:

صاحبش را جست‌وجو کن. اگر صاحبش را نیافتی بهتر است به‌اندازۀ قیمتش صدقه بدهی سپس در نماز و سایر موارد از آن استفاده کنی.

س١٥٤/ ابنٌ لقيط كبر عند أناس من (٢١) سنة، مشكلة تزويجه، ونسبته لأب الأسرة، وإخبار زوجته من عدم إخبارها، علماً أنّه لا يصوم ولا يصلي، وهو يعلم بحاله، فما حكمه ؟

پرسش ۱۵۴:

بچه‌ای سرراهی نزد خانواده‌ای به سن ۲۱ سالگی رسید. آیا در ازدواج کردنش و نسبت دادن او به پدر این خانواده و اطلاع دادن یا عدم اطلاع دادن موضوع به همسر آینده‌اش اشکالی وجود دارد؟ با توجه به اینکه او نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد و از وضعیت خودش آگاه است و همین‌طور تاکنون مرتکب جرم و یا معصیتی نشده است؟

ج/ اللقيط لا يحكم بأنّه ابن زنا إلا إذا علم أنّه ابن زنا بدليل شرعي صحيح، وبالتالي فاللقيط يعتبر إنساناً مجهول الأب والنسب، ولا يجوز أن ينسبه إنسان إلى نفسه، ولو فعل لا يصح، بل هو إذا كان مؤمناً فأخوكم في الدين، ويجب على المجتمع المؤمن معاملته على أنّه مجهول النسب لا على أنّه ابن زنا، فمن يعامله على أنّه ابن زنا يرتكب إثماً، وأمّا حال هذا الشخص بالذات فيجب حثّه على الصلاة والصوم، وقبل ذلك حثّه على الإيمان وموالاة ولي الله، والبحث له عن زوجة ترضى بحاله كونه مجهول النسب، والله الموفق.

پاسخ:

سرراهی بودن به معنی حرام‌زاده بودن نیست مگر اینکه با دلیل شرعی صحیح ثابت شود و درنهایت چنین شخصی، انسان مجهول‌النَسَب محسوب می‌شود و پدر و نسب نامشخص دارد و جایز نیست کسی او را به خودش منسوب کند و اگر چنین کند، صحیح نیست. اگر او مؤمن باشد برادر دینی شما محسوب می‌شود و بر جامعۀ مؤمن واجب است که با او به‌عنوان مجهول‌النسب معامله کنند نه به‌عنوان حرام‌زاده و هر که با او به‌عنوان حرام‌زاده معامله کند مرتکب گناه شده است؛ اما در مورد این شخصِ به‌خصوص، باید او را به نماز و روزه ترغیب نمود، و قبل از آن به ایمان و پیروی از ولیّ خدا. در خصوص همسرش، باید به مجهول‌النسب بودن او رضایت دهد. خداوند توفیق رسان است.

\* \* \*

السرقة

سرقت

س١٥٥/ انتشرت في الأيام الأخيرة ظاهرة التحايل على سيرفر منظومات - مراكز الإنترنت - بحيث يمكن للمستخدم أن يتصل على شبكة الإنترنت بدون أن يدفع اشتراك لصاحب المركز، حيث يستخدم نوع من البرامج تمكنه من الدخول للشبكة بواسطة عنوان أحد المشتركين الفعليين لصاحب المركز و تسمّى العملية بالعامية (التجطيل على الإنترنت)، فما حكم الشخص الذي يقوم بهذه العملية ويسحب خطاً مجاناً، علماً إنّ أغلب المراكز ليست حكومية وإنّما تابعة لأشخاص معينين من عامّة الناس.

پرسش ۱۵۵:

امروزه در بسیاری از نقاط جهان می‌توان به روش‌های مختلف سِرورهای اینترنتی را به‌گونه‌ای هک کرد که بدون پرداخت هزینه به صاحبش، کاربر توانایی متصل شدن به شبکۀ اینترنت را به دست آورد؛ به این صورت که با استفاده از یک نرم‌افزار امکان وارد شدن به شبکه با استفاده از مشخصات یکی از مشترکان فعلی مرکز امکان‌پذیر می‌باشد. این عمل اصطلاحاً هک کردن اینترنتی نامیده می‌شود. حکم شخصی که چنین عملی انجام دهد و خط مجانی به دست آورد چیست؟ با توجه به اینکه بیشتر این مراکز حکومتی نیستند و متعلق به اشخاص خاصی از عموم مردم می‌باشند.

ج/ لا يجوز، إلا إن كان صاحب المال ينصب العداء للأئمة والمهديين فعندها يكون غير محترم المال.

پاسخ:

جایز نیست مگر اینکه صاحب شبکه دشمنی با ائمه و مهدیین داشته باشد؛ در این صورت مال او محترم نیست.

س١٥٦/ لقد سرقت الكثير من أموال الناس، وأعرف بعض من سرقت منهم، إلا أني لا أستطيع إرجاع حقهم إليهم خوفاً من أن أُلقى في السجن من جهة، ولعدم قدرتي على إيفائها من جهة ثانية؛ وذلك لخلو يدي من المال فلا يوجد عندي ما أفي به ما سرقته، فماذا أفعل ؟

پرسش ۱۵۶:

اموال بسیاری از مردم سرقت کرده‌ام و برخی از کسانی که از آنها سرقت کرده‌ام را می‌شناسم. نمی‌توانم حقشان را بازگردانم زیرا از یکسو ترس به زندان افتادن را دارم و از سوی دیگر توانایی انجام آن را ندارم، زیرا دستم خالی است و مالی که بتوانم با آن اموال دزدی را برگردانم ندارم. چه باید بکنم؟

يمكنني القول إنّ جميع ما في بيتي الآن من البطانيات والفراش وغيره من وسائل المنزل من السرقات، بل كل ما أملكه من المسروقات، أو مشترى بأموال مسروقة.

می‌توانم بگویم که هر آنچه در خانه‌دارم از پتوها، فرش‌ها و سایر وسایل منزل همه دزدی هستند؛ و حتی تمام مایَملک من دزدی است یا با پول دزدی خریده شده است.

ماذا أصنع بالأموال التي تأتي إلي من شركائي في المسروقات، إذ توجد أموال بيني وبينهم لا زالت عندهم لم أستلمها ؟

با سهم اموال دزدی که نزد شریکانم دارم چه کنم؟ زیرا اموالی بین من و آن‌ها بوده که همیشه نزدشان بوده است و من آ‌ها را نگرفته‌ام.

لقد سرقت مع شركائي في هذا العمل المنكر جهاز تبريد (مكيّف) من أحد المساجد، علماً أني كنت كارهاً لذلك إلا إنهم أجبروني على السرقة، وأريد تطهير نفسي، فلطالما أوجع قلبي هذا العمل.

همراه شریکانم در این عمل زشت سیستم خنک‌کننده (کولر) از یکی از مساجد را دزدیدم. من از این کار کراهت داشتم و آنها مرا مجبور به سرقت کردند. می‌خواهم خودم را پاک‌کنم و دیرزمانی است که انجام این کار (زشت) قلبم را به درد آورده است.

ج/ لتحقق التوبة الحقيقية لابد أن تفعل كل ما يمكنك لإعادة الحق إلى أصحابه، ولكن دون أن يكون هناك ضرر، وما لا يمكنك إرجاعه فليس عندك إلا الاستغفار والندم، وإن شاء الله يغفر لك الله إن علم بصدق توبتك.

پاسخ:

برای محقق شدن توبۀ حقیقی باید هر کاری که در توان داری انجام بدهی تا حق به صاحبانش بازگردد ‌ولی بدون اینکه ضرری در آن باشد‌. در مورد آنچه که توانایی بازگرداندنش را نداری جز استغفار و پشیمانی کار دیگری نمی‌توانی انجام دهی و ان‌شاءالله خداوند اگر درستی توبه‌ات را بداند، تو را می‌بخشد.

وبالنسبة لما في بيتك من الحرام فاعد ما يمكنك لمن سرق منهم إن لم يقع عليك ضرر من ذلك، وتصدق بما يمكنك من مال عن ما في بيتك، أما الأموال التي من السرقة عند رفقاء السوء فلا تأخذها منهم وعظهم وذكرهم بالله والآخرة لعل الله يكتب توبتهم على يديك.

در مورد آنچه در خانه‌ات از مال حرام وجود دارد، هر آنچه را که برایت مقدور است به کسانی که از آنها دزدیده‌ای بازگردان ـ‌درصورتی‌که برایت ضرری نداشته باشد‌ـ و تا حد توانت هر آنچه از اموالی که در خانه‌ات است را صدقه بده؛ اما در مورد اموال سرقتی که نزد دوستان بدنهاد است، آن اموال را از آنها نگیر و آنها را موعظه کن و به یاد خدا و آخرت بینداز تا شاید خداوند توبه و بازگشت آنها را به دست‌تو بنویسد.

\* \* \*

التوبة

توبه

س١٥٧/ أنا مهندس،كنت أعمل في شركة أمريكية متخصصة مدنية في بناء المدارس والمستشفيات في العراق، وكنت ممن أحسن الظن بالأمريكان وبأنّهم خلصونا من حكم صدام وكنت أهادن وأجالس المهندسين الأمريكيين وأعتبرهم أصدقاء لي، لكنني الآن ندمت ندماً شديداً على مجالستي ومخالطتي ومهادنتي لهم. الآن وبعد قرائتي لخطاباتكم التي تعتبرون فيها أنّ أمريكا هي الدجال، وإنّها فتنة، سؤالي هو: هل تقبل التوبة ممن هادنوا وساروا في الركب الأمريكي ؟

پرسش ۱۵۷:

من یک مهندس هستم و در یک شرکت آمریکایی تخصصی شهرسازی در ساخت مدارس و بیمارستان‌ها در عراق مشغول به کار و به آمریکایی‌ها خوش‌بین بودم؛ چراکه آنها ما را از حکومت صدام نجات داده بودند. من با آنها و با مهندسان‌شان حشرونشر داشتم و آنها را دوستان خودم می‌دانستم؛ اما اکنون بسیار پشیمانم که با آنها نشست‌وبرخاست و اختلاط و سازش داشته‌ام.

اکنون پس‌ازاینکه گفتارهای شما را خواندم که آمریکا را دجال و فتنه خوانده‌اید پرسشی دارم: آیا توبۀ کسانی که با آمریکایی‌ها سازش کرده و در رکاب آنها بوده‌اند مورد قبول است؟

هل تقبل توبتهم الآن إذا تابوا قبل خروج الإمام ؟ أم أنّ الإمام سيبادر إلى اجتثاثهم وقتلهم حتى لو تابوا ؟ أي إنّ الذي وقع في فتنة الدجال لا تقبل منه التوبة ؟

آیا اگر آنها قبل از خروج امام  توبه کنند، توبه‌شان پذیرفته می‌شود؟ یا اینکه امام اقدام به ریشه‌کن کردن و کشتار آنها می‌کند، حتی اگر توبه کرده باشند؟ یا به‌عبارت‌دیگر کسی که در فتنۀ دجال گرفتارشده باشد آیا توبه‌اش پذیرفته می‌شود؟

ج/ الأمريكان أنفسهم إذا تابوا وآمنوا فإنّ الله يقبل توبتهم وإيمانهم. واعلم أنّ أحب الخلق إلى الله الشاب التائب من الذنب. وفي قوله تعالى:*﴿***قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ***﴾* الزمر: ٥٣.كفاية لمن تاب وآمن فاستأنف العمل في طاعة الله، واعمل ما يرضيه سبحانه: *﴿***وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى***﴾* الضحى: ٤.

پاسخ:

اگر خود آمریکایی‌ها هم توبه کنند و ایمان بیاورند خداوند توبه‌شان را قبول خواهد کرد و بدان که عزیزترین خلق نزد خدا، جوان توبه‌کننده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿(بگو: ای بندگان من که به زيان خويش اسراف کرده‌ايد، از رحمت خدا مأيوس مشويد زيرا خدا همۀ گناهان را می‌آمرزد؛ او آمرزنده و مهربان است)﴾([[14]](#footnote-14)). همین‌که شخص توبه کند و ایمان آورد و شروع به عمل در طاعت از خداوند سبحان و آنچه مورد رضای او است بنماید برایش کفایت می‌کند:﴿ (هرآینه آخرت برای تو بهتر از دنيا است)﴾([[15]](#footnote-15)).

واذكر الله، فإنّ في ذكره جلاء القلوب وطهارتها. *﴿***وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ***﴾*آل عمران: ١٣.

همیشه خدا را یاد کن که در یاد او صفا و پاکی قلب‌ها است.

﴿(و کسانی که چون مرتکب کاری زشت شوند يا به خود ستمی کنند، خدا را ياد می‌کنند و برای گناهان خويش آمرزش می‌خواهند و کيست جز خدا که گناهان را بيامرزد؟ و چون (به زشتی گناه) آگاه‌اند در آنچه می‌کردند پای نفشرند)﴾([[16]](#footnote-16)).

س١٥٨/ (أنا ...) سؤالي هل أنا ارتكبت خطيئة، هل الله يحاسبني على هذا الشيء ؟ أنا دائماً حزينة ومهمومة ودائمة البكاء لا يفارقني، أرجوكم ساعدوني أريد أن أرتاح حتى لو يوم واحد.

پرسش ۱۵۸:

(من...) سؤالم این است که آیا گناهی مرتکب شده‌ام؟ آیا خداوند مرا به خاطر چنین چیزی مؤاخذه می‌کند؟ من همیشه نگران و مضطرب هستم و گریه رهایم نمی‌کند. از شما چشم یاری دارم. می‌خواهم به آرامش برسم حتی اگر به‌اندازۀ یک روز باشد. تقاضا دارم پاسخ مرا به تأخیر نیندازید.

ج/ لا حول ولا قوّة إلا بالله العلي العظيم وبه نستعين.

إنّ الله سبحانه غفار الذنوب ستار العيوب، فهو يغفر ذنوب المستغفرين التائبين حتى يُنسي الملائكة الكاتبين ما كتبوا، بل ويُنسي حتى الأرض التي أذنب عليها التائب ما ارتكب عليها من معصية الله، فلو كنتِ مذنبة فإنّ الله يقبل توبة التائبين ويغفر للمستغفرين، بل إنّ من أحب الخلق إلى الله الشاب التائب من الذنب. وإن لم تكوني فإنّ الله يجازي الظالمين والمظلومين كل بما ظلم وبما وقع عليه من الظلم. فلا تخافي أن يحيف عليك الله، وأكثري من ذكر الله، ولا يخدعك الشيطان ويأخذك في دهاليز بعيدة عن طاعة الله كالانتحار أو أي شيء لا يُرضي الله. واعلمي أنّ بذكر الله تطمئن القلوب.

پاسخ:

لاحول ولا قوة إلا باالله العلی العظیم و به نستعین.

خداوند سبحان بخشایندۀ گناهان و پوشانندۀ عیب‌ها است. او گناهان استغفار‌کنندگان توبه‌کننده را می‌بخشاید تا فرشتگان نویسنده را به آنچه نوشته‌اند فراموشی دهد و حتی زمینی که توبه‌کننده بر روی آن معصیت کرده است را نیز فراموشی می‌دهد. اگر شما (زن) گناهکار باشی، خداوند توبۀ توبه‌کنندگان را می‌پذیرد و استغفار کنندگان را می‌آمرزد و حتی محبوب‌ترین خلق در نظر خدا، جوان توبه‌کننده از گناهش است؛ اما اگر از توبه‌کنندگان نباشی، خداوند ظالمین و مظلومین را جزا می‌دهد، به خاطر ظلمی که کرده و به خاطر ظلمی که بر او واقع‌شده است. نترس از اینکه خداوند تو را نبخشاید و از ذکر خدا غافل مشو. شیطان تو را فریب ندهد و تو را به راه‌های تاریک و دور از اطاعت خدا مانند خودکشی یا هر آنچه خدا از آن راضی نباشد نبرد و بدان که فقط با یاد خدا قلب‌ها به اطمینان می‌رسند.

س١٥٩/ أنا عبد عندي ذنوب كثيرة أيام الشباب وكان الشيطان (لعنه الله) مسيطر عليّ، هذه النفس الحقيرة ارتكبت خطأ مع امرأة عندما كان عمري ١٤، وقدمت اعتذاري لها عدة مرات ولكن لم تقبل اعتذاري، وطلبت براءة ذمتي مما بدر مني ولكن لن تفعل، وأنا لحد الآن أحس بتأنيب الضمير.

پرسش ۱۵۹:

من بنده‌ای هستم که در جوانی گناهان زیادی مرتکب شده‌ام و شیطان ـ‌که لعنت خدا بر او باد‌ـ بر من مسلط بود. این نفس حقیر وقتی‌که ۱۴ ساله بودم خطایی با زنی انجام داد. بعدازآن بارها از آن زن عذرخواهی کردم ولی او پوزش مرا نپذیرفت. بابت آنچه از من سرزده بود از او خواستم ذمّه‌ام را بری کند ولی او زیر بار نرفت و تا همین لحظه به عذاب وجدان گرفتارم.

ج/ بالنسبة للذنوب فإن الله تعالى قال: *﴿***وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُواْ أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُواْ اللّهَ فَاسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللّهُ وَلَمْ يُصِرُّواْ عَلَى مَا فَعَلُواْ وَهُمْ يَعْلَمُونَ***﴾*آل عمران: ١٣٥.

پاسخ:

خدای متعال در مورد گناهان می‌فرماید: ﴿(و کسانی که چون مرتکب کاری زشت شوند يا به خود ستمی کنند، خدا را ياد می‌کنند و برای گناهان خويش آمرزش می‌خواهند و کيست جز خدا که گناهان را بيامرزد؟ و چون (به زشتی گناه) آگاه‌اند در آنچه می‌کردند پای نفشرند)﴾([[17]](#footnote-17)).

وقال تعالى: *﴿***قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ***﴾* الزمر: ٥٣.

و نیز می‌فرماید: ﴿(بگو: ای بندگان من که به زيان خويش اسراف کرده‌ايد، از رحمت خدا مأيوس مشويد زيرا خدا همۀ گناهان را می‌آمرزد؛ او آمرزنده و مهربان است)﴾([[18]](#footnote-18)).

فتوسل إلى الله أن يغفر لك ذنبك ويمنّ عليك برحمته، وادع بدعاء الإمام زين العابدين في يوم الاثنين وبهذا الدعاء بعد صلاة الليل وبعد صلاة الفجر: (الهي أسألك أن تتحمل عني كل دين في رقبتي لعبد من عبيدك، وأن تبعثني يوم القيامة وليس لأحد من عبيدك في رقبتي دين أو مظلمة يطالبني بها حتى ألقاك وأنت راض عني، يا رؤوف يا رحيم يا جواد يا كريم اغفر لي ذنوبي كلها جميعاً بجودك وكرمك، يا الله يا رحمن يا رحيم اغفر لي الذنب العظيم إنه لا يغفر الذنب العظيم إلا العظيم، يا عظيم ما لي إله غيرك فادعوه ولا شريك لك فارجوه صلِّ على محمد وآل محمد وخلصني مما أنا فيه ومما أخاف وأحذر بلطفك الخفي).

به خداوند متوسّل شو تا گناهت را بیامرزد و با رحمتش بر تو منّت نهد. همچنین دعای امام زین‌العابدین در روز دوشنبه را بخوان. این دعا را بعد از نماز شب و بعد از نماز صبح قرائت کن: (بارالها! از تو درخواست می‌نمایم مرا از تمام دیونی که از بندگانت بر گردنم است، رها نمایی و مرا در حالی روز قیامت مبعوث نمایی که از سوی هیچ‌یک از بندگانت دِین یا شکایتی بر گردنم نباشد که از من مطالبه‌اش نماید تا تو را ملاقات کنم درحالی‌که از من راضی و خوشنود باشی. ای رئوف، ای رحیم، ای بخشاینده، ای کریم، با جود و کرمت تمامی گناهان مرا ببخش و بیامرز. ای الله، ای رحمان، ای رحیم! گناه بزرگ مرا ببخش و بیامرز که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌بخشاید. ای عظیم، خدایی جز تو ندارم که بخوانمش و هیچ شریکی نداری که از او چشم امید داشته باشم. بر محمد و آل محمد درود و صلوات فرست و به لطف پنهانت مرا ازآنچه در آن هستم و ازآنچه می‌ترسم و پرهیز می‌نمایم خلاص فرما)!

\* \* \*

هذا آخر ما دونته من أجوبة الإمام أحمد الحسن الفقهية المتفرقة التي جمعتها في هذا الجزء، سائلاً الله سبحانه أن يمكِّن له في أرضه وينصره نصراً عزيزاً، وأن ينفع به عباده المؤمنين، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

١٥ شوال ١٤٣٢ ه

این آخرین مطلبی است که از پاسخ‌های فقهی متفرقۀ امام احمدالحسن  در این مُجلّد گردآوری کرده‌ام. از خداوند سبحان مسئلت دارم که او را در زمینش تمکین دهد و او را نصرتی شکست‌ناپذیر عطا فرماید و بندگان مؤمنش را از او بهره‌مند گرداند!

والحمد لله رب العالمین و صلی‌الله علی‌محمد و آل محمد الائمه و المهدیین و سلم تسلیما کثیرا.

۱۵ شوال ۱۴۳۲ ه([[19]](#footnote-19))

\*‌ \* \*

**الفهرس**

تقديم ...................................................................................... 3

الشعائر الحسينية ............................................................................ 5

القسم بالاولياء ............................................................................. 7

النذر والتبرع ................................................................................ 7

دولة الظالمين ................................................................................ 9

ما يتعلق بدعوة الحق والمخالف لها ........................................................... 14

بر الوالدين ................................................................................ 16

الأطعمة والأشربة .......................................................................... 17

التدخين وحلق اللحية وبعض ما يخص الرجال ................................................ 22

التجارة والمعاملات ......................................................................... 24

بعض الأعمال والوظائف ................................................................... 26

البنوك والقروض الربوية ..................................................................... 28

عقد التأمين ............................................................................... 31

الموسيقى والرسم وبعض الألعاب ............................................................ 32

مسائل طبية وعمليات التجميل ............................................................. 34

التبرع بالأعضاء وتشريح الجثث ............................................................. 35

منع الحمل والتلقيح والاستنساخ ............................................................. 36

زينة المرأة وبعض ما يخصها ................................................................. 39

ما يتعلق بالإرث وحقوق الناس ............................................................. 43

اللقطة واللقيط ............................................................................ 45

السرقة .................................................................................... 46

التوبة ..................................................................................... 47

الفهرس ................................................................................... 50

والحمد لله رب العالمين

1. - غیبت نعمانی: ص 129. [↑](#footnote-ref-1)
2. - 20 شهریور 1390 هجری شمسی (مترجم). [↑](#footnote-ref-2)
3. - بقره:30. [↑](#footnote-ref-3)
4. - لقمان: 15. [↑](#footnote-ref-4)
5. - لقمان: 15. [↑](#footnote-ref-5)
6. - لقمان: 15. [↑](#footnote-ref-6)
7. - نور: 31. [↑](#footnote-ref-7)
8. **- ولكل شخص محارم، وهؤلاء المحارم يحرم الزواج منهم أبداً سواء كان الشخص الذي له محارم رجل أو امرأة. وأما الآن فنحن نريد تبيان محارم الأنثى: وهو من يحرم لها نكاحهم أبداً، وهم يکونون علی ثلاث أقسام: إما بنسب، أو إرضاع، أو مصاهرة، كالأب والجد وإن علا سواء كان من طرف الأم أو من طرف الأب، والابن والحفيد وإن نزل، والأخ من أحد الأبوين فضلاً إن كان من كليهما، وأبنائهما وإن نزلوا، وأبناء الأخت كذلك من أحد الأبوين وإن نزلوا فضلاً إن كانوا من كليهما، وزوج البنت وإن نزلت، وزوج الأم بعد الدخول، وابن الزوج بعد الدخول، والعم، وعم الأب وعم الأم والخال وخال الأب وخال الأم، وأبوا الزوج وجده من کلا أبويه وإن علوا.** [↑](#footnote-ref-8)
9. **- عن أبي عبد الله الصادق ، قال: قلت له: ما يحل للرجل أن يرى من المرأة إذا لم يكن محرماً ؟ قال: (الوجه، والقدمان، والكفان). عن أبي الجارود، عن أبي جعفر ، في قوله: (وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها)، قال: (هي الثياب، والكحل، والخاتم، وخضاب الكف، والسوار. والزينة ثلاثة: زينة للناس، وزينة للمحرم، وزينة للزوج، فأما زينة الناس، فقد ذكرناه، وأما زينة المحرم: فموضع القلادة فما فوقها، والدملج (\*) وما دونه، والخلخال وما أسفل منه، وأما زينة الزوج: فالجسد كله).**

   **(\*) الدّملج: المعضد من الحليّ. (لسان العرب- دملج- 2: 276).** [↑](#footnote-ref-9)
10. - هرکسی محارمی دارد، و ازدواج با این محارم برای همیشه حرام است؛ خواه این محارم مرد باشند یا زن. اکنون قصد داریم حکم محارم زن را بیان کنیم: محارم یک زن کسانی هستند که ازدواج با آن‌ها برای او برای همیشه حرام است، و بر سه قسم هستند: یا نَسَبی هستند، یا رضاعی هستند و یا مصاهره (از طریق ازدواج محرم هستند)؛ مثل پدر و جد و هر چه بالا می‌رود از طرف مادر باشد یا پدر فرقی ندارد، و پسر و نوه هر چه پایین می‌رود، و برادر از پدر یا مادر چه رسد به برادر پدری و مادری، و فرزندان آن‌ها هر چه پایین می‌روند، و فرزندان خواهر پدری یا مادری چه رسد به هر دو هر چه پایین می‌روند، و همسر دختر هر چه پایین می‌رود، و شوهر مادر بعد از دخول، و پسر شوهر بعد از دخول، و عمو و عموی پدر و مادر و دایی و دایی پدر و مادر و پدرزن و مادرزن هر چه بالاتر می‌روند. [↑](#footnote-ref-10)
11. - از امام صادق راجع به اینکه «آنچه بر مرد از نگاه کردن بدن زن نامحرم حلال است» روایت‌شده است که فرمود: (صورت، دو قدم پا، و دو کف دست است). از ابو جارود از امام باقر در تفسیر آیه‌ی ﴾وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴿ (و زینت‌هاى خود را جز آن مقدار كه پیدا است آشكار نكنند) (نور: 31) روایت‌شده است که فرمود: (منظور پیراهن، سرمه، انگشتر، خضاب نمودن کف دست و دستبند است. زینت‌های سه‌گانه عبارت‌اند از: زینت برای مردم، زینت برای محرم و زینت برای همسر؛ اما زینت برای مردم را بیان نمودیم، و اما زینت برای محرم جایگاه گردنبند و بالاتر از آن و از آرنج به پایین و خلخال (زینتی که وسط ساق پا بسته می‌شود) به پایین است، اما زینت برای همسر: تمام بدن زن است). [↑](#footnote-ref-11)
12. **- الجواب مستفاد من السيد أحمد الحسن/ الشيخ ناظم العقيلي.** [↑](#footnote-ref-12)
13. - پاسخ از سید احمدالحسن گرفته‌شده است ـ شیخ ناظم عقیلی. [↑](#footnote-ref-13)
14. - زمر: 53. [↑](#footnote-ref-14)
15. - ضحی: 4. [↑](#footnote-ref-15)
16. - آل عمران: 135. [↑](#footnote-ref-16)
17. - آل عمران: 135. [↑](#footnote-ref-17)
18. - زمر: 53. [↑](#footnote-ref-18)
19. - 22 شهریور 1390 هجری شمسی (مترجم). [↑](#footnote-ref-19)